



صبر تاکتیکی برای لایوشانی ناتوانی استراتژیک



امیر حاتمی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و محسن فخری زاده

● به نظر می‌رسد بازگشت به میز مذاکره تنها گزینه جمهوری اسلامی است بدون آنکه برای انجام مذاکره و یا نتایج آن تضمینی وجود داشته باشد.

تفسیر سیاسی هفته رادر صفحه ۲ بخوانید

پرسی که در انتظار همه مسئولان تباهاکار است:

چرا!؟



در دی ۱۳۹۶ هشت سال از اعتراضاتی که به «جنبش سبز» معروف شده گذشته بود. جنبشی کاملاً مسالمت‌آمیز از سوی قشرهای متوسط و امیدوار به اصلاحات در فاشیسم مذهبی و به دنبال «رای» در یک انتخابات استوایی که با پشتیبانی مخالفان پیگیر جمهوری اسلامی نیز همراه شد. ولی از جمله به دلیل نخواستن و نتوانستن آنهایی که «رهبر» این جنبش خوانده شدند و همچنین ترجیح دولت اواما برای معامله اتمی، وحشیانه و خونین سرکوب شد.....

ادامه در صفحه ۲

بودجه ۱۴۰۰

خیالپرووری همراه با امید بدون تدبیر!

دولت روحانی آخرین لایحه بودجه دولت زمامداری هشت ساله‌اش را روز چهارشنبه ۱۲ آذر ۱۳۹۹ به مجلس شورای اسلامی ارائه داد. آنهم در حالی که بودجه‌نویسی به سبک دولت «تدبیر و امید» هر سال بدتر از سال پیش بوده و بر اساس لایحه ۱۴۰۰ نیز باید منتظر فاجعه‌های بیشتری در اقتصاد کشور بود. تنش و رویارویی میان دولت روحانی و نمایندگان «انقلابی» مجلس یازدهم در شیوه ارائه لایحه بودجه نیز خود را نشان داد و برخلاف همیشه رئیس دولت و رئیس سازمان برنامه و بودجه به مجلس نیامده و بودجه را با پیک فرستادند.

مصرف منابع مردم برای آرمان‌های انقلاب!

سال هاست بودجه کشور پر از ردیف‌هایی با ارقام قابل توجه است که به مصرف تبلیغ و ترویج اندیشه‌های مذهبی و مکتبی گروه حاکم می‌رسد و محورهای توسعه و پیشرفت هیچ نقشی در آن ندارد.....

ادامه در صفحه ۲

افزایش ۱۱۸.۲ درصدی قیمت مسکن؛ بار سنگین گرانی بر شانه‌های ضعیف قشرهای تنگدست

اورشلیم پست: هیچ سطحی از دیپلماسی بی‌لیاقتی شرورانه رژیم ایران را از بین نخواهد برد

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۹۸) - احمد احرار
«انجمن فرهنگی ایران و دانمارک» در گفتگو با دکتر فریدون وهمن



تأثیر حذف فخری زاده بر مذاکرات احتمالی جمهوری اسلامی و آمریکا

اسلامی وی را به عنوان «پدر بمب اتمی ایران» قلمداد کرده است، در یک عملیات در نزدیکی تهران کشته شد. هنوز یک سال از شکار قاسم سلیمانی و کشته شدن وی در حوالی فرودگاه بغداد ...

کمتر از سه ماه پس از آنکه حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهدید کرد «اگر تا ر مویی از سر یک ایرانی کم شود، تمام کرک و پشم دشمنان را برباد خواهد داد» محسن فخری‌زاده که جمهوری

در ستایش ناسیونالیسم و ملی‌گرایی

مرد روز: نشانه‌ها و علائم فرسودگی شغلی در محل کار

زن روز: چرا نباید سر کودکان فریاد بزنیم؟



وبسایت کیمهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

فکس نیوز: برنامه سلاح‌های اتمی جمهوری اسلامی ایران اکنون در چه وضعیتی قرار دارد؟



با خوابیدن گرد و غبار کشتن محسن فخری‌زاده دانشمند اتمی جمهوری اسلامی جامعه بین‌الملل یک بار دیگر در مقابل این پرسش مشکل‌ساز قرار گرفته است که جاه‌طلبی‌های اتمی ایران در چه وضعیتی قرار دارد. پس از اینکه با فشارهای بین‌المللی در سال ۲۰۰۳ کرکره برنامه‌های اتمی مقامات تهران پایین کشیده شد، آنها بازگشت مخفیانه به آن برنامه‌ها را بارها منکر شدند. در سال ۲۰۱۵ بر اساس توافقنامه بحث‌برانگیز برجام قرار شد ایران برای ۱۵ سال برنامه اتمی خود را متوقف کند. بنابر تحلیل‌های

دکتر محمد ملکی فعال حقوق بشر در گذشت؛ «ز گهواره تا گور آزادی بجوی»



دکتر محمد ملکی فعال حقوق بشر و اولین رئیس دانشگاه تهران پس از انقلاب ۵۷، در ۸۷ سالگی درگذشت. عمار ملکی فرزند دکتر محمد ملکی صبح امروز چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۹۹ در حساب توئیتری‌اش از درگذشت پدرش در تهران خبر داد. او نوشت: «چراغ خانه خاموش شد، حسرت دیدار ابدی گشت. هنوز سر از سوگ مادر برنداشتیم بودیم که پدرم، جان و جانان جدامانده من، درگذشت. مبارز خستگی‌ناپذیر راه آزادی و یاور آزادخواهان ایران به آرامش ابدی رسید...»

از فعالان حقوق بشر بود که پس از انقلاب ۵۷، ریاست دانشگاه تهران را بر عهده گرفت ولی با انتقاد از «انقلاب فرهنگی» و تعطیلی دانشگاه‌ها، حمله به دانشجویان و کشتار آنان، برکنار و دستگیر شد.

ادامه در صفحه ۱۰

صبر تاکتیکی برای لاپوشانی ناتوانی استراتژیک

● به نظر می‌رسد بازگشت به میز مذاکره تنها گزینه‌ی جمهوری اسلامی است بدون آنکه برای انجام مذاکره و یا نتایج آن تضمینی وجود داشته باشد.

واکنش مقامات جمهوری اسلامی به کشته شدن محسن فخری‌زاده، که به ادعای رسانه‌های داخلی در زمینه‌های مختلف از پزشکی تا فیزیک هسته‌ای و امور موشکی مهارت داشت، بسیار نرم و محافظه‌کارانه بود. سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حتا تا تکذیب سخنان حسین سلمی فرمانده کل این نیرو پیش رفت. علی خامنه‌ای نیز بجای سخن‌سرایی درباره «انتقام سخت» صحبت از شناسایی و مجازات «آمران و عاملان» می‌کند. دیگران از «انتقام» در «فرصت مناسب» صحبت می‌کنند. اما حقیقت این است که اینبار نیز چون گذشته به تاکتیک «صبر استراتژیک» روی خواهند آورد تا ضعف استراتژیک خود را لاپوشانی کنند.

ریزش نمادها

از ابتدای سال جاری میلادی حداقل ۴ نماد جمهوری اسلامی فرو ریختند و تاکتیک «صبر استراتژیک» مانع هرگونه واکنشی شد. در ماه ژانویه قاسم سلیمانی ابومهندس المهدی، یکی از فرماندهان ارشد حشدالشعبی، در نزدیکی فرودگاه بغداد با حمله پهپادی کشته شدند. قاسم سلیمانی نماد «اقتدار» منطقه‌ای جمهوری اسلامی بود. در مقابل، جمهوری اسلامی یکی از پایگاه‌های نظامیان آمریکاییان را خمپاره‌باران کرد ولی یک نفر هم کشته نشد و گفته می‌شود که قبل از حمله نیز مقامات عراقی را از این تصمیم مطلع کرده بودند تا آنها این اطلاعات را در اختیار آمریکا قرار دهند. دوم ژوئیه انفجاری مهیب بخشی از تاسیسات هسته‌ای در نطنز، نماد فعالیت‌های اتمی، را ویران کرد. اینبار نیز جمهوری اسلامی واکنشی بیش از تهدیدات لفظی از خود نشان نداد. ۷ ماه اوت رسانه‌ها خبر کشته شدن یک پدر و دختر را در خیابان «پاسداران» تهران منتشر کردند. در آن زمان گفتند این دو نفر لبنانی بودند. در ماه نوامبر مشخص شد که «لبنانی» کشته شده مرد شماره دو القاعده ابومحمد المصری و دخترش مریم بیوه حمزه یکی از پسران اسامه بن‌لادن بوده‌اند. خیابان پاسداران تهران (سلطنت‌آباد سابق) یکی از خیابان‌های «مطمئن» تهران است و بسیاری از رده‌های میانی ارتش و سپاه پاسداران در این منطقه سکونت دارند.

تاکتیک «صبر استراتژیک»

و بالاخره کشته شدن محسن فخری‌زاده که از او با عنوان «دانشمند برجسته هسته‌ای» و حتا «پدر بمب اتمی جمهوری اسلامی» نام برده می‌شود. محسن فخری‌زاده از سال‌ها پیش در فهرست‌های مختلف، از سازمان بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد تا دولت‌های آمریکا و اسرائیل به عنوان مقام ارشد برنامه هسته‌ای و موشکی قرار داشت. او نماد دیگری بود که فرو ریخت. «صبر استراتژیک» دیدگاهی است که هواداران بسیاری میان مقامات نظامی، سیاسی و امنیتی دارد. مهم‌ترین استدلال آنها برای توجیه در پیش گرفتن تاکتیک «صبر استراتژیک» در واقع ناتوانی نظامی برای پاسخگویی است که دیگر جنبه‌ی مزمن، بلندمدت و استراتژیک پیدا کرده است. هواداران این نظریه هراس دارند که هرگونه واکنش سخت بتواند به جنگی با اسرائیل با حمایت آمریکا منتهی شود و به خوبی می‌دانند که اگر این درگیری گسترده باشد توان مقاومت نخواهند داشت. گروه دیگری که البته نقشی در تعیین



سیاست‌های نظام ندارند، چون حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان تهران، خواهان واکنش سخت هستند زیرا بر این نظرند که «صبر استراتژیک» پاسخگو نیست و دست اسرائیل، پادشاهی سعودی و آمریکا را برای اعمال فشارهای بیشتر و انجام عملیات گسترده‌تر در خاک ایران باز خواهد گذاشت.

اقتدار پوشالی

تبايد از نظر دور داشت که «اقتدار» منطقه‌ای جمهوری اسلامی نیز از ماه اکتبر سال گذشته توسط بخش‌های گسترده‌ای از مردم لبنان و عراق به چالش کشیده شده است. جمهوری اسلامی به خوبی می‌داند که دیگر نمی‌تواند روی حمایت مردم این کشورها و حتا دولت‌هایشان حسابی باز کند. چندی پیش دولت عراق پیشهاد جمهوری اسلامی برای همکاری نظامی و تسلیحاتی را رد کرد. چند ماه پیش لبنان نیز پیشنهاد

پرسشی که در انتظار همه مسئولان تباهکار است:

چرا؟!!

خیابان‌ها ریختند. اگرچه فعالان اتاق‌های فکر رژیم تلاش کردند تا نارضایتی و اعتراض مردم را به حساب اختلافات جناحی و تلاش رقیبان و منتقدان دولت روحانی بنویسند، اما شعارهای مردم به اندازه‌ای گویا و رسا بود که به هیچ جناحی از رژیم نمی‌چسبید: «ما انقلاب کردیم، چه اشتباهی کردیم!». «پشت به دشمن، رو به میهن!»، «دشمن ما همینجاست، بیخود میگرد آمریکاست»، «رضاشاه روحت شاد» و «اصلاح‌طلب اصولگرا، دبگه تمومه ماجرا!»

جمهوری اسلامی جنبش دی ۹۶ را نیز با کشتار و بگیر و ببندهای گسترده سرکوب کرد. غافل از اینکه «آبان خونین» در پاییز ۹۸ را راه است. اینبار نهادهای سرکوبگر و امنیتی چنان دستپاچه شدند که اینترنت را قطع کردند تا، به خیال خود، با دست باز به قتل عام در خیابان‌ها بپردازند. هزاران کشته و زخمی و گمشده و زندانی، پاسخ رژیم اسلامی به حقوق سیاسی و اقتصادی معترضان بود.

تیرود

از صفحه ۱

مصرف منابع مردم برای آرمان‌های انقلاب!

سال‌هاست بودجه کشور پر از ردیف‌هایی با ارقام قابل توجه است که به مصرف تبلیغ و ترویج اندیشه‌های مذهبی و مکتبی گروه حاکم می‌رسد و محورهای توسعه و پیشرفت هیچ نقشی در آن ندارد.

بودجه سال آینده نیز نه تنها از این اصل مستثنا نیست بلکه ردیف‌های «اقتلای- اسلامی» متنوع‌تر نیز شده است. در سال ۱۴۰۰، نهاد عقیدتی- تبلیغاتی «راهیان نور» ۳۰ میلیارد تومان بودجه می‌گیرد. این نهاد زیر نظر «بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس» فعالیت می‌کند که خودش ردیف بودجه‌ای جداگانه دارد!

«راهیان نور» یک سازمان عقیدتی است که به شکل «برگزاری اردوهای سیاحتی» دانش‌آموزان و دانشجویان را به مناطق غربی و جنوبی کشور به ویژه به خوزستان می‌برد که جبهه‌ی جنگ ایران و عراق بوده‌اند.

یکی دیگر از بودجه‌های عجیب مبلغ ۸.۵ میلیارد تومان است که به اسم «بنیاد قاسم سلیمانی» که جیب زینب سلیمانی دختر قاسم سلیمانی سرازیر می‌شود.

صداوسیما و نهادهای نظامی - امنیتی؛ بودجه مقاومتی؟!

همچنین با وجود اینکه خامنه‌ای و دیگر مقامات جمهوری اسلامی از «اقتصاد مقاومتی» و «جنگ اقتصادی» سخن می‌گویند اما امسال بودجه صداوسیما با افزایش ۳۵ درصدی، ۷۰۰ میلیارد تومان

بیشتر از سال گذشته و برابر با بودجه ۲۰ استان است. ۲۶۱۹ میلیارد تومان بودجه صداوسیما در این لایحه است که در صورت نیاز می‌تواند تا سقف ۱۵۰ میلیون یورو نیز از منابع صندوق توسعه ملی دریافت کند.

طبق روال سال‌های گذشته بودجه نظامی و دفاعی نیز در مجموع افزایش پیدا کرده. بودجه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵۸ درصد، بودجه ارتش ۵۳ درصد، بودجه نیروی انتظامی ۴۱ درصد و بودجه سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع (سپند) که ریاست آن پیشتر

با محسن فخری‌زاده بود بیش از ۵۰۰ درصد افزایش یافته. بودجه «سپند» از ۴۰ میلیارد تومان به ۲۴۵ میلیارد تومان افزایش یافته است!

بودجه در ردیف «فصل حفظ نظم و امنیت عمومی» نیز بیش از ۴۰۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است. قابل توجه اینکه دولت بودجه دیگری معادل ۲ میلیارد یورو برای «بودجه نظامی» با برداشت از صندوق توسعه ملی نیز پیش‌بینی کرده است.

از سوی دیگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حالی حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان بیشتر از ارتش دریافت می‌کند که نیروهای زیرمجموعه ارتش ۶۵۰ هزار نفر و سپاه شامل ۲۵۰ هزار نفر است.

کیمیان

ایران از دی ۹۶ تا آبان ۹۸ در تابستان ۹۷ نیز شاهد اعتراضات مردمی در واکنش به نوسانات ارز در استان‌های مختلف بود. برادران افکاری به جرم شرکت در این تظاهرات در شیراز دستگیر شدند. حکم اعدام نوید بدون اطلاع قبلی به وکیل خانواده، با وجود اعتراضات گسترده داخلی و خارجی، سحرگاه شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹اجرا شد. وحید و حبیب به زندان‌های طولانی (۵۴ و ۲۷ سال) و شلاق محکوم شدند! بهیه نامجو مادر سوگوار و رنج‌دیده‌ی این برادران یک پسر را از دست داده و دل‌نگران دو پسر دیگرش است. او تنها نیست. جمهوری اسلامی تا کنون سرنوشت هزاران خانواده را رقم زده و روزی نیست که پدران و مادران و همچنین فرزندانی سوگوار و یا نگران امنیت عزیزان خود نباشند. آنچه پرونده‌های سنگین و قطور مقامات رژیم‌هایی مانند حکومت اسلامی در ایران را تشکیل می‌دهد، پاسخ به یک پرسش بسیار کوتاه است: چرا؟!!

ایرانه نیز با وجود تحریم‌ها و ادامه بحران کرونا، فروش تخیلی این حجم نفت و این درآمد عملی به نظر نمی‌رسد. بر اساس محاسبات دولت بخشی از درآمد نفتی کشور نیز قرار است با فروش اوراق قرضه صورت بگیرد. طرحی که دولت امسال نیز می‌خواست اجرا کند اما با مخالفت مجلس شورای اسلامی روبرو شد. این موضوع همچنان مورد اختلاف دولت و مجلس است و اجرای آن با ابهام روبروست.

فقط نظام؛ ملت و مملکت محاسبه نمی‌شوند!

رسانه‌های حکومتی طی روزهای گذشته در مورد افزایش بودجه عمرانی و همچنین حقوق کارمندان و بازنشستگان دولت مانور می‌دهند. این در حالیست که افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارمندان و یا افزایش حدود ۳۵ درصدی بودجه عمرانی تناسبی با نرخ تورم ندارد و در عمل «ارزش واقعی» این مبلغ، با کاهش هم روبرو می‌شود.

گذشته از اینکه بودجه عمرانی هر سال به عنوان منبعی جهت جبران کسری بودجه در نظر گرفته می‌شود به این معنی که دولت‌های مختلف برای جبران کسری بودجه همیشه از بودجه عمرانی کم می‌کنند تا هزینه‌های خود را پوشش بدهند.

درآمدهای دولت در حالی بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۰ قرار است افزایش یابد که بسیاری از منابع درآمدی غیرواقعی هستند. این یعنی بودجه پیشاپیش حتی روی کاغذ نیز دچار کسری است! در حالی که هزینه‌های جاری و بریز و بپاش‌های نظام سر جای خود باقیست، افزایش کسری بودجه با پیامدهای هولناک همراه خواهد بود.

دولت برای جبران هزینه‌ها یا از صندوق توسعه ملی برداشت خواهد کرد یا چوب حراج به دارایی‌های عمومی می‌زند که در هر دو حالت منابع کشور را صرف ناکارآمدی خود می‌کند. فروش اوراق سلفی نفت و اوراق قرضه، برابر با آینده‌فروشی یا بدهکار کردن دولت‌های آینده است. دولت‌های بعدی بجای اینکه درآمدهای کشور را برای نسل‌های آینده هزینه کنند، باید بدهی ایجاد شده توسط دولت روحانی را بپردازند!

یکی دیگر از خطرات، چاپ پول بی‌پشتوانه است؛ موضوعی که اکنون هم برخی معتقدند دولت آن را انجام می‌دهد. چاپ پول و برداشت از صندوق توسعه ملی از جمله اقداماتی است که سبب انباشت حجم نقدینگی در کشور می‌شود و افزایش نقدینگی به معنای افزایش بار تورمی بر اقتصاد است.

با این شیوه بودجه‌بندی دولت «تدبیروامید» تردیدی نیست که اقتصاد ایران سال آینده نیز با مشکلات بیشتری روبرو می‌شود و تورم و گرانی افزایش خواهد یافت. افزایش تورم در حالی که درآمدها به همان نسبت افزایش نیافته سبب خالی‌تر شدن سفره‌های مردم و گسترش بیشتر فقر خواهد شد.

روشنک آسترکی

انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا؛ جمهوریخواهان به تغییر نتایج پنسیلوانیا امیدوارند؛ دموکرات‌ها تلاش برای اثبات تقلب را بی نتیجه می دانند



رودی جولینی وکیل کمپین ترامپ در حاشیه دادرسی در جلسه استماع پنسیلوانیا

● سنا تور ماستریانو از برگزارکنندگان جلسه استماع در پنسیلوانیا: «شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد انتخابات ریاست جمهوری دستکاری شده است. در این صورت طبق ماده ۲، بند ۱.۲ قانون اساسی ایالات متحده، قانونگذار ایالت اختیار دارد نمایندگان کالج الکترال را انتخاب کند.

● جنا الیس مشاور حقوقی دونالد ترامپ از قانونگذاران پنسیلوانیا به خاطر جسارت‌شان تشکر کرده و بار دیگر نتایج انتخابات را تقلبی خوانده است. وی با اشاره به «ماده ۲، بند ۱.۲ قانون اساسی ایالات متحده» بر اختیار قانونگذاران برای انتخاب ریاست جمهوری تأکید کرد.

● روزنامه نیویورک تایمز خبر داد یک دادگاه فرجام خواهی فدرال آمریکا شکایت تیم حقوقی ترامپ علیه «اعلام رسمی پیروزی جو بایدن در ایالت پنسیلوانیا» را رد کرده است.

● سیدنی پاول وکیل و حقوقدانی که بطور مستقل شکایات حامیان ترامپ را پیگیری می‌گوید روز چهارشنبه دو شکایت در مورد نتایج انتخابات در جورجیا و میشیگان ارائه داده که در هر دو آنها شرکت دومینیون متهم به «تقلب گسترده در انتخابات» شده است.

برخی منابع آمریکایی شنبه ۲۸ نوامبر گزارش دادند یک قاضی در ایالت پنسیلوانیا گفته است احتمال اینکه عدم مشروعیت انتخابات ۲۰۲۰ در این ایالت را تأیید کند وجود دارد و در چنین شرایطی اختصاص آرای

الکترال به یک نامزد انتخابات در اختیار قانونگذاران پنسیلوانیا خواهد بود. جلسه استماع شاهدان تقلب در انتخابات پنسیلوانیا که تیم رودی جولینی وکالت کمپین ترامپ را در آنجا بر عهده دارد روز چهارشنبه ۲۵ نوامبر برگزار شد و قضات گزارش شماری از شاهدان را شنیدند. قاضی پاتریسیا مک کالو در پنسیلوانیا پس از برگزاری این دادرسی هرگونه تأیید رسمی برنده انتخابات را به بررسی مدارک و شواهد و تطبیق قانون در ارتباط با رای‌های پستی موکول و اعلام کرد تأیید نتایج انتخابات پنسیلوانیا فعلاً متوقف شود.

جمهوریخواهان پس از این تصمیم امیدوار شده‌اند زیرا پنسیلوانیا ۲۰ رای الکترال (مجمع گزینشگران) دارد و از آنجا که اغلب قانونگذاران ایالتی جمهوریخواه هستند احتمال انتخاب دونالد ترامپ به عنوان نامزد پیروز در ایالت کم نیست. دونالد ترامپ در توییتهای خود نوشت «یک میلیون و ۱۲۶ هزار رای از آسمان برای بایدن ریختند.» او بار دیگر مدعی شد در پنسیلوانیا برنده شده و در آراء این ایالت تقلب شده است.

سنا تور ماستریانو از برگزارکنندگان جلسه استماع در پنسیلوانیا می‌گوید «شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد انتخابات ریاست جمهوری دستکاری شده است. در این صورت طبق ماده ۲، بند ۱.۲ قانون اساسی ایالات متحده، قانونگذار ایالت اختیار دارد نمایندگان کالج الکترال را انتخاب کند.» او ادامه داد «این قدرت با هدف حفاظت از انتصاب رئیس جمهور، به ویژه در مورد فساد اداری و اطمینان

از اینکه مردم از طریق روند انتخابات فاسد از حق خود محروم نمی‌شوند، به قانونگذار ایالت داده شده است.»

جنا الیس مشاور حقوقی دونالد ترامپ در توییتهای خود نوشت «پنسیلوانیا به خاطر جسارت‌شان تشکر کرده و بار دیگر نتایج انتخابات را تقلبی خواند و با اشاره به «ماده ۲، بند ۱.۲ قانون اساسی ایالات متحده» بر اختیار قانونگذاران برای انتخاب ریاست جمهوری تأکید کرد.

جمهوریخواهان همچنین در دیگر ایالات کلیدی از جمله ویسکانسین، جورجیا و نوادا در حال پیگیری حقوقی شکایات هستند. جنا الیس مشاور حقوقی ترامپ خبر داد جلسه استماع شکایت کمپین ترامپ در مورد تقلب در انتخابات آریزونا ۳۰ نوامبر (دوشنبه) با حضور رودی جولینی و وی برگزار می‌شود.

آنچه در رسانه‌های حامی جو بایدن در مورد نتایج انتخابات پنسیلوانیا مطرح می‌شود اما متفاوت است. آنها از بی نتیجه بودن تلاش‌های کمپین ترامپ برای اثبات تقلب می‌گویند. روزنامه نیویورک تایمز روز جمعه ۲۷ نوامبر خبر داد یک دادگاه فرجام خواهی فدرال آمریکا شکایت تیم حقوقی ترامپ علیه «اعلام رسمی پیروزی جو بایدن در ایالت پنسیلوانیا» را رد کرده است.

در این شکایت وکلای ترامپ خواستار ابطال میلیون‌ها رای پستی در پنسیلوانیا شده بودند. قاضی استفانوس بیبایس در حکمی اعلام کرد «انتخابات آزاد و منصفانه آب حیات دموکراسی ما است. اتهام غیرمنصفانه بودن انتخابات یک اتهام جدیست اما صرفاً غیرمنصفانه خواندن انتخابات آن را غیرمنصفانه نمی‌کند. این اتهامات نیازمند ادله و شواهد و مدارک برای اثبات آن است که ما هیچکدام را در این پرونده نداریم.» طرفداران دونالد ترامپ مدعی‌اند میلیون‌ها رای با دستکاری در ماشین‌های رای‌شمار شرکت دومینیون به سود جو بایدن ثبت شده اما مدیران این شرکت این ادعا را رد کرده‌اند.

سیدنی پاول که به عنوان وکیل و حقوقدان مستقل شکایات حامیان ترامپ را پیگیری می‌گوید روز چهارشنبه دو شکایت در مورد نتایج انتخابات در جورجیا و میشیگان ارائه داد که در هر دو شرکت دومینیون متهم به «تقلب گسترده در انتخابات» شده است.



اسلامی، آن را بسیار فراتر از نژاد، به شکل دولتی، سیستماتیک و قانونی اجرامی کند. آپارتاید در ایران از عنوان «جمهوری اسلامی» آغاز می‌شود: نظامی که نه بشری نه ایرانی نه شهروندی بلکه «دینی» و «اسلامی» است! همانطور که رژیم آفریقای جنوبی نه بشری نه آفریقایی نه شهروندی بلکه «نژادی» و «سفیدپوست» بود!

قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز بر این جداسازی یا آپارتاید تأکید می‌کند از جمله: جداسازی مسلمان و غیرمسلمان جداسازی غیرمسلمانان (برای نمونه: مسیحی و یهودی و زرتشتی از بهایی و بی‌دین) جداسازی مذهب جعفری اثنی عشری از دیگر مذاهب اسلامی جداسازی مسلمان جعفری اثنی عشری خودی از غیرخودی

پای یک بانک سوئیسی با ۱۰۰ درصد سرمایه چینی به انتخابات آمریکا باز شد! سی‌ان‌ان: اقدامات ترامپ خائنانه است!



چهارشنبه ۲۵ نوامبر در جلسه استماع گزارش ادعای تقلب در ایالت پنسیلوانیا، شاهدان درباره جاسازی «کارت‌های حافظه» در ماشین‌های رای‌گیری دومینیون شهادت دادند

انتخاباتی شکست خورده و اقداماتش مطمئناً به عنوان یک خیانت توسط یک رئیس جمهور تلقی خواهد شد.

واکنش کمپین ترامپ به اظهارات دادستان کل

در واکنش به اظهارات ویلیام بار، کمپین حقوقی دونالد ترامپ در بیانیه‌ای به امضای رودی جولینی اعلام کرد «با کمال احترام به دادستان کل کشور... ما شواهد زیادی از رای‌گیری غیرقانونی حداقل در شش ایالت را جمع‌آوری کرده‌ایم که آنها بررسی نکرده‌اند. بسیاری از شاهدان قسم خورده‌اند که با چشم خود جرائم مربوط به تقلب در انتخابات را دیده‌اند اما آنها حتی احضار نشده‌اند.»

در این بیانیه آمده «ما همچنان تحقیقات را از طریق سیستم قضایی و مجالس قانونگذاری پیگیری خواهیم کرد و بر اساس قانون اساسی وظیفه حراست از آراء را به عهده داریم و باید تضمین دهیم همه آرای قانونی شمارش می‌شود و همه آرای غیرقانونی شمارش نمی‌شوند.»

در پایان این بیانیه نیز تأکید شده «به نظر می‌رسد دادستان کل بدون هیچگونه آگاهی و تحقیق درباره تخلفات اساسی و شواهد تقلب سیستماتیک اظهار نظر کرده است.» روز سه‌شنبه جلسه استماع گزارش شاهدین تقلب در میشیگان برگزار شد. یک شاهد عینی می‌گوید تمام برهه‌های رای‌ارزشی‌ها که او از نزدیک دیده کپی از پراکس‌ا بوده‌اند و هیچکدام رای‌دهندگان ثبت‌شدهی میشیگان نبوده و همه آرا نیز به نام بایدن بودند.

در حالی که ریاست جمهوری جو بایدن قطعی به نظر می‌رسد اما ترامپ و اطرافیانش می‌گویند اجازه نخواهند داد کشورهایی نظیر چین و روسیه و یا رژیم‌های کمونیست و چپ‌گرا با تأثیرگذاری در انتخابات ایالات متحده آمریکا امنیت ملی این کشور را تهدید کنند.

بر اساس آخرین گزارش‌ها دیوان عالی ویسکانسین به فرماندار این ایالت دستور داده به اسناد ارائه شده توسط تیم حقوقی ترامپ در مورد ادعای ۲۲۰ هزار رای غیرقانونی رسیدگی شود. همچنین جمهوریخواهان ادعا می‌کنند شرکت پست آمریکا حدود ۲۵۰ هزار رای را بعد از پایان زمان رای‌گیری به حوزه‌های شمارش آرا منتقل کرده است.

Securities» یک بانک سرمایه‌گذاری سوئیسی است که ۲۴.۹۹ درصد از سهام آن متعلق به بانک سرمایه‌گذاری در چین Chinese Investment Bank و ۷۵ درصد باقی مانده سهام آن نیز متعلق به دولت چین است.

تحقیقات نشان می‌دهد شرکت دومینیون یک ماه پیش از برگزاری انتخابات ایالات متحده، مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار دریافت کرده است.

ماشین‌های رای‌شمار شرکت دومینیون در ۲۸ ایالت مورد استفاده قرار گرفته و ترامپ و کمپین او ادعا می‌کنند از طریق آنها میلیون‌ها رای به دو روش دستکاری شده: پاک کردن رای‌هایی که به اسم ترامپ بوده و تغییر تعداد رای‌های بایدن در شب انتخابات.

سهامداران شرکت سوئیسی اوراق بهادار «UBS Securities» که همگی چینی هستند از این قرارداد:

- شرکت Beijing Guoxiang - سه درصد
- شرکت UBS بیست و چهار و ۹۹ درصد
- گروه Guangdong چهارده و یک دهم درصد
- شرکت China Guodian چهارده درصد
- گروه COFCO چهارده درصد

بجز خود شرکت چینی UBS که صاحب ۲۴.۹۹ درصد سهام شرکت سوئیسی «UBS Securities» است بقیه چهار شرکت همه جزو تشکیلات و گروه‌های کمونیستی جمهوری خلق چین هستند.

تقلب گسترده کشف نشده ویلیام بار وزیر دادگستری و دادستان کل آمریکا روز سه‌شنبه اول نوامبر (۱۱ آذر) گفت وزارت دادگستری در تحقیقات خود درباره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شواهدی از تقلب گسترده که بتواند نتیجه این انتخابات را تغییر دهد کشف نکرده است.

شبکه سی‌ان‌ان که حامی جو بایدن است در گزارشی صحبت‌های دادستان کل ویلیام بار را معتبرترین ضربه به دروغ‌های دونالد ترامپ در مورد تقلب در انتخابات دانسته و تأکید کرده او پیش از این بیشتر وکیل خصوصی ترامپ بوده تا دادستان کل که باید مجری عدالت باشد. در این گزارش آمده دونالد ترامپ تا اینجا کار برای کودتا علیه آرای کالج

● جمهوریخواهان شرکت دومینیون را که سازنده ماشین‌های شمارش آرای انتخاباتی است متهم کرده‌اند از یک بانک سوئیسی ک همه سهامدارانش چینی‌اند یک ماه پیش از انتخابات سوم نوامبر ۴۰۰ میلیون دلار گرفته است.

● بجز خود شرکت چینی UBS که صاحب ۲۴.۹۹ درصد سهام شرکت سوئیسی «UBS Securities» است بقیه چهار شرکت همه جزو تشکیلات و گروه‌های کمونیستی جمهوری خلق چین هستند.

● ویلیام بار وزیر دادگستری و دادستان کل آمریکا: وزارت دادگستری در تحقیقات خود درباره انتخابات ریاست جمهوری شواهدی از تقلب گسترده که بتواند نتیجه این انتخابات را تغییر دهد کشف نکرده.

● شبکه سی‌ان‌ان در گزارشی صحبت‌های دادستان کل ویلیام بار را معتبرترین ضربه به دروغ‌های دونالد ترامپ در مورد تقلب در انتخابات دانسته و گفته ترامپ موفق به کودتا علیه آرای کالج انتخاباتی نشده است.

● رودی جولینی: به نظر می‌رسد دادستان کل بدون هیچگونه آگاهی و تحقیق درباره تخلفات اساسی و شواهد تقلب سیستماتیک اظهار نظر کرده است.

منابع آمریکایی گزارش می‌دهند شرکت «دومینیون» که جمهوریخواهان آن را متهم می‌کنند در تقلب انتخابات سوم نوامبر ۲۰۲۰ مشارکت داشته مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار از یک بانک سرمایه‌گذاری در سوئیس دریافت کرده است. بانکی که ۷۵ درصد آن متعلق به دولت چین است. شرکت اوراق بهادار «UBS

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

حسن روحانی لایحه بودجه ۱۴۰۰ را با «اسنپ» تقدیم «مجلس انقلابی» کرد!



حسن روحانی رئیس دولت صبح روز چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۹۹ لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور را توسط حسینعلی امیری معاون پارلمانی خود به مجلس شورای اسلامی تحویل داد

● روحانی می گوید: «بودجه ۱۴۰۰ در زمانی به مجلس شورای اسلامی تقدیم می شود که احساس می کنیم شرایط سال آینده با دهه های که گذشت از آغاز سال ۹۰ تا امروز، کمی متفاوت خواهد بود.»

● روحانی: «شرایط در سال آینده شرایط متفاوتی خواهد بود، نه تنها به خاطر اینکه ترامپ با سیاست های غلطش نسبت به ایران و جهان شکست خورد، بلکه هر دولتی در آمریکا روی کار می آمد، ناچار بود به خاطر شکست جنگ اقتصادی و فشار حداکثری در برابر ملت ایران سر تسلیم فرود بیاورد.»

● احمد مرادی نماینده بندرعباس عدم حضور روحانی برای تقدیم لایحه بودجه به مجلسی ها «از ترس کرونا» را «توهین به ۸۵ میلیون ایرانی» خواند و خطاب به وی گفت: «مطمئن باش با کرونا نمی میری! چون مرگ در حین خدمت توفیق می خواهد!»

● رسانه های منتقد و وابسته به رقبای دولت نیز با انتشار تصویر حسینعلی امیری معاون پارلمانی روحانی نوشتند که او امیری را به عنوان پیشمرگ خود به مجلس فرستاده!

حجت الاسلام حسن روحانی رئیس دولت لایحه بودجه ۱۴۰۰ را با «اسنپ» تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد!

حسن روحانی رئیس دولت صبح امروز چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۹۹ لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور را توسط حسینعلی امیری معاون پارلمانی خود به مجلس شورای اسلامی تحویل داد و در صحن علنی مجلس شرکت نکرد. صبح امروز برخی رسانه ها نوشته بودند، احتمالاً محمدباقر نوبخت معاون رئیس جمهوری اسلامی و رئیس سازمان برنامه و بودجه، در صحن مجلس حاضر

خواهد شد. حضور پیدا نکردن روحانی برای چندمین بار در مجلس شورای اسلامی و فرستادن مقام پایین دست خود به صحن مجلس، انتقاد نمایندگان و «مجلس انقلابی» را به دنبال داشت که آن را با مصوبه دیروز مجلس برای تقویت فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی مرتبط دانستند.

حسن روحانی اما سخنرانی لایحه بودجه ۱۴۰۰ را در جلسه هیئت دولت انجام داد. او ابتدا با اشاره به گمانه زنی های رسانه ها از دلایل عدم حضورش در صحن علنی مجلس گفت: «بسیار علاقمند بودم طبق سال های گذشته سخنان امروز مجلس در صحن علنی مجلس ایراد شود. عدم حضور در مجلس شورای اسلامی صرفاً به دلیل مصوبات ستاد ملی کروناست. ما همه به لحاظ شرعی و قانونی وظیفه داریم برای سلامت جامعه دستوراتی که ستاد کرونا صادر می کند را اجرا کنیم.»

وی اضافه کرد: «گمانه زنی هایی ممکن است در رسانه ها مطرح شود که عدم حضورم به خاطر مصوبه دیروز مجلس است که البته دولت با آن موافقت ندارد و آن را در روند فعالیت دیپلماتیک مضر می داند، صرفاً به دلیل پروتکل بهداشتی بوده و نه مسئله دیگر.»

احمد مرادی نماینده بندرعباس عدم حضور روحانی برای تقدیم لایحه بودجه به مجلسی ها «از ترس کرونا» را «توهین به ۸۵ میلیون ایرانی» خواند و خطاب به وی گفت: «مطمئن باش با کرونا نمی میری! چون مرگ در حین خدمت توفیق می خواهد. سرگذشت

شهدا و حاکمان خائن به مملکت را ببین، انتخاب هر کدام به انتخاب جناب عالی است.»
رسانه های منتقد دولت و جریان رقیب نیز با انتشار تصویر حسینعلی امیری معاون پارلمانی روحانی نوشتند که روحانی خودش لایحه بودجه را تقدیم مجلس نکرده ولی امیری را به عنوان پیشمرگ به مجلس فرستاده، گویی که امیری در برابر کرونا روبین تن است. حسن نوروزی نماینده رباط کریم مجلس شورای اسلامی با اشاره به هراس روحانی از ابتلا به کرونا در جمع نمایندگان گفته است: «اگر مسئله نیامدن رئیس جمهور بحث کرونا است که نمایندگان و معاون وی نیز انسان هستند چرا ظلم کردند و نیامدند و لایحه را با اسنپ ارسال کردند!»

نوروزی همچنین حضور روحانی را با استناد به بند ۱۰۷ ماده ۱۰۷ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، امری الزامی دانست که رئیس دولت از انجام آن سر باز زده است. به گفته وی این نماینده، «در این بودجه برای دولت آینده ۳۰۰ هزار میلیارد تومان کسری به وجود خواهد آمد؛ از این رو باید چنین ارائه بودجه ای را به خودشان برمی گردانید!»

بر اساس متن کامل لایحه بودجه ۱۴۰۰ که روی وبسایت سازمان برنامه و بودجه کشور قرار گرفته، بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور از حیث منابع و مصارف بالغ بر ۲۴۳۵ هزار میلیارد تومان است و در بخش منابع عمومی با ۲۷۰ هزار میلیارد تومان افزایش نسبت به سال جاری همراه است.

مخالفت دولت با طرح افزایش تهدیدات اتمی؛ نمایندگان:

این طرح برای «توقف روند وادادگی» و «هزینه مند» کردن «دشمن» است!



مراسم تشییع جنازه محسن فخری زاده دوشنبه ۱۰ آذر ۹۹

برای مقابله با «اقدامات خرابکارانه و ناجوانمردانه» دشمن است. عسگری همچنین هشدار داده «دولت نباید با تمام توانمندی ها، نفوذ منطقه ای، قدرت نظامی و امنیتی که در اختیار داریم به دلیل تملل و ترس و طمع، در دفاع از سرمایه های ارزشمند کشور کوتاهی کند.»

محمد مولوی نماینده آبادان در مجلس شورای اسلامی نیز ادعا کرد تصویب چنین طرحی «قطعاً باعث می شود تا دشمنان کشورمان از زیاده خواهی های خود دست بردارند.»

دشمن را «هزینه مند» می کنیم!

همچنین ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس گفته با این طرح دشمن را «هزینه مند» می کنیم! وی افزوده، به این ترتیب «تشان می دهیم» که «تخریب امنیت مردم و کشتن دانشمندان و مقام سیاسی معاون وزیر دفاع رفتار بی هزینه ای نخواهد بود.»

کرد نماینده مجلس اسلامی تأکید این «دشمنان فکر نکنند که اگر دست به اقدام تروریستی بزنند بدون پاسخ خواهند بود بخشی از پاسخ مجازات قطعی آنها در خارج از این مجلس و در دستگاه های امنیتی و نظامی پیگیری خواهد شد که البته این مطالبه مجلس است اما وظیفه مجلس آن است که راه این شهدا برای احیای برنامه هسته ای و مسیر پیشرفت و توسعه کشور تقویت شود.»

مخالفت دولت

هر چند مجلس طرح افزایش تهدیدات اتمی را تصویب کرده اما وزارت خارجه جمهوری اسلامی با آن مخالف است و سخنگوی این وزارتخانه می گوید «دولت طرح اقدام فوری لغو تحریم ها را مفید و ضروری تشخیص نداده است.»

سعید خطیب زاده روز سه شنبه ۱۱ آذر در یک نشست خبری گفت «متأسفانه نظرات وزارت امور خارجه در مصوبه اخیر مجلس لحاظ نشده است.» حذف قاسیم سلیمانی و محسن فخری زاده در کمتر از یک سال به حیثیت جمهوری اسلامی به شدت لطمه زده است. حامیان ولایت تشنه انتقامند اما زور و امکانات نظام که به گوشه ی رینگ رانده شده و مردم نسبت به آن پر از خشم و انزجار هستند به انتقام نمی رسد و هر واکنشی می تواند چنان هزینه های داشته باشد که حکومت را با خسارات و خطرهای جبران ناپذیر روبرو کند.

در چنین شرایطی، یكروز پس از آنکه حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران قول «انتقام سخت» داد، رمضان شریف سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن را رد کرد. اسماعیل کوثری جانشین «قرارگاه ثارالله» نیز گفت انتقام خواهیم گرفت اما نباید احساسی عمل کنیم. به این ترتیب روشن است که شکاف در سپاه پاسدارانی که از هر طرف از جمله در عراق و سوریه ضربه می خورد، تعمیق می شوند و هستند گروهی از سرداران این نهاد نظامی نامتعارف که سود و زیان یا «هزینه و فایده» ی «انتقام» اعم از سخت و ساده را در نظر می گیرند هر چند که کیهان تهران به عنوان «رگان بیت رهبری» حنا خواهان پرتاب موشک به حیفا در اسرائیل شده و مدعی است جمهوری اسلامی در «ایران جواب کلوخ را با سنگ خواهد داد!»

سه روز پس از کشته شدن محسن فخری زاده از متخصصان هسته ای - دفاعی جمهوری اسلامی حوالی دماوند کلیات طرح ۹ ماده ای با عنوان «اقدام راهبردی برای لغو تحریم ها» در مجلس شورای اسلامی تصویب شد.

این طرح که ۲۵۱ نماینده به کلیات آن رای مثبت داده و سپس فریاد «الله اکبر» و شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» داده اند در واقع راهکارهای محدود نظام برای افزایش تهدیدها جهت مقابله با تحریم ها است. این طرح دولت را موظف می کند تا ذخایر اورانیوم با غلظت بالای ۲۰ درصد را که طبق برجام ممنوع است افزایش دهد.

در «ماده ۴» این طرح آمده سازمان انرژی اتمی مکلف است نسبت به بهره برداری از کارخانه تولید اورانیوم فلزی در اصفهان طی ۵ ماه از تصویب این قانون اقدام کند.

در طول جنگ سرد میان ایالات متحده آمریکا و شوروی مقدار زیادی سلاح هسته ای تولید شد که از اورانیوم فلزی و پلوتونیوم-۲۳۹ به دست آمده از اورانیوم ساخته شده بودند.

در «ماده ۶» این طرح دولت موظف شده بر اساس بندهای ۲۶ و ۳۷ برجام، طی مدت ۲ ماه از تصویب این قانون، دسترسی های نظارتی فراتر از پروتکل الحاقی بر اساس برجام را متوقف کند.

همچنین بلافاصله در «ماده ۷» آمده چنانچه روابط بانکی ایران در اروپا و میزان خرید نفت آنها از ایران به شرایط عادی و رضایت بخش بازنگشته باشد، دولت مکلف است اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را متوقف نماید!

از سال ۲۰۱۵ که توافق اتمی (برجام) امضا شد بارها ولایتمداران و همچنین محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی تهدید کردند که از پروتکل الحاقی و NPT (پیمان منع گسترش سلاح های کشتار جمعی) خارج می شوند و به بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی اجازه بازدید از تاسیسات هسته ای را نخواهند داد اما این تهدیدات را که بدون اما و اگر تصمیم گرفتن درباره آنها به نظر علی خامنه ای وابسته است عملی نشد. همچنین هربار که رژیم ایران دسترسی بازرسان به تاسیسات اتمی را محدود کرد پس از مدتی با فشار «شورای حکام» و تهدید به توبیخ و مجازات سنگین این موانع رفع شد.

علی خامنه ای روز سوم خرداد ۱۳۹۷ شرط ادامه برجام را «تضمین قطعی و عملی اروپا» برای اجرای تعهداتش در برجام عنوان کرد که برداشته شدن تحریم های مالی و بانکی و خرید نفت از ایران و عدم دخالت در فعالیت های موشکی و منطقه ای ایران جزو آنها بود. اما اروپایی ها به این «شرط» اعتنا نپذیرفتند و به هیچیک از حرف های رهبر جمهوری اسلامی عمل نشد و با وجود اینکه دولت ترامپ از برجام خارج شد جمهوری اسلامی جرات خروج از برجام را نیافت.

توقف «روند وادادگی»

مهدی عسگری عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی می گوید این طرح در پی احیاء توان هسته ای و «ارتقاء توان بازدارندگی» کشور است. این نماینده تأکید کرده این طرح گام مهمی برای «توقف روند وادادگی» و راهی برای «تولید قدرت» و واکنشی

● ۲۵۱ نماینده مجلس شورای اسلامی کلیات طرح «اقدام راهبردی برای لغو تحریم ها» را تصویب کردند که در آن دولت موظف به افزایش ذخایر اورانیوم و افزایش تولید تولید اورانیوم با غلظت بالای ۲۰ درصد است و در صورت لزوم اجرای پروتکل الحاقی را متوقف می کند.

● در «ماده ۴» این طرح آمده سازمان انرژی اتمی مکلف است نسبت به بهره برداری از کارخانه تولید اورانیوم فلزی در اصفهان طی ۵ ماه از تصویب این قانون اقدام کند.

● مهدی عسگری عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی: این طرح در پی احیاء توان هسته ای و «ارتقاء توان بازدارندگی» کشور و «توقف روند وادادگی» است!

● ابوالفضل عمویی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس: با این طرح دشمن را «هزینه مند» می کنیم! ● سخنگوی وزارت خارجه: «متأسفانه نظرات وزارت امور خارجه در مصوبه اخیر مجلس لحاظ نشده است.»

«اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» در واکنش به حذف فخری زاده:

تنها راهکار بلندمدت جایگزینی رژیم ایران با یک حکومت سکولار دموکرات است



فخری زاده سوار بر یک ماشین نیسان بود که در جاده آپسرد نزدیک دماوند هدف قرار گرفت

فخری زاده در لیست تحریم شدگان قرار داده شد. کمتر از یک هفته پس از کشته شدن فخری زاده اکنون بر سر امپراتوری مالی او و خانواده اش صحبت می شود. هر چند مقامات جمهوری اسلامی و رسانه های حکومتی وی را «دانشمند فیزیک» معرفی می کنند اما به نظر می رسد یک کارچاق کن بوده که به همراه پسرانش فعالیت های اقتصادی با زمینه های امنیتی داشته است. بررسی ها نشان می دهد شرکت «نوآوران کشت و صنعت ساین» هلدینگ خانوادگی اوست و پسرانش محمد مهدی و حامد رئیس و نایب رئیس آن هستند که محصولات ارگانیک تولید می کردند. آنها آنقدر در

و فشار به مردم ایران ادامه خواهد داد. در این بیانیه که از طریق شبکه «فاکس نیوز» بازتاب یافت تأکید شده «تنها راهکار بلندمدت جایگزینی این رژیم با یک حکومت سکولار دموکرات است که نماینده مردم باشد و دنیای آزاد باید در این مسیر در کنار تلاش های چشمگیر مردم ایران بایستد.» این اتحادیه می گوید «ما باید تمرکز بر مسائل ایران را روی جنایات جمهوری اسلامی و تلاش های مردم ایران برای ایجاد یک حکومت سکولار دموکرات قرار دهیم.» در قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت که ۲۴ مارس ۲۰۰۷ علیه فعالیت های اتمی جمهوری اسلامی ایران تصویب شد، نام

● «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) می گوید: «ما باید تمرکز بر مسائل ایران را روی جنایات جمهوری اسلامی و تلاش های مردم ایران برای ایجاد یک حکومت سکولار دموکرات قرار دهیم.»

● بررسی ها نشان می دهد شرکت «نوآوران کشت و صنعت ساین» هلدینگ خانوادگی فخری زاده هاست و پسرانش محمد مهدی و حامد رئیس و نایب رئیس آن هستند که محصولات ارگانیک تولید می کردند.

حذف محسن فخری زاده از چهره های امنیتی - اتمی جمهوری اسلامی ایران طی عملیاتی که ۷ آذر ۱۳۹۹ در حوالی شهرستان دماوند در نزدیکی تهران انجام شد واکنش های مختلفی به دنبال داشت.

«اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در بیانیه ای با اشاره به کشته شدن فخری زاده اعلام کرد «همیتی ندارد که چه تعداد از افراد مثل او از بین رفته اند. جمهوری اسلامی همچنان به تهدیدات خود علیه جامعه بین المللی

جایزه اصلی جشنواره سینمایی «تورین» برای یک فیلم ایرانی



صحنه‌ای از فیلم «بوتاکس»

جشنواره سینمایی تورنتو در کانادا نمایش داده شدند.

«بندر بند» آخرین اثر منیژه حکمت کارگردان ایرانی و تهیه‌کنندگی مهشید آهنگرانی فراهانی است که در وبسایت جشنواره، یک اثر مشترک ایرانی-آلمانی معرفی شده است.

داستان مربوط به یک گروه موسیقی جوان است که از شمال ایران به سوی تهران حرکت می‌کنند. اما گرفتار سیل می‌شوند. در این فیلم ۷۵ دقیقه‌ای سرشار از چشم‌اندازهای به یاد ماندنی موسیقی زیبا، رضا کولغانی، پگاه آهنگرانی، مهدیه موسوی و امیرحسین طاهری بازی می‌کنند.

موزیک متن فیلم را فرشاد فزونی، طراحی صحنه فرهاد فزونی، صدابرداری محمدحسین کاوه و طراحی لباس راندا نصر به عهده داشتند.

منیژه حکمت درباره «بندر بند» گفته است: «فریزه شگفت‌انگیز مادرانه، مرا به سراغ نسل جوان برد. نسلی که زندگی کردن را خیلی خوب آموخته اما در اکثر مواقع امید و آرزوهای آنها برای ادامه زندگی با راه‌های بسته و پل‌های شکسته روبروست.»

فرونش صمدی هم با اولین کار سینمایی خود در جشنواره امسال تورنتو حضور داشت. آزیتا حاجیان سحر دولتشاهی، پژمان جمشیدی، حسن پورشیرازی بازیگران این فیلم ۸۳ دقیقه‌ای هستند که «خط فرضی» نام دارد و داستان آن را نیز خود فرونش صمدی نوشته است.

این فیلم درباره یک معلم مدرسه در تهران است که قرار است در یک جشن عروسی در شمال ایران شرکت کند اما شوهرش به او اجازه حضور در عروسی را نمی‌دهد و به دنبال این کشمکش، حوادث گوناگونی رخ می‌دهد.

در سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی «تورین» که روزهای بیست تا بیست و هشتم ماه نوامبر در شهر تورین ایتالیا برگزار شد، فیلم «بوتاکس» ساخته کاوه مظاهری دو جایزه بهترین فیلم و جالب‌ترین فیلمنامه را از آن خود کرد. «بوتاکس» نخستین فیلم بلند این کارگردان است که در بخش رقابت فیلم‌های بلند فستیوال روی پرده رفت. خلاصه داستان فیلم چنین است: دو دختر به نام‌های اکرم و آذر به دروغ برای دوستان و آشنایان خود تعریف می‌کنند که برادرشان به صورت قاچاق به آلمان سفر کرده و خبری از او ندارند. اما این داستان ساختگی به مرور در ذهن اکرم به یک رویداد واقعی تبدیل می‌شود تا جایی که شبانه‌روز در انتظار بازگشت برادرش از این سفر است.

نقش‌آفرینان این فیلم سوسن پرور، مهدخت مولایی، محسن کیانی، مرتضی خانجانی و سروش سعیدی هستند.

فیلم دیگر ایرانی که در جشنواره سینمایی «تورین» نشان داده شد، ساخته کوتاهی است با عنوان «سس اضافه» به کارگردانی علیرضا قاسمی محصول ایران و آلمان.

داستان «سس اضافه» از این قرار است: هانس ساعتی پیش از افتتاح یک نمایشنامه در آن ایفای نقشی را به عهده دارد، دست به خودکشی می‌زند. اما در آن دنیا و در برزخ گرفتار دختر شکم‌پرستی می‌شود و سخت تلاش می‌کند تا دوباره به دنیای زندگان باز گردد.

آنتونیو لالو و بن جانسون بازیگران و آدرین برویه، فرانسس والتر و السا پاپین شوهرش به او اجازه حضور در عروسی را نمی‌دهد و به دنبال این کشمکش، گفتنی است که اخیراً دو فیلم سینمایی «بندر بند» و «خط فرضی» نیز در

بخش سوم

در گفتگو با بهمن مقصدولو:

چگونه موتور «صنعت سینمای ایران» توسط اسماعیل کوشان و پرویز خطیبی به حرکت درآمد



پرویز خطیبی سر صحنه فیلمبرداری

واقعاً موضوع خیلی جالبی است که فکر نمی‌کنم تا امروز به این صورت مطرح شده باشد. به خصوص مشکلاتی که در این راه وجود داشته...

اصلاً امکاناتی نبود! در دورانی که اینها شروع به کار می‌کنند فقط یک دوربین دارند که از اروپا آورده‌اند. چند تا چراغ برق و نورافکن هم دارند. اصلاً وسایلی نیست. وسایل ضبط صدا نیست. صدا را سر صحنه نمی‌توانند ضبط کنند. لابراتوار چاپ بسیار ابتدایی است. از طرفی هم تکنیسین به اندازه کافی نیست و فیلمبردار خوب، نورپرداز خوب نداریم یا حتی کارگردان خوب. کارگردانی فیلم یک علم است که باید یاد گرفته شود، باید استعداد آن را داشته باشید. بعد باید سناریست داشته باشید و یک لابراتوار که فیلم درست چاپ شود و صدمه نبیند. وقتی فیلم بیرون می‌آید باید نورش تصحیح بشود که آنهم نبود. در مرحله‌ی بعدی فیلم باید تدوین یا ادیت بشود که باز این هم یک علمی است و کسی باید آن را یاد بگیرد. یعنی می‌خواهم بگویم که اینها در سال‌های بین ۱۳۲۷ تا اواخر دهه‌ی سی و حتی تا اوایل دهه‌ی چهل خورشیدی با وسایل ابتدایی و حداقل امکانات شروع به کار کردند. البته در دهه‌ی سی یکسری از افراد کار سینما را یاد گرفتند. آرمی‌هایی وارد این کار شدند که همگی توانستند با هوش و ذکاوت و با خواندن کتاب‌های فنی پیشرفتی حاصل کنند، در استودیوها آموزش بدهند. در سال ۱۳۳۶ مهندس محسن بدیع که آدم با سواد بود اولین لابراتوار خصوصی ظهور و چاپ فیلم‌های سینمایی در ایران را تأسیس کرد و تا مدت‌ها به کار ظهور فیلم‌های سیاه و سفید پرداخت. بعدها هم در سال ۱۳۴۱ با ایجاد استودیوی چاپ و ظهور فیلم‌های رنگی را انجام داد. در همین دوران ما شاهد حضور کارگردانی مثل ساموئل خاچیکیان هستیم که خودآموخته‌ای استثنایی است که وارد عرصه‌ی تولید فیلم می‌شود، سینما یاد می‌گیرد و وارد کار کارگردانی می‌شود. به این صورت کم‌کم این سینما که یک دنیای رؤیاسازی است آدم‌های خودش را پیدا می‌کند. کم‌کم دیگران هم جذب می‌شوند و لشکری به وجود می‌آید. اما من در اینجا درباره‌ی آن پنج یا شش سال اول صحبت می‌کنم، یا بهتر بگویم آن ده سال اول و اینکه چطور آن موتور راه افتاد. پنج سال اولی که خطیبی و کوشان مصدر کار بودند و همین آقای خطیبی، پدر شما، در مجموع ۳۷ فیلم می‌سازد. در کارنامه‌ی خطیبی حدود ۱۸ تا ۲۲ فیلمنامه یا «سناریو» وجود دارد. تعداد بسیاری سناریو هم هست که ساخته اما اسم روی آنها نگذاشته. او تعداد شش فیلم تهیه کرده و حدود ۱۸ فیلم را خودش نوشته و کارگردانی کرده. او حدود ۵۰۰ پیش‌پرده نوشته، ۳۰۰۰ نمایشنامه‌ی رادیویی طنز و جدی. ما می‌بینیم که پرویز خطیبی یک آدم معمولی نبود. او یک فرد بسیار متفکری بود. بسیار خواننده بود. از همان اول کار (هرچند زمینی کاری‌اش کم‌دی بود) اما مسائل اجتماعی جامعه سنتی ایران

اولیه‌ی ایران که نسخه‌های بعدی آن با عنوانی تا حدودی غیرمنصفانه و حتی توهین‌آمیز «فیلمفارسی» خوانده می‌شد به زحمات و شاید هم ایثارهای این فیلمسازان اولیه نگاه کند که با حداقل امکانات فنی، از جمله نبود دوربین، لنز، وسایل ضبط همزمان صدای سر صحنه، فیلمبرداری و ریسک‌های دیگر از جمله ظاهر کردن فیلم و غیره توانستند این فیلم‌ها را بسازند.

این یک واقعیت است. ببینید حالا ما همین صنعت سینما را (به هر شکلی که می‌خواهید آن را ارزیابی کنید) پیدا کرده‌ایم. در نیمه‌ی اول دهه‌ی چهل ما دو یا سه فیلم داریم که فیلم‌های مهمی هستند. یکی مستند خانم فروغ فرخزاد «خانه سیاه است» و بعد هم فیلم فریدون رهنما است به نام «سپاوش در تخت جمشید». رهنما یک شاعر و سینماگر فرنگ‌رفته است، بزرگ‌شده‌ی اروپاست و در سینما کار کرده، مستند ساخته، ادبیات فرانسه را خوب می‌شناسد. درس ادبیات خوانده، کتاب شعر چاپ کرده. فرخ غفاری هم فرهنگ بالایی دارد و تحصیلکرده‌ی اروپاست و می‌آید ایران و فیلم «جنوب شهر» را در سال ۱۳۳۷ می‌سازد. بعدش هم «شب قوزی» را در سال ۱۳۴۳ کارگردانی می‌کند. چند سال پیش از آن مجید حسینی که از مدرسه‌ی هنرپیشگی فارغ‌التحصیل شده و کارش را از روی صحنه تئاتر و با پیش‌پرده‌های پرویز خطیبی شروع کرده و هنرپیشه‌ی خیلی با استعدادی هم هست می‌آید یک تپ دهاتی (عمق‌ی صمد) را درست می‌کند و تقابل روستا و شهر و مشکلات این دو را مطرح می‌کند. ما این مسئله را برای اولین بار روی پرده‌ی سینما می‌بینیم. پس در کنار آن سینمای تجاری، سینمای دیگری شروع می‌کند به جوانه زدن. آن سینما کم‌کم جای خودش را باز می‌کند و منتهی می‌شود به یک سینمای تجاری موفق. سینمای موفقی که ما با عنوان سینمای تجاری همیشه به آن از بالا نگاه کرده‌ایم، همیشه گفته‌ایم اینها آشفال است، اینها به درد نمی‌خورد. این مثل این است که شما سینمای کشوری را ببینید و بگویید الان می‌خواهیم فیلم هنری درست کنیم. این اصلاً امکان‌پذیر نیست. ملت ایران را هم ما می‌شناسیم. این ملت سلیقه‌ی خاص خودش را دارد که خوب البته باید سطح این سلیقه را برد بالا. اما باز هم باید برگردم سر این مسئله که آن روزها اصلاً سلیقه‌ای در کار نبود. کسی شناخت تصویری نداشت. آن روزها مردم یک داستان می‌دیدند، تصویری را می‌دیدند که بخندند. نه درام می‌دانستند و نه از تکنیک فیلم سررشته‌ای داشتند. یعنی اکثریت مردم اینچور بودند. ما باید نگاه کنیم ببینیم چه کسی آن موتور سینمایی را که حالا به اسکار راه پیدا کرده در آن مملکت به راه‌انداخت. پدر شما روانشاد پرویز خطیبی یکی از آن دو نفری بود که با کوشان این موتور اولیه را راه‌انداخت. درست مثل اینکه یک هواپیمایی با دو موتور پرواز کند.

● شما در تاریخ سینمای هیچ کشوری از فرانسه تا آمریکا، از ژاپن تا هند اگر مطالعه کنید نمی‌بینید که از روز اول فیلم هنری تولید شده باشد. هیچ‌کدام از آنها از روز اول شاهکار تحویل نداده‌اند. پس باید به «شرایط فیلمسازی» توجه کنیم و این واقعیت را بپذیریم که سینمای هنری و سینمای تجاری با هم و در یک مسیر حرکت می‌کنند. اگر سینمای تجاری موفق نباشد سینمای هنری هم شانسی برای تولید و حیات ندارد.

در مصاحبه‌ای که با خانم ژاله علو داشتم او تعریف کرد که چگونه دکتر کوشان ژاله را می‌فرستد پیش پدر تو (پرویز خطیبی) و آنها در دفتر «میترا فیلم» در بالاخانه‌ی سینما «متروپل» در «لاله‌زار نو» قرار می‌گذارند و کوشان به خطیبی می‌گوید: «آقا، من می‌خوام تو به فیلم برام بسازی. فیلم کم‌دی!»

● خیلی جالب است! -بله، همینجا خطیبی هم موافقت می‌کند. قرار می‌شود که آدم‌های خودش و کسانی را که در تئاتر با او همکاری داشته‌اند بیآورد و فیلم را بسازد. این فیلم یعنی «وارفته بهاری» فیلم سوم صنعت سینمای ایران (بعد از جنگ جهانی دوم) است. پرویز خطیبی پنج‌مین نفری است که در ایران فیلم ساخته. همانطور که قبلاً گفتم، پیش از این هم دو تا فیلم ساخته شد اما هیچ موتوری به حرکت درنیامد. اما حالا می‌خواهد کم‌کم به حرکت دربیاید. خطیبی در فیلم «وارفته بهاری» که از شش اپیزود تشکیل شده و درباره‌ی نوروز و هفت‌سین نوروزی است، دکتری را نشان می‌دهد که ماجراهای کم‌دی برایش اتفاق می‌افتد و خلاصه به این ترتیب بنای تاریخ سینمای ایران ریخته می‌شود. اما اجازه بدهید این را هم بگویم که در چهارسال اول یعنی از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۱ جمعا بیست و یک فیلم ساخته می‌شود. از این تعداد، هفت فیلم را دکتر کوشان و پنج فیلم را هم پرویز خطیبی می‌سازد. بقیه‌ی فیلم‌های این مجموعه را هم دربارگی (دو فیلم) و افراد مختلف (هر کدام یک فیلم) می‌سازند. یعنی در واقع بیش از پنجاه درصد از تولید فیلم در چهارسال اول آغاز صنعت سینما در ایران بر عهده‌ی کوشان و خطیبی است که فیلم «دستکش سفید» پرویز خطیبی جزو فیلم‌های پر فروش این دوره به شمار می‌رود.

در سال ۱۳۴۳ ایران ۳۸ فیلم می‌سازد و سال بعد با تولید فیلم ۴۳ فیلم ایران دارای صنعت سینما می‌شود و سال ۱۳۴۵ با تولید ۵۲ فیلم این صنعت دیگر به راه افتاده است تا جایی که تولید ایران در عرض چند سال، در اواخر دهه‌ی چهل خورشیدی به حدود نود فیلم در سال می‌رسد. پس می‌بینیم که پرویز خطیبی یکی از عوامل حرکت سینمای تجاری بوده. یعنی او تماشاگر را می‌آورد و با سینما آشنا می‌کند. یعنی چه؟ یعنی تماشاگر می‌آید پول می‌دهد، بلیت می‌خرد و با فروش گیشه‌ی این فیلم است که فیلم بعدی می‌تواند تولید شود. یعنی به این شکل باید به این مسئله نگاه کرد. من وقتی از این دیدگاه به این قضیه نگاه می‌کنم، به عنوان یک مورخ فیلم می‌بینم چقدر باید از ایشان [خطیبی] قدردانی کرد. من شخصاً قدردان ایشان هستم و آن مراسم بزرگداشت برای ایشان در نیویورک برای همین قدردانی بود.

برای من هم خیلی جالب است که یک مورخ و منتقد سینمایی بتواند از این دیدگاه به سینمای

کیهان لندن منتشر کرد:



سوریه: جاله عنکوب
حامد محمدی

کتاب «سوریه: جاله عنکوب» به قلم حامد محمدی (اثر خلبان) برای نخستین بار ایجاب کرده حضور نظامی و تاکتیک‌های دولت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. فلافل‌های می‌تواند این کتاب را مستقیماً از طریق نایب کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سور هرز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hornum, Finchley Road, Golders Green, NW11 6AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۱۷ مقاله در صفحه

شعر و حافظ و عرفان و فلسفه اسلامی از «وجنات» این پدر بمب اتم جمهوری اسلامی بود!



عق، عرفان و شناخت را با خودش همراه داشت!»
دستاندکاران جمهوری اسلامی و رسانه‌های حکومتی با هدف ارائه‌ی فخری‌زاده در جایگاهی خیلی بالا از آنجا که نمی‌توانند به دستاوردهای علمی او به عنوان «دانشمند» تکیه کنند، برای او «وجنات» می‌تراشند تا از «پدر بمب اتم ایران» یک چهره مردمی و والا بسازند. آنهم در حالی که معلوم نیست چرا هر عامل اتمی جمهوری اسلامی را که حذف می‌شود، پدر بمبی معرفی می‌کنند که وجود ندارد!

فخری‌زاده سازنده کیت و واکنش ضد کرونا نیز بود!

محسن فخری‌زاده معاون وزیر دفاع و سرپرست سازمان پژوهش و نوآوری دفاعی (سپند) بود اما در همین چند روز گذشته ادعا می‌شود «صاحب نظر در زمینه فلسفه علم فیزیک» بود، موفق به تولید «اولین کیت ایرانی تشخیص کرونا» شد و تولید واکنش ضد کرونا را به مرحله تست انسانی رساند و به تجهیز ماشین‌های آتش‌نشانی به تجهیزات ضد آلودگی‌های شیمیایی نیز کمک کرد.

فخری‌زاده که حکومت از او به عنوان «دانشمند فیزیک» و برخی رسانه‌ها نهادی خارجی نیز به تبعیت از جمهوری اسلامی او را دانشمند هسته‌ای معرفی می‌کنند بدون آنکه رشته تحصیلی و دانشکده و دانشگاه و مدارک عالی دانشگاهی وی و زمان تحصیلات وی مشخص باشد، از مارس ۲۰۰۷ (فروردین ۱۳۸۶) در فهرست تحریم‌شدگان توسط شورای امنیت سازمان ملل قرار داشت.

سازنده لیزرهای ضد پهپاد هم بود!

برخی مقامات امنیتی اسرائیل می‌گویند مدت‌ها بود که فخری‌زاده و قاسم سلیمانی به همراه اسماعیل قائنی فرمانده کنونی نیروهای قدس سپاه و همچنین سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در فهرست ترور قرار داشتند.

فریدون عباسی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی و رئیس فعلی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی می‌گوید فخری‌زاده «در زمانی که می‌خواستیم سوخت ۲۰ درصد را تولید کنیم در ساخت راکتور اراک کاملاً با ما هماهنگ بود» با کمک او توانستیم لیزرهای خاصی را بسازیم و عملیاتی کنیم و پهپادهای مهاجم را هدف قرار دهیم.»
عمرانی معاون دادستان کل کشور با اشاره به کشته شدن محسن فخری‌زاده گفته «انتقام سختی که در آینده انجام خواهد شد آرامش قلب ما خواهد بود.» سعید خلیفه‌زاده سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز تهدید کرده «پاسخ به ترور با حداکثر درد برای جنایتکاران خواهد بود!»

در این میان، همه منتظرند ببینند واکنش جمهوری اسلامی به کشته شدن فخری‌زاده چیست. آیا انتقام انقلابی و سخت که در شان یکی از پدران اتمی جمهوری اسلامی باشد برای رژیم ایران مقدور است؟! آیا احتمال می‌رود که ماجراجویی‌های حکومت اسلامی در ایران بار دیگر خسارات و هزینه‌های یک انتقام احتمالی را به مردم تحمیل کند؟! واقفیت این است که خود زمامداران و تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی نیز نمی‌دانند چه باید بکنند.

اینکه نهادهای مسئول از قضیه خبر داشتند و «دستگاه‌های اطلاعاتی» حتی می‌دانستند که فخری‌زاده قرار است در آن محل ترور شود، بیش از هر چیز عذر بدتر از گناه است! به هر حال اکنون مسئله بر سر اختلافات درون رژیم در مورد شکل و زمان و مکان «انتقام» درباره حذف یکی از عوامل اتمی-امنیتی جمهوری اسلامی است که حتا از محل کشتن‌اش هم خبر داشتند! در اینصورت معلوم نیست برای چه و از که می‌خواهند «انتقام» بگیرند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اختلاف نیز همین است!

در شرایطی که امنیتی‌ها در بالاترین سطوح مسئولیت منتظر تصمیمات و دستور علی‌خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا هستند ولی از سوی دیگر می‌بایست برای تسلی خاطر ولایت‌مداران به منبر رفته و در رسانه‌ها برای «بت‌سازی» از فخری‌زاده بازار گرمی کنند.

محسن فخری‌زاده به اندازه سلیمانی معروف نبود اما مسئولان نظام بهتر از هر کس دیگری پیامد و پیام کشتن او را درک می‌کنند. آنها باید افکار عمومی و دست‌کم حامیان نظام‌شان را تفهیم کنند که «فخری‌زاده» چه «جایگاهی» داشته. در حالی که به نظر می‌رسد شاهد و مدرکی مبنی بر «دانش» و فعالیت‌های «علمی» او در دست نیست پس لازم است برای پوشاندن هویت امنیتی-اتمی فخری‌زاده یک نقاب علمی-فرهنگی و حتا معنوی بسازند. وقتی نظام مجبور است در واکنش به کشته شدن مهره‌های امنیتی خود تصمیمات سیاسی در حد خروج از برجام و NPT و مذاکره کردن یا نکردن بگیرد، استفاده از «شهید» در این راه ضروری می‌شود. بزرگنمایی از محسن فخری‌زاده نیز با همین هدف انجام می‌شود.

پیوند فیزیک و فلسفه اسلامی!

برای باور به ادعای «دانشمند» بودن فخری‌زاده همین بس که حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی می‌گوید «فخری‌زاده می‌گفت علم فیزیک هنوز خیلی عقب است و معتقد بود با پیوند فیزیک و فلسفه اسلامی می‌توان فیزیک را ارتقا داد و تکامل بخشید!»
او گفته «مدل علمی شهید فخری‌زاده مدل علمی تمدن‌سازی بود، فلسفه و علم را برای تمدن‌سازی می‌خواست!» چنین ادعای مضحکی از سوی دست‌اندرکاران نظامی است که از تمدن فقط ابزار فنی آن را برای نابود کردن تمدن می‌خواهد، بیشتر دست و پا زدن در مخمصه‌ایست که در آن گرفتار آمده‌اند.

اهل ادبیات، شعر، عرفان و حافظ بود!

محمد مهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی نیز در یادداشتی نوشته فخری‌زاده «اهل شعر بود و عرفان آشنا بود و نگاهی به فلسفه داشت که این نگاه از او یک صاحب‌نظر می‌ساخت!»
وی درباره علاقمندی عامل اتمی جمهوری اسلامی به ادبیات نوشته «او با حافظ خیلی مأنوس بود. وقتی شما وارد اتاق فخری‌زاده می‌شدید، دور تا دور اتاق، اشعار حافظ بود که شما را مجذوب می‌کرد. وقتی با وی سر صحبت را بازمی‌کردی دنیایی از

حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی: فخری‌زاده می‌گفت علم فیزیک هنوز خیلی عقب است و معتقد بود با پیوند فیزیک و فلسفه اسلامی می‌توان فیزیک را ارتقا داد و تکامل بخشید!

محمد مهدی طهرانچی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی: فخری‌زاده «اهل شعر بود و با عرفان آشنا بود و نگاهی به فلسفه داشت که این نگاه از او یک صاحب‌نظر می‌ساخت!

دستاندکاران جمهوری اسلامی و رسانه‌های حکومتی با هدف ارائه‌ی فخری‌زاده در جایگاهی خیلی بالا از آنجا که نمی‌توانند به دستاوردهای علمی او به عنوان «دانشمند» تکیه کنند، برای او «وجنات» می‌تراشند تا از «پدر بمب اتم ایران» یک چهره مردمی و والا بسازند. آنهم در حالی که معلوم نیست چرا هر عامل اتمی جمهوری اسلامی را که حذف می‌شود، پدر بمبی معرفی می‌کنند که اصلاً وجود ندارد!

برخی مقامات امنیتی اسرائیل می‌گویند مدت‌ها بود که فخری‌زاده و قاسم سلیمانی به همراه اسماعیل قائنی فرمانده کنونی نیروهای قدس سپاه و همچنین سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در فهرست ترور قرار داشتند.

فریدون عباسی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی: با فخری‌زاده توانستیم لیزرهای خاصی را بسازیم و عملیاتی کنیم و پهپادهای مهاجم را هدف قرار دهیم.

حذف محسن فخری‌زاده برای جمهوری اسلامی یک زیان بزرگ به شمار می‌رود و به قول محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح «ضربه سنگینی به مجموعه دفاعی» است که سیدابراهیم رئیسی رئیس قوه قضائیه نیز آن را «جبران‌ناپذیر» خوانده است.

تحلیلگران می‌گویند مأموریت‌های سپاه قدس، بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در منطقه پس از شکار قاسم سلیمانی عملاً محدود شد و شبه‌نظامیان در عراق و سوریه از اسماعیل قائنی به اندازه سلیمانی حرف‌شنوی ندارند. حالا معلوم نیست آیا حذف فخری‌زاده نیز مأموریت‌های هسته‌ای و نظامی جمهوری اسلامی را مختل می‌کند یا نه! ضربه حیثیتی کشتن فخری‌زاده به نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی آنها را طوری غافلگیر کرده که هر توجیه و بهانه‌ای را به عنوان توضیح مطرح می‌کنند، بیشتر سبب آبروریزی آنها می‌شود. اظهاراتی مانند

تأثیر حذف فخری‌زاده بر مذاکرات احتمالی جمهوری اسلامی و آمریکا



اما امروز ویدئویی از دختری که عکس‌های وی به عنوان دختر فخری‌زاده در فضای مجازی منتشر شده، در توئیتر پخش شد که وی در آن اطلاع می‌دهد فقط شباهت اسمی با فخری‌زاده دارد و دختر وی نیست و هیچ نسبتی با او ندارد.
در این میان، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام کرده است «سرنخ‌هایی از عاملان حمله تروریستی اخیر به دست آمده است که اطلاعات تکمیلی آن» اعلام خواهد شد.

امیر حاتمی وزیر دفاع جمهوری اسلامی نیز گفته «ما حتماً جنایتکاران را تعقیب می‌کنیم و امر فرماندهی معظم کل قوا اجرا خواهد شد.»

از سوی دیگر، گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که به نظر می‌رسد جوگیر شده‌اند بحث افزایش تعداد سناترفیوژها و افزایش ذخایر اورانیوم را مطرح کرده‌اند و برخی دیگر برای خروج جمهوری اسلامی از NPT فشار می‌آورند. گروهی نیز حتا از این فراتر رفته و می‌گویند باید حیفا و تل‌آویو را با موشک زد!

در نهایت مجلس شورای اسلامی طرح دوفوریتی «لغو اجرای پروتکل الحاقی» را ارائه داده و نمایندگان می‌خواهند از دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تاسیسات هسته‌ای ایران جلوگیری کنند. قرار است این طرح روز سه‌شنبه ۱۱ آذرماه به رای گذاشته شود.
حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی از نمایندگان مجلس می‌گوید به روند بازرسی‌های آژانس خوشبین نیستیم و بازرسان این سازمان مشکوک‌اند چرا که منشأ بسیاری از اتفاقات تلخ و ترور دانشمندان را همین بازرسی‌های آژانس می‌دانیم. محمود علوی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی پیشتر گفته بود «سربازان گمنام امام زمان انتقام فخری‌زاده را خواهند گرفت.»

قرار است او در هفته پیش رو با نمایندگان کمیسیون امنیت ملی مجلس جلسه برگزار کند.

حذف فخری‌زاده در شرایطی که جمهوری اسلامی امیدوار بود با روی کار آمدن دولت جو بایدن مذاکره با واشنگتن را آغاز کند، بساط خوش‌خیالان را بهم زد و شکاف موجود بر سر مذاکره با آمریکا درون رژیم را عمیق‌تر کرد. به نظر می‌رسد به همین دلیل شماری از مقامات ارشد حزب دموکرات آمریکا از کشته شدن فخری‌زاده بسیار خشمگین شده‌اند. با اینهمه باید یادآوری کرد که ترور چندین از عوامل برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی یکی از نکات تأثیرگذار برای امضای توافق اتمی در سال ۲۰۱۵ بودو تهران مجبور شد تحت فشارهای امنیتی و اقتصادی تن به مذاکره بدهد. اکنون جریان انقلابی جمهوری اسلامی با صدای بلند از نقش برجام در ترور فخری‌زاده می‌گوید و جدی‌تر از گذشته با مذاکره مخالفت می‌کند. به این ترتیب تصمیم برای علی‌خامنه‌ای بسیار سخت‌تر می‌شود چرا که مسئله از یکسو برای نظام حیثیتی به شمار می‌رود و از سوی دیگر ادامه‌ی تحریم‌ها و عدم مذاکره با آمریکا جمهوری اسلامی را بیش‌از پیش به خطر می‌اندازد. خروج از پروتکل الحاقی و قهر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز واکنش جدی شورای حکام را در پی خواهد داشت.

موفق بود. مقامات جمهوری اسلامی انگشت اتهام را به سوی اسرائیلی‌ها دراز می‌کنند اما کم نیستند کسانی که می‌گویند «کار خود رژیم است». هرچند فرضیات و سناریوهای مختلف در چنین عملیاتی قابل بررسی است اما شاید برای خیلی‌ها باورکردنی نباشد که عوامل بیرونی و خارج از حلقه‌های اطلاعاتی و امنیتی نظام بتوانند چنین «تمیز» و با مهارت مأموریت حذف فخری‌زاده را اجرا کنند.

در این میان، فشار بر نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی از سوی حامیان رژیم و حتی مقامات شدت گرفته و مخالفان جمهوری اسلامی نیز در شبکه‌های اجتماعی این شکست را بر سر نظام و امنیتی‌هایش می‌گویند. به این ترتیب بعید نیست برای جمع کردن این آبروریزی همان نهادهای امنیتی دست به کار شوند.

خبرگزاری فارس نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکشنبه ۹ آذر در یک گزارش ادعا کرد که کنترل از راه دور از یک تیربار اتوماتیک مستقر در یک وانت‌بار آبی به سمت فخری‌زاده و محافظان شلیک شده است. در این گزارش تاکید شده «هیچ عامل انسانی در محل ترور حضور نداشته و تیراندازی‌ها تنها توسط سلاح خودکار انجام شده است و بجز محافظ شهید که مجروح می‌شود، هیچ فرد دیگری در این حادثه آسیب نمی‌بیند.»

به نظر می‌رسد رسانه‌های داخلی به تریبونی برای نهادهای امنیتی تبدیل شده‌اند تا ضعف‌های اطلاعاتی و امنیتی دستگاه‌های عریض و طویل رژیم را لاپوشانی کنند و ضربه را ناشی از قصور و ضعف دیگر نهادهای حکومتی معرفی کنند.

روایت‌های متناقض از چگونگی کشته شدن فخری‌زاده کم نیست. ساعتی پس از کشته شدن فخری‌زاده صداوسیما جمهوری اسلامی با یک راننده کامیون به عنوان شاهد عینی مصاحبه کرد. او مدعی شد شاهد تیراندازی در جاده بوده و حتی یک نفر به سمت کامیون او نیز تیراندازی کرده است.

خبرگزاری «مهر» نیز در یک گزارش سناریو تازه‌ای را مطرح کرده و با عنوان «سایه جاسوسی سایبری بر ترور فخری‌زاده» احتمال داده که ردگیری او از طریق «سیگنال‌های تلفن همراه صورت گرفته». در این گزارش بر لزوم «تقویت زیرساخت‌های ارتباطی کشور» تاکید شده است.
حزب‌اللهی‌ها و ولایت‌مداران می‌گویند چنین القا کنند که فخری‌زاده فقط یک مهره امنیتی-نظامی نبوده بلکه «پژوهشگر» و «دانشمند» آنهم در عرصه «فلسفه» بوده است! ابراهیم اصولی هریس استاد دانشگاه می‌گوید فخری‌زاده «پژوهشگر حوزه فلسفه فیزیک و فلسفه علم» بوده است. رسانه‌های حکومتی حتی مدعی شده‌اند موساد او را ترور کرد چون سازنده واکنش ضدکرونا بود و پروژه را به مرحله تست انسانی رسانده بود!

ماری از فعالان رسانه‌ای در توئیتر با انتشار تصویری از یک دختر جوان بدون حجاب مدعی شده‌اند که او «پارمیس» نوه فخری‌زاده است که در کانادا زندگی می‌کند. وی به دختری شبیه است که عکس او در کنار تابوت فخری‌زاده در رسانه‌ها منتشر شده است.

● خبرگزاری «مهر» در یک گزارش سناریو تازه‌ای را مطرح کرده و با عنوان «سایه جاسوسی سایبری بر ترور فخری‌زاده» احتمال داده ردگیری او از طریق «سیگنال‌های تلفن همراه صورت گرفته است.»

● ابراهیم اصولی هریس استاد دانشگاه می‌گوید فخری‌زاده «پژوهشگر حوزه فلسفه فیزیک و فلسفه علم» بوده است. رسانه‌های حکومتی نوشته‌اند موساد او را ترور کرد چون سازنده واکنش ضدکرونا بود و پروژه را به مرحله تست انسانی رسانده بود!

● امیر حاتمی وزیر دفاع جمهوری اسلامی گفته «ما حتماً جنایتکاران را تعقیب می‌کنیم و امر فرماندهی معظم کل قوا اجرا خواهد شد.»

● مجلس شورای اسلامی طرح دو فوریتی «لغو اجرای پروتکل الحاقی» را ارائه داده و نمایندگان می‌خواهند از دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تاسیسات هسته‌ای ایران جلوگیری کنند.

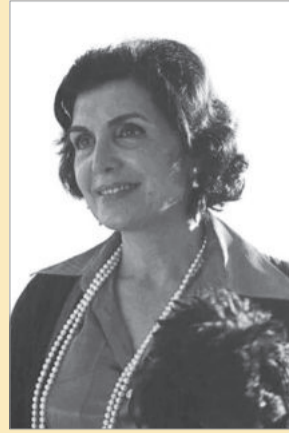
● حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌گوید به روند بازرسی‌های آژانس خوشبین نیستیم؛ بازرسان این سازمان مشکوک‌اند چرا که منشأ بسیاری از اتفاقات تلخ و ترور دانشمندان را همین بازرسی‌های آژانس می‌دانیم.

کمتر از سه ماه پس از آنکه حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهدید کرد «اگر تار مویی از سر یک ایرانی کم شود، تمام کرک و پشم دشمنان را بر باد خواهد داد» محسن فخری‌زاده که جمهوری اسلامی وی را به عنوان «پدر بمب اتمی ایران» قلمداد کرده است، در یک عملیات در نزدیکی تهران کشته شد. هنوز یک‌سال از شکار قاسم سلیمانی و کشته شدن وی در حوالی فرودگاه بغداد توسط پهپادهای آمریکایی نرسیده که محسن فخری‌زاده یکی از عوامل مهم برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی در نزدیکی تهران کشته شد. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی هنوز نمی‌دانند سرنخ این سوء قصد به کجا می‌رسد و چگونه در روز روشن فخری‌زاده با محافظان و اسکورت خود در شهرستان آبرسد نزدیک دماوند حرکت می‌کرد مورد حمله قرار گرفت و کشته شد.

در این عملیات که در یک بلوار نسبتاً پر رفت و آمد با انفجار مهیب یک وانت نیسان و تبادل آتش همراه بود هیچ شهروند غیرنظامی آسیب ندید و به اصطلاح امنیتی یک «عملیات تمیز» با اطلاعات دقیق و

زنان شاخص

آذر ابتهاج (۱۲۹۹ - بابل)



پدر آذر ابتهاج، حسین صنیع شیرازی و از دندانبزرگان صاحب نام مازندران و خواهرزاده فرصت الدوله شیرازی بود. آذر صنیع در سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۸ وارد دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران شد و دوره پنج ساله دندانسازی را طی و فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۳۰ مجدداً وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۲ مدرک دکتری گرفت و به کار در دانشگاه مشغول شد.

او مؤسس و سردبیر «مجله دندان پزشکی» منتشر شده با هزینه شخصی خود بوده‌است. زندگی او طوری رقم خورد که در جریان ازدواج با همسر سوم خود وارد عرصه بانکداری، اقتصاد و مدیریت شد. ابوالحسن ابتهاج هوش می‌کرد و او را زنی قوی‌الاراده و با درایت می‌دانست.

پس از این ازدواج او فعالیت اقتصادی را شروع کرد و با تأسیس بانک ایرانیان توسط همسرش با شراکت چند بانک بزرگ آمریکایی، آذر ابتهاج هم در سال

۱۳۳۸ به عنوان اولین زن در ایران عضو هیئت مدیره یک بانک شد. او فعالیت زیادی در زمینه خرید و فروش سهام داشت و بیشتر وکالت ابتهاج را انجام می‌داد. به دلیل علاقه به زادگاهش شمال ایران، بیشتر املاک خود را در این منطقه خریداری می‌کرد. او مؤسس و عضو هیئت مدیره بولینگ شمیرانات و به همراه همسرش صاحب بیمه بین‌المللی ایران و آمریکا بودند. ابتهاج تنها زن در میان ۵۲ نفری بود که اموالشان پس از انقلاب اسلامی ایران مصادره شد.

چرا نباید سر کودکان فریاد بزنی؟

ما خواهیم در مورد داد و فریاد زدن حرف بزنی. شاید شما جزو آن‌هایی باشید که مدام سر بچه‌ها داد می‌زنند یا شاید هم گه‌گاه این کار را می‌کنید و یا ممکن است خیلی به ندرت پیش بیاید که سر فرزندتان داد بزنید. اگر اصلاً این کار را نمی‌کنید به شما تبریک می‌گوییم. اگر هم اهل دادزدن هستید، خب، بالاخره انسان است دیگر! شاید تا به حال نمی‌دانستید داد زدن بر سر بچه‌ها، چه عواقبی دارد که ما برای‌تان می‌گوییم و البته اینکه چطور می‌توانید این عادت را از محیط‌خانه‌تان دور کنید.

روش‌های آموزش در خانواده‌های مختلف متفاوت است. برخی از خانواده‌ها بیش از اندازه با کودکانشان نرم و برخی دیگر بیش از اندازه با کودکانشان خشن رفتار می‌کنند هر دوی این‌ها در نهایت منجر به تخریب شخصیت کودک خواهد شد.

۵. دلیلی که هرگز نباید سر کودکان فریاد بزنی
فریاد زدن بر سر کودک رفتار نادرستی است و والدین باید از راهکارهای دیگری به جای فریاد زدن استفاده کنند.

۱. فریاد بزرگسالان بچه‌ها را می‌توساند
هر پدر و مادری علاقه‌مند است که با فرزند خود دوست باشد و در واقع با یک حالت دوستی زندگی را با فرزندش ادامه دهد. آیا ممکن است شما با شخصی که از او می‌ترسید دوست شوید؟

در بهترین حالت با بزرگتر شدن فرزند ترس از بین خواهد رفت و در بدترین حالت در تمام سنین بزرگسالی کودکان این ترس را در وجود خود خواهد داشت.

۲. راهکار والدین چیست
به یاد داشته باشید که کودک شما شخصیت دارد و حق ابراز وجود را برای خود قائل است. همیشه با او صحبت کنید. از خود در زندگی کودک یک مشاوری خوب بسازید نه یک مهاجم خوب.

۳. عدم اعتماد کودک روابطش را
راهکار والدین چیست؟ به یاد داشته باشید که کودک شما شخصیت دارد و حق ابراز وجود را برای خود قائل است. همیشه با او صحبت کنید. از خود در زندگی کودک یک مشاوری خوب بسازید نه یک مهاجم خوب.

۴. راهکار والدین چیست
به یاد داشته باشید که کودک شما شخصیت دارد و حق ابراز وجود را برای خود قائل است. همیشه با او صحبت کنید. از خود در زندگی کودک یک مشاوری خوب بسازید نه یک مهاجم خوب.

۵. در آینده کودکان از میگردن
بزرگسالانی که در دوران کودکی تحقیر شده و توهین به آن‌ها می‌شود اغلب از میگردن مزمن رنج می‌برند. تا جایی که این حالات و ترس‌های کودکان می‌تواند باعث ایجاد اضطراب و افکار خودکشی برایشان گردد. این تا جایی پیش می‌رود که بزرگسال‌ها مجبور می‌شوند که به یک روانشناس حرفه‌ای مراجعه کنند.

۶. راهکار والدین چیست
نارضایتی‌های خود را آرام و منطقی بیان کنید. اگر در تربیت کودکان شکست خوردید باید اشتباه خود را بپذیرید. یاد بگیرید که به فرزندانتان گوش کنید و حرف‌های آنها را بشنوید.

۷. در نتیجه: مهمترین دلیلی که باعث می‌شود هرگز بر سر یک کودک فریاد نزنید اینست که در نتیجه او را سالم و شاداب خواهید دید. و این تنها با نشان دادن صبر و عشق به دست می‌آید.



۵ نکته برای مرطوب کننده انواع پوستها

بهترین روش مراقبت از پوست شستن صورت با آب ولرم یک تا دو بار در روز است که از ضد آفتاب مناسب با نوع پوست در هنگام مجاورت با نور خورشید استفاده می‌شود. انتخاب مرطوب کننده بر اساس نوع پوست بسیار مهم است:

۱- برای پوست چرب: همه پوستها به مرطوب کننده نیاز دارند اگر دارای پوست چرب هستید گردو خاک و چربی اضافی را با یک مرطوب کننده ملایم می‌توانید از بین ببرید. مرطوب کننده‌های بدون روغن یا سرم می‌توانند از پوست بهتر محافظت کنند. **۲- پوست خشک:** مرطوب کننده پرپیلین گلیکول بهترین راه برای درمان پوست خشک است که مواد تشکیل‌دهنده آن باعث می‌شود پوست برای مدت طولانی هیدراته باقی بماند. ژلها، روغنهای طبیعی مانند دانه انگور، روغن زیتون و لانولین اجزاء مرطوب کننده عالی برای پوست خیلی خشک هستند که پوست را برای مدت طولانی مرطوب نگه می‌دارد. **۳- پوست طبیعی:** بهترین نوع پوست همین پوست طبیعی است که برای این نوع پوست بهتر است با روغن هسته انگور، جوجوبا پس از حمام به صورت زده شود. **۴- برای پوست حساس:** در یک پوست حساس باید مرطوب کننده‌ها با دقت زیادی انتخاب شوند چون دارای واکنش‌های آلرژیک، سوزش، قرمزی یا دیگر مشکلات پوستی هستند که این افراد باید از کرمهای مرطوب کننده آلوئورا یا بابونه اجتناب کنند. **۵- پیری پوست:** با افزایش سن قابلیت ارتجاعی پوست از بین می‌رود و پوست خشک می‌شود. بنابراین با کرم‌های مرطوب کننده مناسب غنی از آنتی اکسیدانها و اسیدهای آلفا هیدروکسی باید

۴. شخصیت با پیری و چین و چروک پوست مبارزه
بولوژیک است که تغییر شکل بدن را از نوجوانی تا مرحله بالغ نشان می‌دهد. بلوغ در دختران در سن هشت سالگی شروع می‌شود و تا سن ۱۳ سالگی ادامه می‌یابد. بلوغ مرحله مهمی است که می‌تواند برای یک دختر ترسناک باشد، به خصوص اگر والدین در مورد بلوغ به دلیل شرم و حیا اطلاعاتی در اختیار فرزند خود قرار ندهند.

به عنوان مادر، شما می‌توانید بهترین منبع برای سوالات بی شماری دخترتان در مورد بلوغ باشید پس مکالمه را شفاف کنید و از کلمات مناسب استفاده نمایید و با راهنمایی

و حمایت کردن دخترتان در دوران بلوغ اجازه دهید او مسؤولیت بدنش را بر عهده بگیرد.

پاسخ به پرسش رایج دختران جوان هنگام رسیدن به دوران بلوغ چرا عادت ماهیانه نمی‌شوم؟
سن بلوغ در دختران متفاوت است ولی اغلب بین ۸ تا ۱۳ سالگی است. اولین عادت ماهیانه ۲ تا ۵ سال بعد از اولین نشانه‌های بلوغ اتفاق می‌افتد. در بعضی دخترها کمتر از یک سال بعد از بلوغ و یا ۳ تا ۴ روز بطول بیانجامد و اگر خون ریزی بیش از ۷ روز و کمتر از ۱۰۰ میلی‌لیتر باشد، قاعدگی غیرطبیعی تلقی می‌شود. اگر مقدار خون ریزی زیادتر از حد متداول باشد و ۳ تا ۴ روز بطول بیانجامد و اگر خون ریزی بیش از ۷ روز و کمتر از ۱۰۰ میلی‌لیتر باشد، قاعدگی غیرطبیعی تلقی می‌شود.

خون ریزی طولانی مدت و زیاد چه عوارض و اهمیتی دارد؟
خون ریزی طولانی مدت و زیاد علت‌های زیادی دارد و اگر درمان نشود منجر به کم‌خونی و ضعف و خستگی و ضریان قلب و ... می‌شود.

چه اتفاقی می‌افتد اگر او پروید ناگهانی و یا تصادفی را تجربه کند؟
خون‌ریزی اولیه خفیف است و به لباس‌های بیرونی نمی‌رسد اما ممکن

در صورت دخترتان قابل تحمل و قابل کنترل می‌شود. **مقدار از دست دادن خون در طول پروید چقدر است؟**
جریان خون در دوران قاعدگی نامنظم است و بعضی از پرویدها می‌توانند شدید باشند. مقدار از دست دادن خون در طول پروید بستگی به مدت پروید دارد که سه تا هفت روز است و معمولاً بدن در طول یک دوره حدود ۵-۳ قاشق سوپ خوری خون را از دست می‌دهد. **آیا باید پدهای بهداشتی یا پارچه قاعدگی استفاده نمود؟**
دختر هنگامی که پروید رخ می‌دهد، دختر شما می‌تواند پد های بهداشتی یا کپنه قاعدگی را انتخاب کند. شما می‌توانید به دختر خود اجازه دهید که هر دو را امتحان کنند قبل از اینکه تصمیم بگیرد چه کاری برای او بهتر است.

آیا در دوران قاعدگی در فعالیتی شرکت کنم؟
در دوران قاعدگی دلیلی ندارد که

فعالیت‌های فیزیکی را متوقف کنیم و دختران می‌توانند فعالیت‌ها و ورزش را مانند روزهای گذشته انجام دهند. **خون ریزی قاعدگی در چه صورتی طبیعی است؟**
خون قاعدگی در حالت طبیعی قرمز روشن یا کمی تیره بوده و به صورت قطره قطره است و شدید نیست و فاقد لخته خون یا توده است. دفع لخته یا خون ریزی شدید غیرطبیعی تلقی می‌شود. اگر مقدار خون ریزی زیادتر از حد متداول باشد و ۳ تا ۴ روز بطول بیانجامد و اگر خون ریزی بیش از ۷ روز و کمتر از ۱۰۰ میلی‌لیتر باشد، قاعدگی غیرطبیعی تلقی می‌شود.

خون ریزی طولانی مدت و زیاد چه عوارض و اهمیتی دارد؟
خون ریزی طولانی مدت و زیاد علت‌های زیادی دارد و اگر درمان نشود منجر به کم‌خونی و ضعف و خستگی و ضریان قلب و ... می‌شود.

چه اتفاقی می‌افتد اگر او پروید ناگهانی و یا تصادفی را تجربه کند؟
خون‌ریزی اولیه خفیف است و به لباس‌های بیرونی نمی‌رسد اما ممکن

در صورت دخترتان قابل تحمل و قابل کنترل می‌شود. **مقدار از دست دادن خون در طول پروید چقدر است؟**
جریان خون در دوران قاعدگی نامنظم است و بعضی از پرویدها می‌توانند شدید باشند. مقدار از دست دادن خون در طول پروید بستگی به مدت پروید دارد که سه تا هفت روز است و معمولاً بدن در طول یک دوره حدود ۵-۳ قاشق سوپ خوری خون را از دست می‌دهد. **آیا باید پدهای بهداشتی یا پارچه قاعدگی استفاده نمود؟**
دختر هنگامی که پروید رخ می‌دهد، دختر شما می‌تواند پد های بهداشتی یا کپنه قاعدگی را انتخاب کند. شما می‌توانید به دختر خود اجازه دهید که هر دو را امتحان کنند قبل از اینکه تصمیم بگیرد چه کاری برای او بهتر است.



زن روز



و... من به میزبانی یک آشیانه خواهم رفت ایابهار! مسیحای خویش را بفرست که خشکسال غریبی است در تمامی باغ و بر مزار بنفشه گریستن تلخ است رگ درخت چنین جوانه می‌جوید که خواب آفتاب پر از نشئه طلایی گرم و ریشه‌های گل تازه‌زسته باور و سکوت سنگی اندیشه‌های عصبان را کشیده‌اند برون از تن عقیم زمین شکوه ژرف و شگرفی است در شکفتن گلها که می‌شکنند جسم سرد گلدان را کلاغها امروز برای مرگ مترسک ترانه می‌خوانند و شاخه‌های لخت تمام چلچله‌ها را به لانه می‌خوانند.

لعبت والا

پاسخ سوالات رایج دختران در دوران بلوغ

است دخترتان ناگهانی پروید شود. پس زمانی که به مدرسه می‌رود، یک جفت پد بهداشتی یا کپنه قاعدگی در کوله‌پشتی‌اش بگذارد.

چرا عادت ماهیانه منظمی ندارم؟
معمولاً چرخه عادت ماهیانه ۲۸ روزه است، اما برای همه خانم ثابت نیست و در اکثر خانم‌ها بی‌نظمی‌های زیادی در عادت ماهیانه وجود دارد. اولین روز عادت ماهیانه، روز اول چرخه یک خانم محسوب می‌شود. روز چهاردهم یکی از تخمک‌ها از تخمدان خارج می‌شود که به آن تخمک گذاری می‌گویند و در صورت عدم حاملگی دو هفته بعد پوشش درونی رحم ریزش پیدا کرده و عادت ماهیانه اتفاق می‌افتد. طول مدت عادت ماهیانه هم از ۲ تا ۱۰ روز متفاوت است ثابت نیست. در صورت اختلال در قاعدگی به دلیل وجود بیماری و مصرف دارو یا عدم تعادل هورمونی مراجعه به پزشک الزامی است. بی‌نظمی در قاعدگی ممکن است سه سال طول بکشد.

آیا بلوغ زودرس باعث کوتاه قد شدن می‌شود؟
بلوغ زودرس «ظهور بلوغ قبل از سن ۸ تا ۹ سالگی» می‌تواند باعث کوتاه قد شدن شخص شود. اگر قاعدگی در محدوده سنی طبیعی «۹ تا ۱۴ سالگی» اتفاق افتد، باعث توقف رشد قد و کوتاه قد شدن شخص نمی‌شود و قد شخص کمی بیشتر از فردی که دیرتر قاعده شده است، رشد می‌کند. پس از آغاز نخستین قاعدگی قد دختران تا پایان بلوغ ۱۰ تا ۱۶ سانتیمتر رشد خواهد کرد.

چرا اندازه سینه متفاوت است؟
اولین نشانه بلوغ در دخترها رشد پستان‌هاست. همانطور که اندازه دو دست و پا یکسان نیست، اندازه آنها نیز متفاوت است و رشد و بزرگ شدن یکی از پستان‌ها سریع‌تر از دیگری است که این مسئله کاملاً طبیعی است اما بعضی دختر خانم‌ها از این مسئله ناراحتند و فکر می‌کنند مشکلی وجود دارد. توجه به شکل ظاهری پستان بسیار پر اهمیت است و اگر دختر خانم شما در این سن نگران شکل ظاهری سینه خود بود می‌توانید او را برای معاینه نزد پزشک ببرید.

علت درد گرفتن سینه‌ها چیست؟
در دختر خانم‌ها در سن بلوغ و بعد از آن درد پستان هر از گاهی هنگام شستشو و تغییر وضعیت در خواب اتفاق می‌افتد اما از درد پستان‌ها هیچ وقت نباید براهتی گذشت. درد پستان‌ها در نزدیکی شروع عادت ماهیانه (یک هفته قبل) به دلیل ترشح هورمون‌های استروژن و پروژسترون که باعث تجمع آب در بدن و متورم شدن پستان‌ها می‌شود، بسیار شایع است. اگر هیچ ترشخی از پستان وجود نداشته باشد معمولاً این درد را با مصرف مسکن و یا حتی پوشیدن لباس زیر مناسب‌تر می‌توان برطرف کرد.



و حمایت کردن دخترتان در دوران بلوغ اجازه دهید او مسؤولیت بدنش را بر عهده بگیرد.

پاسخ به پرسش رایج دختران جوان هنگام رسیدن به دوران بلوغ چرا عادت ماهیانه نمی‌شوم؟
سن بلوغ در دختران متفاوت است ولی اغلب بین ۸ تا ۱۳ سالگی است. اولین عادت ماهیانه ۲ تا ۵ سال بعد از اولین نشانه‌های بلوغ اتفاق می‌افتد. در بعضی دخترها کمتر از یک سال بعد از بلوغ و یا ۳ تا ۴ روز بطول بیانجامد و اگر خون ریزی بیش از ۷ روز و کمتر از ۱۰۰ میلی‌لیتر باشد، قاعدگی غیرطبیعی تلقی می‌شود. اگر مقدار خون ریزی زیادتر از حد متداول باشد و ۳ تا ۴ روز بطول بیانجامد و اگر خون ریزی بیش از ۷ روز و کمتر از ۱۰۰ میلی‌لیتر باشد، قاعدگی غیرطبیعی تلقی می‌شود.

خون ریزی طولانی مدت و زیاد چه عوارض و اهمیتی دارد؟
خون ریزی طولانی مدت و زیاد علت‌های زیادی دارد و اگر درمان نشود منجر به کم‌خونی و ضعف و خستگی و ضریان قلب و ... می‌شود.

چه اتفاقی می‌افتد اگر او پروید ناگهانی و یا تصادفی را تجربه کند؟
خون‌ریزی اولیه خفیف است و به لباس‌های بیرونی نمی‌رسد اما ممکن

در صورت دخترتان قابل تحمل و قابل کنترل می‌شود. **مقدار از دست دادن خون در طول پروید چقدر است؟**
جریان خون در دوران قاعدگی نامنظم است و بعضی از پرویدها می‌توانند شدید باشند. مقدار از دست دادن خون در طول پروید بستگی به مدت پروید دارد که سه تا هفت روز است و معمولاً بدن در طول یک دوره حدود ۵-۳ قاشق سوپ خوری خون را از دست می‌دهد. **آیا باید پدهای بهداشتی یا پارچه قاعدگی استفاده نمود؟**
دختر هنگامی که پروید رخ می‌دهد، دختر شما می‌تواند پد های بهداشتی یا کپنه قاعدگی را انتخاب کند. شما می‌توانید به دختر خود اجازه دهید که هر دو را امتحان کنند قبل از اینکه تصمیم بگیرد چه کاری برای او بهتر است.

مردان شاخص



ابوالحسن ابتهاج (۱۳۷۷ - ۱۲۷۸)

ابوالحسن ابتهاج پایه‌گذار اصلی برنامه‌ریزی توسعه در ایران که در فاصله سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۷ مدیر عامل سازمان برنامه بود. او همچنین از دی ماه ۱۳۲۰ به مدت هفت سال مدیرعامل بانک ملی ایران بود. هنگامی که ۱۱ سال داشت به همراه برادرش غلامحسین به پاریس و سپس بیروت به جهت تحصیل فرستاده شد. نخستین شغل وی مترجمی یک افسر انگلیسی در رشت بود. ابتهاج در سال ۱۲۹۹ پس از انجام مصاحبه و شرکت در آزمون ورودی به استخدام بانک شاهنشاهی ایران (به عنوان مدیر دارالترجمه) درآمد و مدارج ترقی را به سرعت پیمود. به طوری که در سال در سال ۱۳۰۹ به سمت معاونت بازرسی کل منصوب شد. این ارتقا او را مبدل به یکی از ارشدترین مقامات ایرانی بانک نمود. به سبب آشنایی با علی اکبرخان داور به خدمت وزارت مالیه درآمد. دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۱۷ به معاونت بانک ملی ایران، در سال

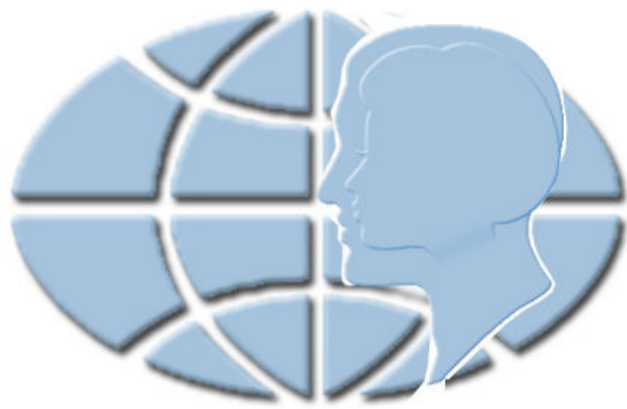
۱۳۱۹ به ریاست بانک رهنی و نهایتاً در سال ۱۳۲۱ به ریاست بانک ملی رسید. در سال ۱۳۲۹ از ریاست بانک کناره‌گذاشته شد و به عنوان سفیر ایران در فرانسه منصوب گردید. اما خدمت اصلی و مهم ماندگار ابتهاج طی دوره تصدیش، تحول در ساختار برنامه‌ریزی در ایران و استفاده از دانش اقتصاد در برنامه‌ریزی بود. او همچنین بانک ایرانیان را با کمک مالی همسرش آذر و نیز در سال ۱۳۵۳ شرکت بیمه بین‌المللی ایران-آمریکا را تأسیس کرد.



بهترین زمان برای نوشیدن آب

صبح که بیدار می شوید: صبح که از خواب بیدار می‌شوید نوشیدن یک لیوان آب کاملاً ضروری است. این کار نه تنها اندام‌های داخلی و سیستم گردش خون شما را فعال می‌کند بلکه آب از دست رفته بدن شما در طول خواب را نیز جبران می‌کند. **بعد از تمرین:** پس از تمرین فرد احساس خستگی و فرسایش شدیدی می‌کند، بنابراین نوشیدن آب بعد از تمرین روح شما را شاداب می‌کند و به سیستم بدن شما دوباره انرژی می‌بخشد. ضربان قلب را به حالت طبیعی برمی‌گرداند و بهبودی را به حداکثر می‌رساند. **نیم ساعت قبل از غذا:** نوشیدن آب قبل از غذا علاوه بر سلامتی، برای کاهش وزن نیز بسیار سودمند و موثر است. هضم غذا را بهبود می‌بخشد و با ایجاد احساس سیری در شما از خوردن کالری اضافی جلوگیری می‌کند. **قبل از حمام:** نوشیدن یک لیوان آب قبل از استحمام می‌تواند فشار خون شما را کاهش دهد. اگر آب گرم باشد رگ‌های خونی را منبسط می‌کند که باعث افت فشار خون می‌شود. **قبل از رفتن به رختخواب:** نوشیدن آب قبل از خواب بدن شما را در طول شب هیدراته نگه می‌دارد، همچنین بدن شما را از تمام سموم پاک می‌کند. در صورتی که با معده درد به رختخواب بروید نوشیدن آب می‌تواند درد شما را تسکین دهد. **هنگامی که بیمار هستید:** احساس بیماری می‌کنید؟ نوشیدن آب یکی از موثرترین راه حل‌ها است. علاوه بر اینکه بدن شما را آبرسانی می‌کند، روند بهبودی را نیز سرعت می‌بخشد. **هنگامی که خسته هستید:** اگر به دلیل برخی کارها یا تمرین‌های سنگین خسته شده‌اید باید آب زیادی

به سختی کار می‌کنند و به سلامتی خود و بدن خود آسیب می‌زنند. نوشیدن آب یکی از موثرترین راه حل‌ها است. علاوه بر اینکه بدن شما را آبرسانی می‌کند، روند بهبودی را نیز سرعت می‌بخشد. **هنگامی که خسته هستید:** اگر به دلیل برخی کارها یا تمرین‌های سنگین خسته شده‌اید باید آب زیادی به سختی کار می‌کنند و به سلامتی خود و بدن خود آسیب می‌زنند. نوشیدن آب یکی از موثرترین راه حل‌ها است. علاوه بر اینکه بدن شما را آبرسانی می‌کند، روند بهبودی را نیز سرعت می‌بخشد. **هنگامی که خسته هستید:** اگر به دلیل برخی کارها یا تمرین‌های سنگین خسته شده‌اید باید آب زیادی



مرد روز



ملک الشعراى بهار

به کشوری که در آن ذره‌ای معارف نیست اگر که مرگ ببارد کسی مخالف نیست بگو به مجلس شورا چرا معارف را هنوز منزلت کمترین مصارف نیست و کیل بی هنر از موش مرده می‌ترسد ولی ز مردن ابناء نوع خائف نیست کند قبیله دیگر حقوق او پامال هر آن قبیله که بر حق خویش واقف نیست نشاط محفل ناهید و نغمه داود تمام یکسر جمع است حیف «عارف» نیست «بهار» عاطفه از ناکسان مدار طمع که در قلوب کسان ذره‌ای عواطف نیست

نشانه‌ها و علائم فرسودگی شغلی در محل کار

کار بخش اعظمی از زندگی ما را درگیر خودش می‌کند. ممکن است خیلی از افراد کارشان را دوست داشته باشند، در حالی که بعضی دیگر به آن علاقه نداشته باشند و فقط از سر اجبار آن را انجام دهند. در اینجا چند مورد از دلایلی که ممکن است باعث دلزدگی فرد نسبت به کار او شود آمده‌است:

۱. علاقه به شغل به دلیل علاقه به همکاران
در چنین حالتی فرد فکر می‌کند که تیم کاری که در آن قرار دارد، بهترین جلسات کاری و صحبت‌های همیشگی در مورد مسائل کاری فرد خسته خواهد شد و نسبت به شغلی که دارد انزجار پیدا خواهد کرد، چون به یکنواختی می‌رسد. این مورد شباهت زیادی به پیروی طولانی مدت از یک نوع رژیم غذایی خاص دارد. در چنین وضعیتی بهتر است که فرد حلقه‌ی اجتماعی‌ای که در آن قرار دارد را گسترش داده و با افراد بیشتری معاشرت کند و در زندگی خود تنوع ایجاد کند.

۲. مشکلات شناختی
برخی از افرادی که در شرایط کاری استرس فراوانی دارند، دچار فرسودگی شغلی می‌شوند. استرس باعث آسیب به قشر پیشانی مغز که مسئولیت عملکردهای اجرایی را بر عهده دارد، خواهد شد. عملکرد اجرایی بر حافظه، توانایی تصمیم‌گیری، کنترل احساس و تمرکز تأثیر می‌گذارد و فرد اشتباهات احتمالی را انجام می‌دهد، چیزهای مهم را فراموش می‌کند، احساسات و حالات او مدام تغییر می‌کند و یا در تصمیم‌گیری ضعیف عمل می‌کند، همه این‌ها از نشانه‌های فرسودگی هستند.

۳. کار کردن در کنار همسر خود
این احتمال وجود دارد که زوج‌هایی که با هم کار می‌کنند و با یکدیگر همکار هستند، بعد از مدتی از یکدیگر خسته شوند چرا که آن‌ها از صبح تا شب و حداقل ۵ روز در هفته در کنار یکدیگر هستند و همچنین آخر هفته‌ها را هم در کنار هم می‌گذرانند. مکالمات آن‌ها بیشتر حول محور کار است و کمتر برای یکدیگر وقت می‌گذرانند. شاید بهترین راه برای چنین زوج‌هایی کار کردن در مکان‌های مختلف باشد که این بهترین راه برای حفظ روابط سالم بین چنین زوجی است.

۴. دشواری در روابط کاری و شخصی
استرس روی نحوه تعاملات با سایر افراد تأثیر می‌گذارد. استرس موجب می‌شود که تمایل افراد برای ضربه زدن به دیگران افزایش یابد، خونسردی خود را از دست بدهید و در تعارض‌های احتمالی غیرضروری مداخله کنید.

۵. کمال گرایی بودن
یکی دیگر از دلایل دلزدگی از کار کمال گرایی بودن است. این که فرد در

بهترین زمان مصرف داروها در روز

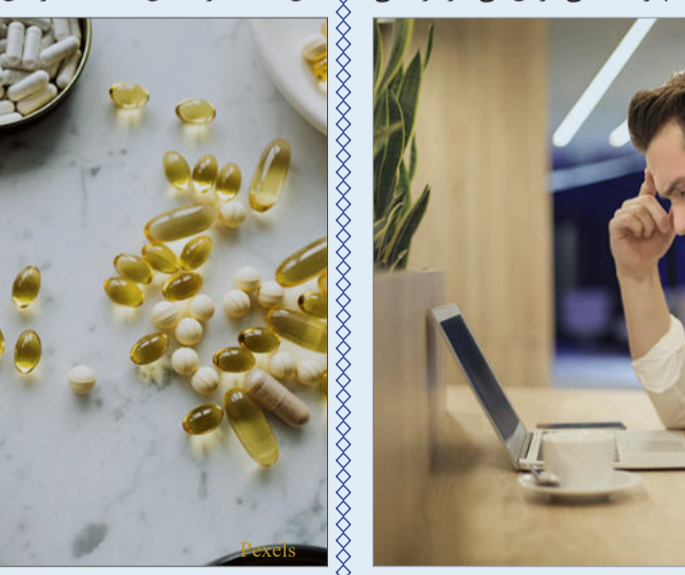
بدرت است. مصرف این قرص‌ها پس از صبحانه کمک می‌کند تا سینوس‌هایتان پاک شوند و در طول روز احساس خوشایندتری داشته باشید. از مصرف این داروها در بعد از ظهر و یا شب اجتناب کنید، زیرا می‌تواند باعث شود که دچار بی‌خوابی شوید.

زمان مصرف دارو و پروبیوتیک‌ها: پروبیوتیک‌ها را همیشه بعد از خوردن غذا دریافت کنید. معده پر کمک می‌کند تا این قرص به نقطه اوج کارایی خود برسد و از خوردن آنها با معده خالی اجتناب کنید، زیرا ورود آنها به معده‌ای خالی یک محیط ناآشنا اسیدی است که می‌تواند کارایی آنها را از بین ببرد.

داروهایی که در کل باید در طول روز مصرف شوند:
بهترین زمان مصرف داروهای آرتروز:
استفاده از داروهای آرتروز، قبل یا بعد از صبحانه بدن شما را برای کنترل علائم این بیماری در طول روز مقاوم می‌کند. برخی از داروهای آرتروزی که با دوز بیشتری هستند، بعد از شام توصیه می‌شوند. برای تشخیص آن بهتر است که با متخصص مشورت کنید، تا با استفاده نابجا دچار بی‌خوابی‌های بی‌وقفه نشوید.

داروهایی که باید بعد از شام مصرف شوند:
کبد شما بیشترین میزان کلسترول را زمانی که شب می‌خوابید، تولید می‌کند. مصرف داروهای مربوط به کلسترول، بعد از شام و قبل از خواب، به بدن‌تان کمک می‌کند که سطح کلسترول در خون را حفظ کند. بسیاری از داروها هستند که باید دو بار در روز مصرف شود و برای اطلاعات در مورد آن‌ها بهتر است که زمان دریافت نسخه‌ای که متخصص در مورد مصرف آن در طول شبانه روز سوال کنید.

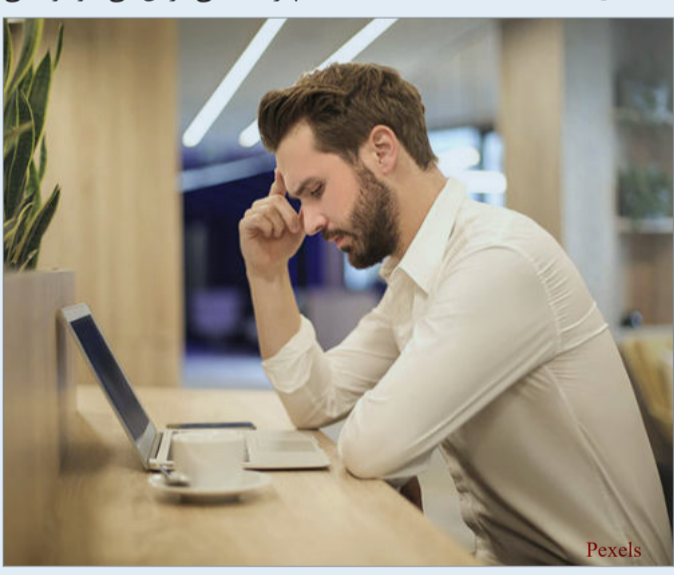
داروهایی که باید قبل از خواب مصرف شوند:
زمان مصرف دارو و قرص‌های خواب:
برای جلوگیری از بی‌خوابی‌های ناخواسته قرص‌های خواب آور فقط باید قبل از خواب مصرف شوند. **نکات اضافی و مفید در مورد زمان مصرف دارو:**
برای اطمینان از بازدهی قرص‌های خود، بهتر است که آنها را در یک ساعت معین در طول شبانه روز مصرف کنید. به عنوان مثال اگر شما قرصی را در ساعت ۸ صبح مصرف کنید، و روز دیگر ساعت ۸:۴۰ باشد، کارایی آن را پایین می‌آورد. قبل از شروع آنتی‌بیوتیک‌های تجویزی مصرف آن را با داروساز چک کنید. تا از عوارض جانبی ناخواسته‌ای که ممکن است رخ دهد، جلوگیری کنید. هر آنتی‌بیوتیک دارای دستورالعمل‌های منحصر به فردی می‌باشد.



جذب قرص آهن می‌شود. زیرا محیط اسیدی آن کمک می‌کند تا آهن به طور کامل جذب شود. اگر مکمل‌های آهن در معده خالی باعث احساس ناخوشایندی در شما می‌شود، آن را همراه با غذا میل کنید. در این شرایط جذب آهن کمی کاهش پیدا می‌کند، اما هنوز هم شانس دریافت برخی از مزایای آن را خواهید داشت.

زمان مصرف داروی آهن و مکمل‌های دیگر
آهن همچنین می‌تواند با قرص‌های دیگر نیز اثرات منفی داشته باشد مانند مکمل‌های کلسیم، داروهای تیروئید، مولتی‌ویتامین‌ها و آنتی‌بیوتیک‌ها. اگر این داروها را هم علاوه بر مکمل‌های آهن مصرف می‌کنید، پیشنهاد می‌شود که با داروسازتان صحبت کنید که قرص‌های خود را در زمان‌های مختلف در طول روز قرار دهید، تا اطمینان حاصل شود که در شرایط مطلوب هریک را دریافت خواهید کرد.

زمان مصرف داروهای فشار خون:
فشار خون معمولاً صبح‌ها بالاتر است. پس بهترین زمان برای دریافت آن



اگر فرد مثبت‌نگری در زندگی بوده‌اید ولی به تازگی فقط به نیمه خالی لیوان نگاه می‌کنید، دیگران را مورد قضاوت قرار می‌دهید و نوعی احساس بدبینی در شما به وجود آمده است ممکن است دچار فرسودگی شغلی شده باشید که شما را به یک شخص منفی‌گرا و منفی‌باف تبدیل نموده است.

۸. از دست دادن انگیزه
با آغاز کار همه چیز به نظرمان خوب و بدون نقص است و انگیزه کافی برای کار را داریم اما در حالت فرسودگی، همیشه به دنبال پیدا کردن انگیزه هستیم تا کار خود را به پایان برسانیم. ممکن است این کار و وظیفه به خوبی به پایان برسد اما انگیزه‌ای که باعث سوق دادن شما شده است دیگر وجود ندارد و کار را نه فقط به خاطر خود واقعی‌تان انجام می‌دهیم بلکه تنها به علت ترس از دست دادن یا اخراج شدن این کار را به پایان می‌رسانیم.

۹. توجه نکردن به سلامتی خود
نادیده گرفتن علائم هشدار دهنده‌ی بدن، فرد را در معرض خطر بیمارهای مختلف قرار می‌دهد. افرادی که

اسامی نامزدهای بهترین بازیکن فوتبال سال «فیفا»



● اسامی نامزدهای بهترین بازیکن فوتبال سال «فیفا» اعلام شده است. مراسم انتخاب بهترین بازیکن فوتبال سال به شکل حضوری برپا نمی‌شود بلکه به صورت آنلاین برگزار خواهد شد.

فیفا این هفته اسامی بهترین نامزدهای فوتبال اسامی را به این شرح اعلام کرد:

- روبرت لواندفسکی از لهستان
- باشگاه بایرن مونیخ
- تیاگو آلکانتابارا ایتالیایی، باشگاه‌های بایرن مونیخ و لیورپول
- کریستیانو رونالدو از پرتغال باشگاه یوونتوس
- کوین د بروین بلژیکی باشگاه منچستر سیتی
- سادو مانه از سنگال، باشگاه لیورپول
- کیلیان مبابه فرانسوی باشگاه پاری سن ژرمن
- لیونل مسی از آرژانتین باشگاه بارسلون
- نیکلای پلچینسکی روس باشگاه پاری سن ژرمن
- محمد صلاح از مصر باشگاه لیورپول
- سرخیو راموس اسپانیایی باشگاه رئال مادرید
- فرجیل فان دایک هلندی باشگاه لیورپول
- نامزدهای بهترین دروازه بانان سال فیفا هم این‌ها هستند:
- الیسون بکر برزیلی باشگاه لیورپول
- تیبو کورتوا از بلژیک باشگاه رئال مادرید
- کیلور نافاس از کاستاریکا باشگاه پاری سن ژرمن
- مانوئل نویر آلمانی باشگاه بایرن مونیخ
- یان اوبلاک از اسلوانی باشگاه آتلانتیکو مادرید
- مارک آندره تراشنگن آلمانی باشگاه بارسلون
- نامزدهای بهترین مربیان سال هم عبارتند از:

- مارچلو بیلسا از آرژانتین باشگاه لیدز یونایتد
- هانس دیتر فلیک آلمانی باشگاه بایرن مونیخ
- یورگن کلوپ آلمانی باشگاه لیورپول
- یولن لوپتکی آرگوته اسپانیایی باشگاه سویا
- زین الدین زیدان فرانسوی باشگاه رئال مادرید
- فیفا این هفته اسامی بهترین نامزدهای زن فوتبال اسامی را نیز به این شرح اعلام کرده است:
- لوسی برنز انگلیسی باشگاه منچستر سیتی
- دلفینه کاسکارپینو فرانسوی باشگاه لیون
- کارولین گراهام هنسن نروژی باشگاه بارسلونا
- پرنیل هاردرد دانمارکی باشگاه‌های ولفزبورگ و چلسی
- جنیفر هرموسو اسپانیایی باشگاه بارسلونا
- ژو سو یون از کره جنوبی باشگاه چلسی
- ساکی کوماگائی ژاپنی باشگاه فرانکفورت
- دزینفر ماروسان مجارستانی تبار آلمانی باشگاه فرانکفورت
- ویوین میدما هلندی باشگاه آرسنال
- وندی ترزا رنارد فرانسوی باشگاه لیون
- نامزدهای بهترین مربیان سال

همراهی تعدادی از عوامل سینما با حزب‌اللهی‌ها در ستایش محسن فخری‌زاده از عوامل برنامه اتمی:

به تو افتخار می‌کنیم!



امضاکنندگان نامه ستایش آمیز برای محسن فخری‌زاده یکی از عوامل برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی در قبال سرکوب و کشتار معترضان و همچنین اعدام نوید افکاری سکوت کرده بودند

پروژه‌های میلیاردی سینمایی و شبکه نمایش خانگی، محل خرج این بودجه‌ها و توزیع پول میان سینماگران بوده تا به وقت نیاز از جمله اکنون برای پر کردن جای خالی حمایت مردم از چهره‌های چون فخری‌زاده، به کار گرفته شوند. انتشار این بیانیه در فضای مجازی واکنش‌های منفی کاربران را به دنبال داشت که با هشتگ‌هایی مانند هنربندان، موضوع تحریم آثار این سینماگران را مطرح کرده‌اند. کاربران در توئیتهای خود سکوت سنگین این افراد در قبال کشتار مردم در اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ و بازداشت و اعدام معترضان را یادآوری کرده‌اند. آنان نوشته‌اند که امضاکنندگان این بیانیه همانهایی هستند که در اعتراض گسترده مردم علیه اعدام نوید افکاری کشتی‌گیر معترض اعتراضات آبان‌ماه، در پستوها پنهان شده و یک خط در اعتراض به این حکم و اعدام نوید ننوشتند.

برخی دیگر از کاربران نیز به این نکته مهم اشاره می‌کنند که سینماگرانی از جمله مجید مجیدی و نرگس آبیاری با وجود چنین موضعی در حمایت از تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در ایران، در فستیوال‌های جهانی از جمله فستیوال کن، برلین و همچنین مراسم اسکار نیز حضور دارند و فیلم مجیدی به عنوان «نماینده سینمای ایران» به اسکار معرفی شده است. همچنین نرگس آبیاری سینماگر مورد حمایت رژیم حتی به عضویت آکادمی اسکار در آمده است.

این بیانیه با خشم و انزجار شدید کاربران توئیتر مواجه شده که نگارندگان را مزور و سودجو دانسته و می‌گویند هر جا که منفعت باشد، آنان حضور فعالی دارند و تا کنون در صف مردم قرار نگرفته‌اند. این توئیتهای چنان سرشار از خشم هستند که به دلیل استفاده از برخی واژه‌ها امکان انتشار آنها در این گزارش نیست.

امضاکنندگان این بیانیه عبارتند از پرویز پرستویی، ابراهیم حاتمی‌کیا، کمال تبریزی، مجید مجیدی، همایون اسعدیان، منوچهر محمدی، منوچهر شاهسوری، مازیار میری، رضا میرکریمی، نرگس آبیاری، فرشته طائرپور، محمد مهدی عسگرپور، کامران ملکی، رسول صدرعاملی، مجتبی راعی، محمد حسین حقیقی، حسن برزیده، محمدعلی نجفی، حبیب احمدزاده، آتیلا پسیانی، فرهاد قائمیان، ایرج تقی‌پور، نبوی، فرهاد داودی، عبدالحمید قدریان، علی قائم‌مقامی، مهرداد فرید، نوید محمودی، بهمن اردلان، حافظ احمدی، محمد قاسمی، محمد حسین مهدویان، مهدی فخیم‌زاده.

این بیانیه در حالی از سوی این «سینماگران» صادر می‌شود که سینمای ایران بیش از هر زمان دیگری به خلافکاری و پولشویی و تزییق پول دستگاه‌های نظامی و شبه‌نظامی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعتیاد پیدا کرده است. چنانکه در جریان دادگاه‌های پرونده‌های اختلاس‌ها همواره

سازمان پژوهش و نوآوری صنایع دفاعی منتشر کردند. این افراد از جمله پرویز پرستویی، ابراهیم حاتمی‌کیا، کمال تبریزی، مجید مجیدی، نرگس آبیاری، رسول صدرعاملی، محمدحسین مهدویان و آتیلا پسیانی با امضای این بیانیه با بسیجیان و حزب‌اللهی‌هایی که پس از ترور فخری‌زاده در تجمعات کوچکی در خیابان‌ها تجمع کردند، مواضع مشترک خود را اعلام نمودند.

در این بیانیه آمده است: «خبر ترور ناجوانمردانهات را شنیدیم و افسوس خوردیم که چرا به قدر بدخواهان سپهبدان تو را نمی‌شناختیم. کمی دیر شده ولی به پاس یک عمر تلاش علمی بی‌منت و بی‌نام و نشان برای اقتدار کشور عزیزمان ایران، به تو افتخار می‌کنیم.»

گفتنی است که هیچ اطلاعات دقیقی از تحصیلات دانشگاهی این «دانشمند» و اینکه وی چه زمانی و در کجا و تحت نظر چه استادانی در رشته‌ی خود «دانشمند» شده در دست نیست و رسانه‌های داخلی نیز بر جایگاه مهم او در پروژه‌های اتمی جمهوری اسلامی تأکید کرده‌اند.

امضاکنندگان این بیانیه مانند مجید مجیدی و ابراهیم حاتمی‌کیا و رضا میرکریمی جزو سینماگران نزدیک به



محسن فخری‌زاده

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هستند و برخی دیگر نیز از سینماگران اصلاح‌طلب حامی میرحسین موسوی در انتخابات سال ۸۸ و دو دوره حامی انتخاباتی حسن روحانی رئیس دولت یازدهم و فعلی مانند همایون اسعدیان، منوچهر محمدی، مازیار میری، فرشته طائرپور، محمد مهدی عسگرپور و اکبر نبوی هستند.

این بیانیه در حالی از سوی این «سینماگران» صادر می‌شود که سینمای ایران بیش از هر زمان دیگری به خلافکاری و پولشویی و تزییق پول دستگاه‌های نظامی و شبه‌نظامی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعتیاد پیدا کرده است. چنانکه در جریان دادگاه‌های پرونده‌های اختلاس‌ها همواره

● امضاکنندگان این بیانیه مانند مجید مجیدی و ابراهیم حاتمی‌کیا و رضا میرکریمی جزو سینماگران نزدیک به علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هستند و برخی دیگر نیز از سینماگران اصلاح‌طلب حامی میرحسین موسوی در انتخابات سال ۸۸ و دو دوره حامی انتخاباتی رئیس دولت یازدهم و فعلی مانند همایون اسعدیان، منوچهر محمدی، مازیار میری، فرشته طائرپور، محمد مهدی عسگرپور و اکبر نبوی هستند.

● برخی از جمله مجید مجیدی و نرگس آبیاری با وجود چنین موضعی در حمایت از تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در ایران، در فستیوال‌های جهانی از جمله فستیوال کن، برلین و مراسم اسکار نیز حضور دارند و فیلم مجیدی به عنوان «نماینده سینمای ایران» به اسکار معرفی شده است. همچنین نرگس آبیاری سینماگر مورد حمایت نظام حتی به عضویت آکادمی اسکار در آمده است.

● کاربران فضای مجازی در توئیتهای خود سکوت سنگین سینماگران در قبال کشتار مردم در اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ و بازداشت و سرکوب آنها را یادآوری کرده و نوشته‌اند که امضاکنندگان این بیانیه همانهایی هستند که در اعتراض گسترده مردم علیه اعدام نوید افکاری کشتی‌گیر معترض اعتراضات آبان‌ماه در پستوها پنهان شده و یک خط در اعتراض ننوشتند.

تعدادی از عوامل و فعالان عرصه سینما در جمهوری اسلامی از جمله پرویز پرستویی، ابراهیم حاتمی‌کیا، مجید مجیدی و رسول صدرعاملی با نیروهای بسیجی و حزب‌اللهی‌ها همراه شده‌اند و در بیانیه‌های خطاب به فخری‌زاده نوشته‌اند که او را نمی‌شناختند ولی حالا به او «افتخار» می‌کنند!

تعدادی از عوامل حوزه فیلم و سینما در جمهوری اسلامی شامل دیروز بیانیه‌ای ستایش آمیز با عنوان «خطاب به تویی که نمی‌شناختمت» در واکنش به کشته شدن محسن فخری‌زاده معاون وزیر دفاع و رئیس

دکتر محمد ملکی فعال حقوق بشر در گذشت؛ «ز گهواره تا گور آزادی بجوی»



● دکتر محمد ملکی متولد سال ۱۳۱۲ از فعالان حقوق بشر بود که پس از انقلاب ۵۷، ریاست دانشگاه تهران را برعهده گرفت ولی با انتقاد از «انقلاب فرهنگی» و تعطیلی دانشگاه‌ها، حمله به دانشجویان و کشتار آنان، برکنار و دستگیر شد. ملکی سال‌ها بعد با انتقاد از مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی از استادی این دانشگاه نیز اخراج شد.

دکتر محمد ملکی فعال حقوق بشر و اولین رئیس دانشگاه تهران پس از انقلاب ۵۷، در ۸۷ سالگی درگذشت. عمار ملکی فرزند دکتر محمد ملکی صبح امروز چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۹۹ در حساب توئیترش از درگذشت پدرش در تهران خبر داد. او نوشت: «چراغ خانه خاموش شد، حسرت دیدار ابدی گشت. هنوز سر از سوگ مادر برداشته بودیم که پدرم، جان و جانان جدامانده من، درگذشت. مبارز خستگی‌ناپذیر راه آزادی و یاور آزادیخواهان ایران به دکتر ابدی رسید...»

دکتر محمد ملکی متولد سال ۱۳۱۲ از فعالان حقوق بشر بود که پس از انقلاب ۵۷، ریاست دانشگاه تهران را برعهده گرفت ولی با انتقاد از «انقلاب فرهنگی» و تعطیلی دانشگاه‌ها، حمله به دانشجویان و کشتار آنان، برکنار و دستگیر شد. ملکی سال‌ها بعد با انتقاد از مدیریت

دانشگاه آزاد اسلامی از استادی این دانشگاه نیز اخراج شد. در دوران ریاست دکتر ملکی بر دانشگاه تهران، این دانشگاه به صورت شورایی متشکل از استادان، دانشجویان و کارمندان اداره می‌شد و رئیس دانشکده‌ها و دانشگاه توسط این شورا تعیین می‌شدند. ملکی درباره آن دوران در زندان نوشته است: «ابتدا به اعدام و سپس به ۱۰ سال زندان محکوم گردیدم. در این مدت با بی‌رحمانه‌ترین رفتار از جمله زدن کابل به کف پا و سایر نقاط بدنم، آویزان کردن از سقف، کوبیدن سر به دیوار، زدن مشت و لگد که منجر به نابینائی چشم چپم و شکستگی استخوان مچ دست راستم شد و انواع شکنجه‌ها مواجه بودم.» پس از آن، دکتر ملکی بارها بازداشت

«بازار مرغ در یک قدمی آرامش!» واقعا!



فروشگاه‌های خصوصی هم مرغ‌های خود را عرضه کنند.»
او البته در ادامه صحبت‌هایش گفته که «باید از این صنعت حمایت لازم شود» اما نگفته که وزارت جهاد کشاورزی مسئولیت حمایت از صنعت دام و طیور کشور را به عهده دارد.

روزنامه ایران هم در مطلبی با عنوان «بازار مرغ در یک قدمی آرامش» با سعید صارمی معاون دفتر برنامه‌ریزی تأمین، توزیع و تنظیم بازار وزارت صمت گفتگو کرده است.

این مسئول وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز درباره راهکارهای نهایی دولت برای حل مشکلات صنعت مرغ گفته که «طبق آخرین تصمیم‌های صورت گرفته، مسئولیت تنظیم بازار با وزارت جهاد کشاورزی است و نظارت بر فعالیت خرده‌فروشی‌ها و جلوگیری از هرگونه گرانفروشی با وزارت صمت (اصناف) است.»

معاون دفتر برنامه‌ریزی تأمین، توزیع و تنظیم بازار وزارت صمت افزوده که دولت قرار است برای افزایش حجم تولید نیز اقداماتی انجام دهد: «در سیاست اخیر تنظیم بازار از وزارت جهاد کشاورزی خواسته شده که میزان جوجه‌ریزی افزایش و به ماهانه ۱۲۰ میلیون قطعه برسد. با تولید میزان یادشده مشکلات بازار مرغ حل خواهد شد و دیگر مردم با گرانی این کالا مواجه نخواهند شد. برای افزایش سطح جوجه‌ریزی، تمهیدات لازم در بخش تأمین نهاده صورت گرفته است و تولیدکنندگان بدون دغدغه می‌توانند نهاده‌های مورد نیاز خود را با قیمت دولتی خریداری کنند.»

این مقام وزارت صنعت نظر دیگری درباره منشأ «گرانفروشی» ارائه داده و گفته که مرغداران هستند که گرانفروشی می‌کنند و نه خرده‌فروشان در بازار: «تا مرحله عمده‌فروشی تنظیم بازار مرغ با وزارت جهاد کشاورزی است و پس از آن در خرده‌فروشی‌ها اصناف نظارت می‌کنند تا واحد صنفی گرانفروشی نکند. در این حوزه دستورالعمل‌های شفاف وجود دارد و هر واحد صنفی که تخلف کند با او برخورد می‌شود. اما بعضاً گرانفروشی در خرده‌فروشی‌ها نیست و از مراکز تولید، گرانی به بازار می‌رسد. به‌عنوان مثال برخی از مرغداران را به نرخ‌های مصوب توجه نمی‌کنند و قیمت‌ها را افزایش می‌دهند. با پیگیری‌های صورت گرفته، تنها در استان تهران ۴۴ مرغداری تعزیری شدند. بازرسی‌ها ادامه دارد و اجازه داده نخواهد شد که برخی‌ها بخواهند از فضای موجود سودجویی کنند.»

سعید صارمی در حالی از شکایت از مسئولان ۴۴ مرغداری نزد سازمان تعزیرات حکومتی به دلیل گرانفروشی خبر و عامل گرانی مرغ را مرغداران توضیح داده که مشخص نیست در این میان نیروهای «بسیج» برای رصد بازار و توانی که قرار است وزارت جهاد کشاورزی بکار ببندد دقیقاً برای چه موضوعی است!

این سطح از ناهماهنگی، فراقکتی و حتی درک متفاوت از علت گرانی مرغ که هیچکدام هم علت واقعی نیست، نشان می‌دهد ادعای «آرامش» در بازار مرغ و دیگر بازارهای مصرفی خیالی خام و وعده‌های دروغ است. بازار مصرفی در ایران متأثر از عوامل مختلفی از جمله قیمت ارز و انرژی و تورم داخلی است و در نتیجه با این نمایش‌ها و بگیر و ببندها مشکلات همچنان پابرجا می‌مانند و کالاها گران می‌شوند!

● معاون وزیر صمت از شکایت از مسئولان ۴۴ مرغداری استان تهران نزد سازمان تعزیرات حکومتی به دلیل «گرانفروشی» خبر داده است. وزیر جهاد کشاورزی گفته قرار است با کمک نیروهای «بسیج» بازار را رصد کنند که کسی گرانفروشی نکند و مشکل گرانی مرغ حل شود. علت اصلی گرانی مرغ اما دادن ارز دولتی به مافیاهای انحصاری برای واردات نهاده‌های دامی است. آنها نهاده را وارد اما بجای عرضه با قیمت دولتی، در بازار آزاد فروختند.

پس از آنکه که قیمت تخم مرغ و پس از مرغ با افزایش بیش از دو برابر شد، حالا روزنامه «ایران» با تیتیر «بازار مرغ در یک قدمی آرامش» از بهبود وضعیت این بازار خبر داده است. این در حالیست که همچنان مشکلات مرغداران باقیست و تنش قیمت و پیامدهای آن در بازار مرغ و تخم و مرغ ادامه دارد. با وجود آنکه دولت برای واردات نهاده‌های دامی ارز ۴۲۰۰ تومانی اختصاص داده اما این ارز تنها به سود واردکنندگانی تمام شده که با رانت و رابطه ارزهای کلان برای واردات دریافت کرده‌اند. آنها بخش زیادی نهاده‌های دامی وارد شده با ارز دولتی را در بازار آزاد عرضه کرده و همزمان با استفاده از انحصار خود در بازار، قیمت‌ها را افزایش دادند.

نهاده‌های دامی با قیمت دولتی نایاب شد و مرغداران و دامداران ناچار شدند غذای مورد نیاز دام و طیور خود را از بازار آزاد و با قیمت‌هایی که تا ۳۰۰ درصد گران شده بود تهیه کنند. نتیجه این روند، افزایش هزینه تولید، گران شدن قیمت تخم مرغ و مرغ و در نهایت کاهش تولید از سوی مرغداران بود که خطری جدی برای امنیت غذایی کشور نیز به شمار می‌رود. قیمت مرغ از ۱۳ هزار تومان به حدود ۴۰ هزار تومان رسید. چند روز به ۳۴ تا ۴۰ هزار تومانی رسید. احمد امیرآبادی فراهانی عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی درباره رانت و فساد شکل گرفته در واردات

بودجه ۱۴۰۰؛ سفرهای خارجی به حداقل رسیده ولی دولت به دنبال درآمدهای از «عوارض خروج» است!



با شیوع کورونا سفرهای خارجی به حداقل رسیده است

سفرهای سوم و بیشتر از آن نسبت به سفر اول ۱۰۰ درصد افزایش می‌یابد و به مبلغ ۵۲۸ هزار تومان می‌رسد. عوارض خروج زائران حج تمتع و عمره ۱۳۲ هزار تومان است اما در صورت خروج برای بار دوم عوارض به میزان ۵۰ درصد و در سفرهای سوم یا بیشتر تا ۱۰۰ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین عوارض خروج زائران عتبات عالیات در خروج هوایی ۴۵ هزار تومان و خروج زمینی و دریایی ۱۵ هزار تومان پیش‌بینی شده است. زائران اربعین نیز در زمان خروج از مرزهای زمینی و به مقصد عراق از پرداخت عوارض خروج معاف هستند. این در حالیست که مشکلات اقتصادی و همچنین شیوع کرونا مسافرت‌های خارجی را به حداقل رسانده است. قوانین وضع شده در بسیاری از کشورها برای ورود مسافرت‌های خارجی در شرایط کرونا و همچنین عدم تمایل مردم به سفر در شرایط کرونا سبب شده ارقام درآمد حاصل از عوارض خروج از کشور به شکل چشمگیری کاهش پیدا کند. حرمت‌الله رفیعی رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران حتی معتقد است که بخش گردشگری مدت‌هاست تعطیل شده و رقم پیش‌بینی شده در بودجه سال ۹۹ از عوارض خروج از کشور هم اختصاص داده نشده است. حرمت‌الله رفیعی افزوده که «با تداوم شرایط موجود و عدم انجام سفرهای خارجی، امیدی به تأمین بودجه مد نظر دولت در سال ۱۴۰۰

لايحه بودجه ۱۴۰۰ روز چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۹۹ با حواشی زیاد به مجلس شورای اسلامی ارائه شد. دولت تلاش کرده از هر راه ممکن در لایحه بودجه، منابع درآمدی را با ارقام بالاتری ثبت کند. در بودجه سال آینده نسبت به سال جاری درآمدهای دولت چه از طریق فروش نفت و چه دیگر درآمدها با افزایش پیش‌بینی شده است!

لايحه بودجه سال آینده در مجموع ۲۴۳۵ هزار میلیارد تومان است که منابع عمومی آن ۲۷۰ هزار میلیارد تومان نسبت به سال جاری افزایش یافته است.

یکی از مواردی که دولت مانند سال گذشته روی آن حساب کرده، عوارض خروج از کشور است. هرچند درآمدهای پیش‌بینی شده در این بخش طی سال گذشته کسب نشده اما امسال هم دولت امیدوار به کسب درآمد از محل عوارض خروج از کشور است.

در لایحه بودجه ۱۴۰۰ آمده که برای سفر اول هر مسافر ایرانی به خارج از کشور به غیر از سفرهای زیارتی، ۲۶۴ هزار تومان در نظر گرفته شده. برای سفر دوم این هزینه ۵۰ درصد اضافه می‌شود و به مبلغ ۳۹۶ هزار تومان می‌رسد. هزینه برای

افزایش ۱۱۸.۲ درصدی قیمت مسکن؛ بار سنگین گرانی بر شانه‌های ضعیف قشرهای تنگ‌دست

روزنامه کیهان چاپ تهران درباره اختلاف قابل توجه تورم میان اقشار فقیر و ثروتمند نوشته که تورم ۶۲ درصدی کالاهای خوراکی برای فقرا که حدود ۱۰ درصد از تورم همین کالاها برای ثروتمندان بیشتر بود، به دلیل شتاب گرفتن افزایش قیمت‌ها در یک ماه اخیر رخ داده است.

در ادامه‌ی گزارش کیهان تهران آمده «از آنجا که سبد کالایی اقلام اساسی برای فقرا ضریب بالاتری نسبت به تمام کالاهای مصرفی دارد، فشار ناشی از گرانی شدید قیمت‌ها نیز تأثیر تومری بالاتری در زندگی فقرا ایجاد می‌کند. همچنین، بر اساس اعداد مربوط به تورم در میان دهک‌های مختلف هزینه‌ای، فاصله تومری دهک‌ها در این ماه به ۸.۹ درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۸.۱ درصد) ۰.۸ واحد درصد افزایش داشته است. فاصله تومری در گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» نسبت به ماه قبل ۱.۲ واحد درصد و در گروه عمده «کالاهای غیر خوراکی و خدمات» نسبت به ماه قبل ۲.۴ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد.

بر اساس اعداد مربوط به تورم در میان دهک‌های مختلف هزینه‌ای، اختلاف تومری دهک‌ها در این ماه به ۹.۸ درصد رسید که نسبت به ماه قبل ۹.۸ درصد و در سال گذشته ۸.۰ واحد درصد افزایش داشته است.

از سوی دیگر تورم نقطه‌ای آبان‌ماه که بیانگر افزایش قیمت‌ها طی یک سال اخیر است، در کالاهای خوراکی، آشامیدنی و دخانیات، در دهک اول (فقیرترین) ۶۲.۷ درصد و دهک دوم (ثروتمندترین) ۵۱.۹ درصد بوده است.

یک مترمربع مسکن در شهر تهران به ۲۷ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان رسیده که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۱۸.۲ درصد و نسبت به ماه قبل ۱۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. بررسی شاخص کرایه مسکن اجاری در شهر تهران و در کل مناطق شهری در آبان‌ماه امسال نشان دهنده افزایش معادل ۲۸.۷ و ۳۱.۹ درصد نسبت به ماه مشابه سال گذشته است.

افزایش قیمت مسکن در شرایطی همچنان ادامه دارد که دولت معتقد بود آگهی‌های اینترنتی قیمت ملک و اجاره را در پایتخت افزایش داده است! بر همین اساس از سال گذشته ارائه قیمت به صورت آنلاین و در وبسایت‌های خرید و فروش و اجاره مسکن ممنوع اعلام شد و اکنون در این وبسایت‌ها مشخصات و عکس‌های املاک‌فروشی و اجاره‌ای منتشر اما قیمت ارائه نمی‌شود.

این روند یک سال ادامه داشته اما برخلاف ادعای دولت هیچ تأثیری بر کاهش قیمت ملک در پایتخت نداشته است. جدا از افزایش بهای ملک، افزایش حدود ۳۲ درصدی قیمت ملک هزینه‌های خانوارهای مستاجر را افزایش داده است. این در حالیست که درآمدها در ایران رشد اندکی داشته و از اواخر زمستان پارسال و با شیوع کرونا میلیون‌ها نفر اخراج شدند و اگر صاحب کسب و کار بودند نیز به دلیل رکود ناشی از کرونا درآمدهایشان به شدت کاهش یافته است. این شرایط نشان می‌دهد میزان تورم برای خانوارهای مستاجر که غالباً از اقشار ضعیف جامعه هستند نسبت به

● قیمت یک مترمربع مسکن در شهر تهران به ۲۷ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان رسیده که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۱۸.۲ درصد و نسبت به ماه قبل ۱۸ درصد و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۱.۹ درصد و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۸.۷ درصد افزایش نشان می‌دهد.

● تورم نقطه‌ای آبان که نشان‌دهنده افزایش قیمت‌ها طی یکسال اخیر است، در کالاهای خوراکی، آشامیدنی و دخانیات، در دهک اول (فقیرترین) ۶۲.۷ درصد و دهک دوم (ثروتمندترین) ۵۱.۹ درصد بوده است.

● بار تورم و گرانی در حالی برای شانه‌های قشرهای ضعیف و تنگ‌دست سنگینی می‌کند که شیوع کرونا و بیکاری ناشی از آن نیز زندگی این خانوارها را که غالباً نه پس‌انداز و نه منابع درآمد متنوع داشته‌اند به تلاش بین مرگ و زندگی تبدیل کرده است.

گزارش بانک مرکزی از تحولات بازار مسکن در شهر تهران در آبان ۹۹ نشان می‌دهد قیمت هر مترمربع مسکن در این ماه نسبت به آبان سال گذشته ۱۱۸.۲ درصد افزایش یافته است. بر اساس گزارش بانک مرکزی قیمت

«انجمن فرهنگی ایران و دانمارک» از قدیمی ترین انجمن های فرهنگی ایرانیان در اروپا در گفتگو با دکتر فریدون وهمن



پروفسور فریدون وهمن

پروفسور فریدون وهمن در گفتگو با خبرنگار کیهان، از فعالیت‌های انجمن فرهنگی ایران و دانمارک در دانمارک و اروپا و تأثیر آن بر جنبش دانشجویی دانمارک و ایران در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی یاد کرد. او همچنین به نقش‌های کلیدی خود در تأسیس انجمن و فعالیت‌های فرهنگی آن در دانمارک اشاره کرد.

پس این دانمارکی‌ها؟
ایران دوست بودند که شماری از اعضای «انجمن فرهنگی ایران و دانمارک» را تشکیل می‌دادند؟
- هنگامی که در سال ۱۹۷۶ ما اقدام به تشکیل این انجمن کردیم رابطه‌ی گرم تجاری بین ایران و دانمارک هنوز ادامه داشت. ابتکار این کار با خانم مهرانگیز دولت‌شاهی سفیر ایران در دانمارک بود که با ما در دانشگاه تماس گرفت و بنده با ایشان در این امر همکاری کردم. البته این با کمک همسر بنیانگذار شرکت کامپساکس، خانم ساکسیلد بود که نخستین رئیس انجمن فرهنگی ایران و دانمارک شد و در یافتن دانمارکی‌های علاقه‌مند به ایران برای انجمن بسیار فعال بود.

من از روز اول عضو هیئت مدیره بودم و اکنون حدود بیست سال است که مدیر این انجمن هستم.
انجمن چگونه شکل گرفت؟
- انجمن فرهنگی ایران و دانمارک اولین مجمع عمومی خود را در اکتبر ۱۹۷۶ برگزار کرد؛ هیئت مدیره انتخاب شد و از سال ۱۹۷۷ فعالیت خود را شروع کرد.

چه تعداد ایرانی مقیم دانمارک می‌داند؟
- تعداد ایرانی‌ها آن موقع در دانمارک بسیار کم بود و از ۷۰-۸۰ نفر تجاوز نمی‌کرد. پس اعضای ایرانی کم بودند. ولی دانمارکی‌هایی که در ایران کار و زندگی کرده بودند و عاشق ایران بودند، بیشتر اعضای ما را - که خیلی زود به ۲۰۰ نفر رسیده بود- تشکیل می‌دادند و البته ایرانیانی که آن زمان در این شهر به تجارت و یا تحصیل مشغول می‌کنیم.

بفهمند و بدانند در این کتاب‌ها چه آمده. دست‌نوشته‌هایی که دانمارکی‌ها جمع‌آوری کردند آثار بسیار گرانبهایی است که اکنون در کتابخانه‌ی سلطنتی دانمارک نگهداری می‌شود. با کشف این زبان‌ها دانشمندان توانستند به آداب و رسوم، اعتقادات و آیین‌های دین زرتشتی تا حد زیادی پی ببرند. این مجموعه تماماً در سال ۱۹۴۰ عکسبرداری شد و در ۱۲ جلد بزرگ و نفیس به چاپ رسید.

در اینجا باید از شخص دیگری به نام «کارتستن نیبو» نام ببرم که تخصص اندازه‌گیری مساحت‌ها را داشت. او همراه یک هیئت دانمارکی و سوئدی و آلمانی در سال ۱۷۶۱ راهی عربستان و یمن شد تا آثار باستانی آن سرزمین‌ها را مطالعه کنند. ولی بیشتر اعضای این هیئت به دلیل سطح پایین بهداشت در راه و در مقصد تلف شدند. ولی یک دانمارکی از آن هیئت به نام «کارتستن نیبوهر» توانست خودش را از راه خلیج فارس به شیراز برساند. وی به تخت جمشید رفت و در برابر کتیبه‌ها نشست و خطوط میخی را با دقت و علاقه خاص رونویسی کرد. قبل از انقلاب اسلامی یک استاد آمریکایی به نام «کریمر» با وسایل بسیار مدرن عکاسی به ایران آمد و از تمام کتیبه‌های تخت جمشید عکسبرداری کرد. وقتی این عکس‌ها را با رونویسی‌های نیبوهر، در ۲۶۰ سال پیش - که با چشم غیرمسلح انجام داده بود- مقایسه می‌کنیم متوجه می‌شویم که تا حد زیادی با هم تطبیق دارد.

● در این ترتیب از سوی دانمارکی‌ها کنجکاو و علاقه‌ی خاصی نسبت به فرهنگ و تمدن ایران باستان وجود داشته. درست است؟
- اصولاً شرق برای غربی‌ها جاذبه‌ی خاصی دارد. همواره شرق برای آنها مکان اسرارآمیزی بوده. در چند قرن گذشته آثار ادبی افسانه‌ای و واقعی زیادی در غرب درباره شرق تولید شده. بنابراین، دانمارکی‌ها هم مانند دیگر غربیان نسبت به شرق و ایران کشش داشتند. دانمارک کشور کوچکی است و دانشمندان زیادی دارد که از بس در مورد زمینه‌های مختلف این کشور کار کرده‌اند که دیگر زیاد جای پژوهش و بررسی وجود ندارد. همین امر امکان ایجاد انستیتوهای علمی و پژوهشی بیشتری در همه‌ی زمینه‌ها و حوزه‌ها را برای آنها فراهم آورده است.

به دلیل همین توجه به شرق بود که در سال ۱۸۳۵ شخصی به نام «ن. بوینسن» گلستان سعیدی را به دانمارکی ترجمه کرد. در سال ۱۸۹۲ یک دانمارکی دیگر به نام «هرالد راسموسن» رساله دکترای خودش را درباره غرلیات حافظ می‌نویسد. ۱۰ سال بعد «آرتور کریستنسن» ایرانشناس نامدار دانمارکی، رساله دکترای خود را در مورد خیام نوشت و تحقیق مفصل و جالبی کرد در مورد اینکه چه تعداد از رباعیات بعدها به رباعیات اصلی خیام اضافه شده و چه تعداد متعلق به خود خیام است. آرتور کریستنسن بیش از ۳۰۰ مقاله و کتاب در مورد مذاهب، ادیان و فرهنگ ایران دارد. سه بار به ایران سفر کرد. یکبار در زمان احمدشاه و دو بار در زمان رضاشاه. در سفر سوم، وی رئیس کنگره فردوسی در مشهد بود که به مناسبت هزاره‌ی تولد این شاعر بزرگ ایران برگزار می‌شد. آرتور کریستنسن کتابی نوشته با عنوان «ایران در زمان ساسانیان» به زبان فرانسوی که به راستی بعد از حدود ۹۰ سال هنوز یک اثر مرجع و معتبر در مورد ساسانیان است. سه استاد در دانشگاه کپنهاک راه او را ادامه دادند، یکی «کای بار» بود، دیگری «آسموسن» و سومی خود من. وقتی بازنشسته شدم، مرکز تحقیقات دانشگاه کپنهاک در مورد زبان‌ها و گویش‌های کهن ایرانی نیز پایان یافت زیرا دیگر دانشجویی برای آن نمی‌آمد. یک علت هم البته کم شدن علاقه به فرهنگ و تاریخ و زبان‌های پیش از آمدن اسلام به ایران، وقوع انقلاب اسلامی بود. این واقعه در تاریخ ایران موجب گردید که توجه محافل آکادمیک و پژوهشی به اسلام و مذهب شیعه و ریشه‌های

انجمن فرهنگی ایران و دانمارک، ۱۹ موفق شدند به تدریج صداهای الفبای پهلوی و اوستایی را کشف کنند و آنها را بفهمند و بدانند در این کتاب‌ها چه آمده. دست‌نوشته‌هایی که دانمارکی‌ها جمع‌آوری کردند آثار بسیار گرانبهایی است که اکنون در کتابخانه‌ی سلطنتی دانمارک نگهداری می‌شود.

● «آرتور کریستنسن» ایرانشناس نامدار دانمارکی، رساله دکترای خود را در مورد خیام نوشت و تحقیق مفصل و جالبی کرد در مورد اینکه چه تعداد از رباعیات بعدها به رباعیات اصلی خیام اضافه شده و چه تعداد متعلق به خود خیام است. آرتور کریستنسن بیش از ۳۰۰ مقاله و کتاب در مورد مذاهب، ادیان و فرهنگ ایران دارد. سه بار به ایران سفر کرده. یکبار در زمان احمدشاه و دو بار در زمان رضاشاه.

● اوج فعالیت دانمارکی‌ها در ایران تقریباً از دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی شروع شد از وقتی که ایران مسائل ۲۸ مرداد را پشت سر گذاشته بود و در مسیر رونق اقتصادی پیش می‌رفت.
همین باعث شد که بیش از ۲۰۰ شرکت دانمارکی شروع به فعالیت در ایران کنند. از شیرینی دانمارکی بگیرد تا ساختن بندار و راه‌ها و کشتارگاه‌ها، سردخانه، کارخانه سیمان و پخش گاز در ایران و... تمام اینها مرهون دانمارکی‌ها و همکاری ایرانی آنهاست. این شرکت‌ها تعداد زیادی کارمند دانمارکی داشتند که سال‌ها در ایران کار می‌کردند و بعد که به دانمارک برمی‌گشتند هنوز علاقه‌ی آنها به ایران پابرجا می‌ماند. من حدود ۶۰ سال است که در دانمارک زندگی می‌کنم و هنوز ندیده‌ام دانمارکی‌ای که در ایران بوده باشد و عاشق ایران و ایرانی‌ها نباشد. دانمارکی‌ها به ایران، مردم و فرهنگ آن به راستی عشق می‌ورزند. این فعالیت‌های اقتصادی اما بعد از انقلاب اسلامی در ایران تمام شد.

● پس این دانمارکی‌های ایران دوست بودند که شماری از اعضای «انجمن فرهنگی ایران و دانمارک» را تشکیل می‌دادند؟
- هنگامی که در سال ۱۹۷۶ ما اقدام به تشکیل این انجمن کردیم رابطه‌ی گرم تجاری بین ایران و دانمارک هنوز ادامه داشت. ابتکار این کار با خانم مهرانگیز دولت‌شاهی سفیر ایران در دانمارک بود که با ما در دانشگاه تماس گرفت و بنده با ایشان در این امر همکاری کردم. البته این با کمک همسر بنیانگذار شرکت کامپساکس، خانم ساکسیلد بود که نخستین رئیس انجمن فرهنگی ایران و دانمارک شد و در یافتن دانمارکی‌های علاقه‌مند به ایران برای انجمن بسیار فعال بود.

من از روز اول عضو هیئت مدیره بودم و اکنون حدود بیست سال است که مدیر این انجمن هستم.
انجمن چگونه شکل گرفت؟
- انجمن فرهنگی ایران و دانمارک اولین مجمع عمومی خود را در اکتبر ۱۹۷۶ برگزار کرد؛ هیئت مدیره انتخاب شد و از سال ۱۹۷۷ فعالیت خود را شروع کرد.

چه تعداد ایرانی مقیم دانمارک می‌داند؟
- تعداد ایرانی‌ها آن موقع در دانمارک بسیار کم بود و از ۷۰-۸۰ نفر تجاوز نمی‌کرد. پس اعضای ایرانی کم بودند. ولی دانمارکی‌هایی که در ایران کار و زندگی کرده بودند و عاشق ایران بودند، بیشتر اعضای ما را - که خیلی زود به ۲۰۰ نفر رسیده بود- تشکیل می‌دادند و البته ایرانیانی که آن زمان در این شهر به تجارت و یا تحصیل مشغول می‌کنیم.

ستاره ایران غیور بود. در موقع نهضت جمهوریخواهی که از طرف رئیس‌الوزراء وقت سردار سپه تأیید می‌شد تابع عاطفه کینه‌جوئی و عاطفه شخصی نشد که برخلاف سردار سپه جانب مخالف را بگیرد بلکه از طرفداران پر و پا قرص تغییر رژیم و با سردار سپه همراه بود و در میزان (مهر) ۱۳۰۳ که هنوز موضوع جمهوریخواهی فرو نکشیده بود به سکنه مرد و روزنامه‌آور را به اعصاب‌زاده واگذار کردند.

در «تاریخ جرایم و مجلات ایران» تألیف محمد صدر هاشمی آمده است: «در میزان ۱۳۰۱ شمسی، جرایم مرکز یک دفعه به مجلس و به دولت هجوم‌های زیادی نمودند و من جمله روزنامه ستاره ایران به آقای سردار سپه که وزیر جنگ بود نصیحت نمود. این پیش‌آمد باعث رنجش سردار سپه گردید و مدیر ستاره ایران را احضار کرد و از او سؤال نمود که مقصودت چیست؟ مرحوم صبا می‌گوید می‌خواهم شما نادر بشوید. در مقابل این جواب که مربوط به اصل مسأله نبوده مرحوم صبا سیلی می‌خورد و به محکمه‌نظامی گسیل می‌شود. آقای ملک‌الشعراى بهار در شماره اول سال سیزدهم دوره پنجم نوپهار مورخ ۳ میزان ۱۳۰۱ شرح مذکور را نوشته در ذیل آن این‌طور اظهار نظر می‌نماید «ما همان اندازه که از این قبیل تعرضات نازیبا که بدیخته بواسطه نبودن قانون منصفین در مرکز مملکت روی می‌دهد متأسف هستیم همانقدر هم تأسف داریم که چرا سیاسیون و احرار این حرف‌ها را می‌زنند و نمی‌دانند در قرن بیستم نادرها و بنایارها معنی ندارد زیرا نادرها در محیط امروزی قابل دوام نخواهند بود و روزنامجاتی هم که می‌خواهند نادر درست کنند مستحق همین معاملاتند... میرزا حسین خان معروف به صبا و ملقب به کمال‌السلطان به مدت ده سال تا دو ماه قبل از مرگش روزنامه ستاره ایران را منتشر نمود. عاقبت در روز شنبه سوم میزان ۱۳۰۳ شمسی در تهران به مرض سکنه جهان فانی را وداع نمود و از مرگ خود داغ تازه بر دل آزادخواهان گذاشت. جنازه آن مرحوم را روز یکشنبه با احترام تمام به خاک سپردند و روز دوشنبه تمام مطبوعات و جرایم پایتخت تعطیل نموده در مجلس ختمی که در مسجد سپهسالار منعقد شده بود از واردین پذیرایی می‌نمودند. غزل زیر اثر طبع شیوای مرحوم صباست که در شماره ۸ سال سیزدهم دوره پنجم روزنامه نوپهار درج گردیده است:

**کنون که گل‌طرب‌افزای باغ منظر ماست
سبوی غنچه به یاد لب تو ساغر ماست
ز داغ فرقت باقوت گوشه لب تو
مدام خون جگر قوت دیده تر ماست
چنین به عجب و تکبر قدم به خاک منه
که خاک، توده‌ای از بندند پیکر ماست
چنین که در قفس افتاده‌ایم بی‌پر و بال
فضای عالم بالا به زیر شهر ماست
گر آفتاب، جهان را به پرتوی گیرد
خود آفتاب جهان پرتوی اختر ماست
غبار خاطر گل پاک کن «صبا» به نشاط
که گل‌نمونه‌ای ز رنگ و بوی دلبر ماست
با مرگ حسین صبا، روزنامه ستاره ایران از بین نرفت و شورای عالی فرهنگ در تاریخ ۱۵ قوس ۱۳۰۳ شمسی امتیاز آن را به نام آقای اعصاب‌زاده تصویب نمود و روزنامه در تحت مدیریت ایشان منتشر گردید. محل اداره روزنامه، طهران، خیابان لاله‌زار، بهای روزنامه، یکساله داخله ۱۰۰ قران و خارجه ۱۲۰ قران. قیمت‌اعلانات: صفحه اول سطری ۴ قران، صفحه ۲ و ۳ سطری دو قران، صفحه ۴ سطری یک قران. تک‌شماره ۷ شاهی.»**

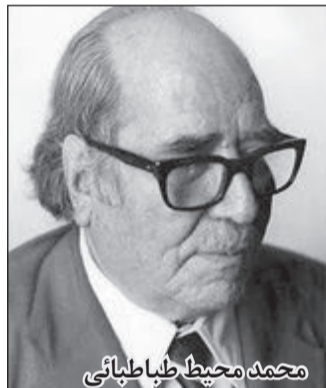
دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۱۹۸)

(کیهان لندن شماره ۱۳۷۹) احمد احرار

از رخدادهای مطبوعاتی در این ایام در گذشت حسین صبا مدیر «ستاره ایران» بود که به احترام وی تمام روزنامه‌ها یک روز تعطیل کردند. سلیمان بهبودی که از سوی سردار سپه به‌عیدت صبا رفته بود در یادداشت‌های روزانه خود می‌نویسد «فرمودند از میرزا حسین خان صبا، مدیر ستاره ایران احوالپرسی کنم. خامش اظهار داشت قادر به تکلم نیست. به‌عرض که رساندم فرمودند شخصاً به منزل ایشان بروم و چنانچه احتیاج به پول دارد مبلغی بدهم. وقتی که رسیدم میرزا حسین خان صبا در حال نزع بود. طیب آمده و نسخه داده بود. اما چون پول نداشتند نتوانسته بودند ویزیت طیب را بدهند و نسخه را خریداری کنند. با طیب که مذاکره کردم گفت دیگر تمام شد و فایده ندارد. مع‌ذلک دو هزار تومان دادم که عجلاناً کارشان راه بیفتد و مراجعت کردم. وقتی گزارش دادم حضرت اشرف بی‌اندازه متأثر شدند، مخصوصاً وقتی که عرض کردم ممکن است بعد از این که از منزل او خارج شدم تمام کرده باشد. به‌محض این که از حضور حضرت اشرف مرخص شدم و به دفترم وارد شدم تلفن زنگ زد، گوشی را برداشتم. رئیس‌نظمیه گزارش داد مدیر ستاره ایران فوت کرد. بلافاصله به‌عرض رساندم، با نهایت تأسف فرمودند به رئیس‌نظمیه بگویم نهایت تجلیل در تشییع جنازه‌اش بشود و همهٔ محتاج راهم بپردازند. تشییع مفصلی شد، بازار پامنار را تعطیل کردند و چون طرفدار دولت بود ختم مفصلی گذاردند. کمتر ختمی با این عظمت در این چندساله برگزار شده بود.»

بهبودی اضافه می‌کند: «میرزا حسین خان صبا از یک خانوادهٔ بازرگان بود که پدرانش تجارت داشتند. خودش در روزنامه‌نویسی بی‌همتا و شجاع و صاحب عقیده بود. رفیق محکمی بود. اقلیت مجلس خیلی جدیت کردند که صبا را خریداری کنند ولی موفق نشدند. مدتی با اغلب روزنامه‌های طرفدار اقلیت مثل قانون در جدال بود و بیشتر روزنامه‌ها از او ملاحظه داشتند. زیاد متظاهر به دوستی حضرت اشرف بود و کارش را انجام می‌داد. راهی را که پیش می‌گرفت می‌رفت و احتیاج به راهنمایی نداشت. صحیح‌العمل و آبرومند بود. منزلش در پامنار، کوچه صدراعظم بود و فامیل پدری او هم در همان کوچه منزل داشتند.»

حسین صبا همان روزنامه‌نگاری بود که از سردار سپه (وزیر جنگ) کتک خورد و دندانش شکست. محیط طباطبائی دربارهٔ او می‌نویسد «کمال‌السلطان میرزا حسین‌خان از خاندان صبا که بعد از استبداد صغیر در تاریخ مطبوعات ایران سابقه‌مندی پیدا کرد ابتدا در روزنامهٔ آفتاب و کوب ایران سابقهٔ همکاری نزدیک با مدیران دو روزنامه دانش و در ۱۳۳۵ (هـ ق) ستاره ایران را انتشار داد. او شاعر غزلسرای بود که به‌تغنی غزل می‌سرود و در روزنامهٔ خود به‌چاپ می‌رسانید. در جزر و مد‌های سیاسی روزگار در جریان‌های ناموافق می‌سوخت و می‌ساخت. در بیان عقیدهٔ سیاسی با اظهار نظر، دلیر و بی‌باک بود. با وجودی که نهضت خیابانی در تبریز به‌تدریج جنبهٔ تجزیه‌خواهی یافت و مشیرالدوله (رئیس‌الوزرا) مخبرالسلطنه را برای خاتمه دادن بدان به تبریز اعزام کرد و به کشته شدن او در پناهگاه او منجر گشت، صبا در روزنامهٔ خود از او نیک یاد کرد و مقالهٔ او را در روزنامه تجدید زیر عنوان «احمدشاه به کجا می‌رود؟» دوباره انتشار داد و با انتشار مقاله می‌خواست تقصیر پیش‌آمد را به گردن طهران بگذارد. بعد از کودتای ۹۹ دو بار با دو فاصله کوتاه با وضع نامناسب روبرو شد. ناهنجاری وضع پیش‌آمد (کتک خوردن صبا از سردار سپه) چندان نامطلوب افتاد که امر منتهی به کناره‌جویی مشیرالدوله در ۱۳۰۱ از نخست‌وزیری شد. سیلی روزگار و دشواری پیش‌آمدها نتوانست صبا را از روزنامه‌نگاری بازدارد و دعوت برای شغل دولتی آبرومند او را از روزنامه جدا نکرد بلکه بر بلایا صبور و در نگارش



محمد محیط طباطبائی

برنج سیاه، غذای جادویی



دانشمندان معتقدند برنج سیاه ماده مغذی بسیار بیشتری نسبت به غذاهایی دارند که ادعا می‌شود فواید زیادی برای بدن دارند.

فقط یک قاشق برنج سیاه که معمولاً در آسیا کشت می‌شود نسبت به بسیاری از غذاهایی که از آن‌ها به عنوان Superfood یاد می‌شود مواد مغذی بیشتر و مفیدتری دارد.

برنج سیاه معروف به برنج ممنوعه نیز هست چرا که در مصر باستان، اشراف خوردن این برنج را برای مردم عادی ممنوع اعلام کرده و خود تمام محصولات را مصادره می‌کردند.

دکتر ژیمین ژو از دانشگاه لوئیزیانا استیت در این باره می‌گوید: یک قاشق برنج سیاه دارای آنتی‌اکسیدان‌های

بیشتری نسبت به یک قاشق زغال اخته یا شاه‌توت است و از سوی دیگر شکر کمتری دارد. هم‌چنین این مقدار برنج دارای فیبر و آنتی‌اکسیدان‌های ویتامین E بیشتری است. اگر شما از میوه‌هایی مانند شاه‌توت برای بهبود سلامت خود استفاده می‌کنید، چرا برنج سیاه را وارد رژیم غذایی خود نکنید.

مانند بسیاری از میوه‌ها، برنج سیاه دارای آنتی‌اکسیدان‌ها و موادی است که می‌تواند با بیماری‌های قلبی، سرطان و دیگر بیماری‌ها مبارزه کند. این محصول می‌تواند در بسیاری از غذاها مانند سوپ‌ها، کیک‌ها، شیرینی‌ها و دیگر مواد غذایی استفاده شده و به سلامت انسان‌ها کمک شایانی کند.

دکتر ابراهیم محجوبی

به‌قرار زیر است: نخست اینکه، بدون ملاتین، پوست می‌تواند به‌سرعت دچار سوختگی شده و به پیری گراید و در نهایت سبب سرطان پوست گردد. دیگر اینکه، ملاتین مانع آن می‌شود که ماده ویتامینی «اسیدفولیک» موجود در خون، در اثر اشعه ماوراء بنفش آفتاب تجزیه شود. اسیدفولیک در بدن وظایف مهمی دارد که از جمله می‌توان به تکامل سالم جنین و نیز دخالت در تولید یاخته‌های جنسی نر (اسپرماتوزوئید) اشاره کرد. یعنی بدون اسیدفولیک، تولید مثل و ایجاد «پس‌افکند» سالم، دچار اختلال می‌گردد!

نقش دیگر ملاتین، تأثیر نهادن بر تولید «ویتامین D» در پوست است که برای استخوانها غیر قابل چشم‌پوشی است. هرچه میزان ملاتین پوست بیشتر باشد، به همان اندازه تولید «ویتامین D» پایین می‌آید. این، برای سلامتی انسانهای سفیدپوست در مناطق شمالی اهمیت بسیار دارد. زیرا، با انتخاب طبیعی رنگ روشن پوست در شرایط کمبود تابش آفتاب، بدن امکان می‌یابد تا «ویتامین D» بیشتر تولید کند. البته در میان ساکنان مناطق شمالی به‌درازدگان پوست تیره هم برخورد می‌کنیم که اسکیموها نمونه آن هستند. در این مورد، تغذیه سرشار از ویتامین و کلسیم که اساساً از جانوران دریایی برمی‌خیزد، عامل تیرگی پوست است. چرا که دیگر نیازی به گرفتن «ویتامین D» از طریق آفتاب باقی نمی‌ماند تا ضرورت روشنی پوست را ایجاد کند. می‌بینید که قواعد بازی تکامل، چنان دقیق و استثنائه تنظیم گشته که توانسته است انسان را برای سازگار شدن با تغییرات طبیعی، به بهترین شکل مجهز کند. در نتیجه، «گونه» انسان، قادر شده خود را تا امروز حفظ کند و به جایی برسد که من و شما بتوانیم درباره تاریخ و داستان تکامل خود و شگفتی‌هایش بنویسیم و بخوانیم!

رنگ پوست و رمز و رازهای آن



انسان، هم فرآورده طبیعت است و هم جزئی از آن. بنابراین، تنوع موجود در طبیعت، ناگزیر در انسان نیز بازتاب می‌یابد و مهرش را بر ظاهر و باطن او می‌کوبد. رنگهای گوناگون پوست انسانها نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. البته هستند کسانی که هنوز هم اسیر افکار نژادپرستانه‌اند و در نتیجه معتقدند که رنگین‌پوستان، انسانهای ناکامل و درجه دو و سفیدپوستان، مردمانی متمدن و کامل هستند. خوشبختانه، چنین تفکری مدام بیشتر رنگ می‌بازد و می‌رود که به موزه تاریخ سپرده شود. یکی از علل این پیشرفت، دستاوردهای علمی است که چگونگی پیدایش رنگ پوست را توضیح می‌دهد و برای تفاوت‌های موجود پاسخ‌های مناسب ارائه می‌کند.

ماده اسرار آمیز

عامل تعیین کننده در رنگ پوست، مو و چشمان، ماده‌ای به‌نام «ملاتین» است. دو نوع از این ماده در بدن وجود دارد: «وی ملاتین» (Eumelanin) که رنگ قهوه‌ای تیره دارد و «فتوملانین» (Pheomelanin) که زرد متمایل به سرخ است. نسبت درآمیزی این دو نوع ملاتین در هر بدن، تعیین کننده رنگ پوست آن است. بدین ترتیب، رنگ تیره پوست از «وی ملاتین» می‌آید و رنگ روشن آن با «فتوملانین» ارتباط دارد. مثلاً در انسانهای مو سرخ با کک و مک فراوان، میزان «فتوملانین» دست بالا را دارد و به همین سبب، ظاهر ویژه خود را دارند. و یا در انسانهای مبتلا به عارضه «زالی» یا «آلبینیسم»، به‌علت یک اختلال ارثی، اساساً ملاتین تولید نمی‌شود و در نتیجه به پیدایش پوست موی سفید و چشمان سرخ منجر

وجوه متنوع سازگاری

این سازگاری، خدمات معینی را به انسانها عرضه می‌کند که مهمترین آنها

قطع نظر از آن که انسانها صاحب کدام رنگ پوست هستند، عنصر تعیین کننده در پیدایش آن، رنگدانه‌های پوست است. پیدایش این رنگدانه‌ها، ریشه در تکامل انسان دارد: می‌دانید که نخستین انسانها، حدود هفت میلیون سال پیش در آفریقا پدید آمدند. این انسانهای اولیه، چون خویشاوندان بلافاصل شیمپانزه‌ها بودند، بدنشان از مو پوشیده شده بود. در جریان تلاش بدنی روزمره در طبیعت گرم و سوزان آفریقا، آن پوشش مو عامل مزاحمی بود و مانع تعریق و تهویه موجبات تازه‌وارد و تازه‌کار می‌گردید. این است که برای مقابله با این اشکال، نخست می‌بایست موهای خویش را از دست می‌دادند. با این تحول، اگرچه مشکل تعریق حل شد، اما پوست در برابر اشعه آفتاب بی‌حفاظ ماند. پس می‌بایست تحول بیولوژیک دیگری هم صورت گیرد تا سازگاری انسانها را با محیط تأمین کند. این کار با تشکیل و تولید رنگدانه‌های ویژه در پوست صورت گرفت.

دگرگونی بزرگ بعدی موقعی رخ داد که «انسان راست قامت» (Homo erectus) حدود ۸/۱ میلیون سال پیش آفریقا را ترک کرد و به سوی

۶			۵			۴
۷	۲	۹				۸
		۷		۱		
۴		۶		۷		
۵		۲	۱	۹	۳	
		۹	۵		۴	۲
	۹	۷				۱
	۴		۶		۸	۳
	۶			۳		۹

جدول اعداد (سودوکو)

			۳			
			۲	۱		
		۵				
۱	۳		۶	۴		
	۲	۴				

عمودی:

۱	از نخست وزیران
۲	پیشین پاکستان
۳	درستی و راستی - بازرسی
۴	پرنده - حرف خطاب
۵	پار و معشوقه
۶	بینوا - از شهرهای ایران
۷	از ویلونست‌های معروف و فقید انگلیس در قرن گذشته
۸	از نویشدنیهای

عمودی:

۱	از آهنگسازان معروف و برجسته فقیه ایران
۲	نور - قومی است - ریختن پول به حساب - حرف تعجب
۳	نوار تزئینی - رخصت - فرق سر
۴	یک دوم - فوری - از شهرهای تاریخی و قدیمی اروپا - نام پیشین کامبوج
۵	ظلم و سنگدلی - گنج - «تکلم» به هم ریخته
۶	کشوری است - عروس را به خانه شوهر فرستادن - شعله آتش
۷	عددی است - ایستایی - عذر
۸	علمی است - طریق
۹	سستی و بی‌توجهی - ساغر
۱۰	از وسایل موسیقی - پدر بزرگ میوه‌ای است
۱۱	از خوانندگان فراموش ناشدنی و قدیمی کشور ما
۱۲	دردها - از بیمودنی‌ها - قسمتی از صورت
۱۳	شهری تاریخی در عراق - قسمتی از دست و پا - نشان و علامت
۱۴	آزردگی - روش - بدون
۱۵	پرنده‌ای است - از بیلاقات دامنه البرز - اجاره

حل جدول شماره قبل

۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۳	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۴	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۶	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱

افقی:

۱	از نویسندگان و روزنامه‌نگاران برجسته و معروف معاصر ایران
۲	باغ - خارچ
۳	از خوانندگان قدیمی و فقید آمریکا
۴	سکته - رده - از ورزشها
۵	آینده - عددی است - پوشاک
۶	امتحان - از ادوات استفهام
۷	تکرار یک حرف - لوس
۸	از وسایل موسیقی - مبهوت
۹	خمیه - خصایص
۱۰	سهولت - اسم
۱۱	نورانی - زشت و ناپسند

جدول اعداد (سودوکو)

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

عمودی:

- از آهنگسازان معروف و برجسته فقیه ایران
- نور - قومی است - ریختن پول به حساب - حرف تعجب
- نوار تزئینی - رخصت - فرق سر
- یک دوم - فوری - از شهرهای تاریخی و قدیمی اروپا - نام پیشین کامبوج
- ظلم و سنگدلی - گنج - «تکلم» به هم ریخته
- کشوری است - عروس را به خانه شوهر فرستادن - شعله آتش
- عددی است - ایستایی - عذر
- علمی است - طریق
- سستی و بی‌توجهی - ساغر
- از وسایل موسیقی - پدر بزرگ میوه‌ای است
- از خوانندگان فراموش ناشدنی و قدیمی کشور ما
- دردها - از بیمودنی‌ها - قسمتی از صورت
- شهری تاریخی در عراق - قسمتی از دست و پا - نشان و علامت
- آزردگی - روش - بدون
- پرنده‌ای است - از بیلاقات دامنه البرز - اجاره

افقی:

- از نویسندگان و روزنامه‌نگاران برجسته و معروف معاصر ایران
- باغ - خارچ
- از خوانندگان قدیمی و فقید آمریکا
- سکته - رده - از ورزشها
- آینده - عددی است - پوشاک
- امتحان - از ادوات استفهام
- تکرار یک حرف - لوس
- از وسایل موسیقی - مبهوت
- خمیه - خصایص
- سهولت - اسم
- نورانی - زشت و ناپسند

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۳	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۴	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۶	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۷	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۱	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۲	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۳	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۴	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴

برنامه رادیویی که جنجال برانگیخت: دو ساعت دیگر کره زمین منهدم می شود فقط دو ساعت فرصت دارید تا از زندگی بهره ببرید!



پرونده من در ساواک نیم متر قطر دارد، چه فرقی می کند که یک برگ به آن اضافه شود یا یک برگ از آن کم کنند؟
این را گفتم و به طرف در خروجی اداره به راه افتادم. جلو در، حبیب الله بلور که مسئول حفاظت محوطه بود جلویم را گرفت که اولاً چون عصبانی هستی صلاح نیست پشت ماشین بنشین؛ ثانیاً معینان تلفن کرده و گفته است نگذارم بیرون بروی چون امشب، شب پنجشنبه است و باید در جلسه شما و رادیو شرکت کنی. گفتم: قصد ندارم به کارم ادامه بدهم.
بلور خندید و گفت: کار کردن با هر دستگاهی یک اشکالی دارد. بهتر است خونسرد باشی. در این بین یک بار دیگر تلفن زنگ زد. بلور گوشی را به دست من داد. معینان بود که می گفت: برگردید تا با هم صحبت کنیم. به اطاق تقی روحانی که برگشتم، معینان آرام شده بود. گفتم: مسئول برنامه همه روز همین ساعت، قاضی است و اوست که باید پاسخگوی شما باشد. من به عنوان یک نویسنده حق دارم و آزادم که هر چه به نظرم می رسد بنویسم. این مسئول برنامه است که باید مطالبی را که پخش آن صلاح نیست، حذف کند.
گویا عین این حرف را مجریان برنامه یعنی مانی و اربابی هم زده بودند و حالا معینان بود که می بایست در برابر رگبار سؤالات و تلفن های واقعی یا غیر واقعی ایستادگی کند و همین کار را هم کرد. به دولت و به ساواک گزارش داد که این برنامه با مسؤلیت و صلاحیت شخص من پخش شده و اگر کسی در این میان باید سیاست شود، من هستم.
اربابی و مانی سالهای طولانی برنامه خود را در ساعت پنج و سه دقیقه اجرا کردند. یک بار دیگر مستوفی از آمریکا بازگشت و چند ماهی در دوران معاونت منوچهر از من، برنامه اش را نوشت و اجرا کرد ولی مجدداً به آمریکا سفر کرد و دیگر خبری از او نشد.
اربابی و مانی، این زوج جدانشدنی سرانجام یک روز برنامه دلخواهشان را رها کردند. پیش از آن، بنا بر صلاح دید مسؤلان، مستجاب الدعوه و اربابی از گویندگی برنامه شما و رادیو کنار رفتند و هر دو بازنشته شدند. به جای

به دقت بخواند و آن را خوانده نخوانده امضا کرده است. معینان سرپرست کل انتشارات و رادیو در اطاق رئیس رادیو، تقی روحانی نشسته بود و با عصبانیت انتظار مرا می کشید. من که برای خرید دارو به داروخانه رفته بودم بی خبر از همه جا وارد اداره رادیو شدم. یک مرتبه تمام کارکنان از دربان گرفته تا مستخدم و رئیس اداره حفاظت دورهام کردند که کجا بودی؟ آقای معینان شما را خواسته اند.

خبر پایان جهان
جالبترین خاطره ای که از این برنامه دارم آن است که بنا بر دلایلی تصویب مطالب ما به عهده نعمت الله قاضی گذاشته شد. قاضی تمام اوراق برنامه را امضا کرد و به اداره فرستاد تا ماشین و تکثیر شود. یکی از مطالب این برنامه که در آغاز پخش می شد خبر طنزآمیزی بود مبنی بر این که: مقامات مطلع جهانی اطلاع داده اند

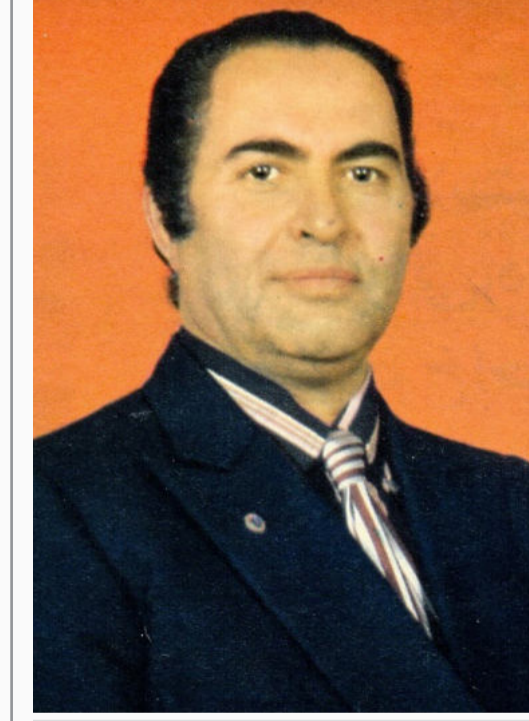
گرفت. طوری شده بود که مردم برای حضور در جلسات ضبط برنامه، سر و دست می شکستند و از مدت ها پیش نوبت می گرفتند. مانی و اربابی هر روز قبل از اجرای برنامه، مورد پرسش دوستان و علاقمندان واقع می شدند و این مسأله عرصه را بر آنها و بر تهیه کننده برنامه تنگ کرده بود. در سال ۱۳۴۰ هنگامی که پس از هشت سال، من مجدداً اجازه بازگشت به رادیو را به دست آوردم،

خواستاران و مشتاقان بی شماری داشته باشد. روزهای اول، مجریان برنامه کوکب پرنیان و ناصر خدیار بودند و بعد، این دو نفر جای خودشان را به گویندگان دیگر دادند. باوجود این هوشنگ مستوفی هرگز راضی نبود، تا سرانجام حضور یک مرد جوان که صدای پرنین و چهره صمیمی و جدی داشت مسؤلان رادیو را به این فکر انداخت که از وجود او در برنامه مستوفی استفاده کنند. این

شادروان پرویز خطیبی در خاطرات خود که به همت دخترش فیروزه خطیبی در کتابی تدوین و منتشر شده است از یک برنامه موفق رادیویی و گردانندگان آن چنین یاد می کند: اواخر سال ۱۳۳۴ و اوایل سال ۱۳۳۵ دورانی بود که من به کارهای تبلیغاتی روی آورده بودم و آگهی های بسیاری از مطبوعات و من جمله رادیو نیروی هوایی را تهیه و تنظیم می کردم.

در این دوران دو چهره معروف روز را به عنوان گوینده برنامه های تبلیغاتی به کار گرفته بودم. اولی ژاله کاظمی بود که در سن شانزده هفده سالگی به دنبال کار دلخواهش می گشت و استعداد هنرپیشگی داشت و چون اکثر آگهی های ما به صورت نمایشنامه های کوتاه پخش می شد توانست از این فرصت استفاده کند و بزودی به گروهی از گویندگان فیلم های خارجی (دوبلورها) ملحق شود. شاید شما ده ها بار صدای او را از دهان هنرپیشگان معروف هالیوود شنیده باشید. هنرپیشگانی که در رأس آنها الیزابت تیلور قرار داشت. دومین نفر که گویندگی را از پخش آگهی های تجارتي آغاز کرد، فروزنده اربابی بود. آن زمان من با مؤسسه «نیک و نوین» که تازه امتیاز آگهی های رادیویی را گرفته بود همکاری داشتم و به دنبال خانمی می گشتم که در کنار عبدالله محمدی آگهی های نمایشی را اجرا کند.

یک روز مدیر مؤسسه نیک و نوین به اتفاق یک خانم جوان وارد شد و گفت: ایشان آماده اند تا در برنامه های ما شرکت کنند. در اولین آزمایش، این دخترخانم که کسی جز فروزنده اربابی نبود، ثابت کرد که علاوه بر صدای دلنشین و پرچنده استعداد فراوانی هم دارد. متأسفانه همکاری ما با نیک و نوین به دلایلی ادامه پیدا نکرد اما چند ماه بعد شنیدم که اربابی به رادیو رفته است. رادیو که با آمدن نصرت الله معینان به جنب و جوش افتاده بود نه تنها چهره های معروف تئاتر را به خود جذب کرده بود بلکه به تمام افراد مستعد میدان داده بود تا خودشان را نشان بدهند. اربابی و مستجاب الدعوه رفته رفته در برنامه شما و رادیو گل می کردند.



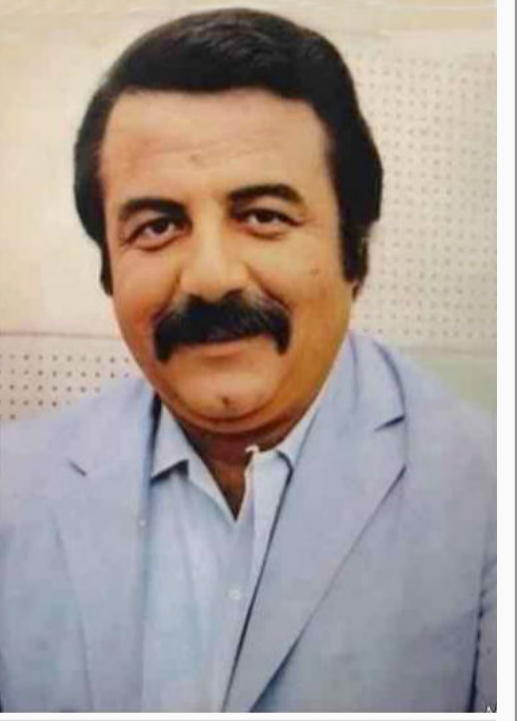
کمال الدین مستجاب الدعوه



ژاله کاظمی



فروزنده اربابی



منوچهر نوذری

آنها، مدتی نوذری و تاجی احمدی و آذر پژوهش انجام وظیفه کردند اما نام فروزنده اربابی و مستجاب الدعوه و مانی هرگز از خاطره ها محو نشد. در یکی از هفته های عید نوروز، دانشجوی جوانی که به رادیو آمده بود و با لهجه غلیظ کرمانی تقاضای شرکت در برنامه شما و رادیو را داشت، با حضور یکصد نفر تماشاچی، صدای اربابی را آنچنان تقلید کرد که همه، حتی خود فروزنده مات و متحیر ماندند. این دانشجوی جوان، اسمش عبدالکریم اصفهانی بود.
اصفهانی هر وقت به جلد اربابی فرو می رفت خود اربابی از شدت خنده، اشکهایش سرازیر می شد و به زیر میز می رفت. پس از اربابی و مستجاب الدعوه و مانی، گویندگان زیادی به پشت میکروفن رادیو آمدند ولی هیچکس نتوانست جای آنها را بگیرد.
«خاطراتی از هنرمندان - پرویز خطیبی»

به اطاق روحانی رفتم و چون از هیچ جا خبری نداشتم پرسیدم: چه خبر شده است؟ معینان گفت: مملکت را به هم ریخته ای و خودت خبر نداری؟ این مطلبی که در برنامه مانی و اربابی پخش شده ممکن است برای همگی ما دردسر درست کند. بهتر است بگویی که منظورت از نوشتن آن چه بوده است؟
گفتم: هیچ منظوری نداشتم جز این که موضوع به نظر من جالب آمد. هیچ فکر کرده ام که اگر چنین خبری منتشر شود مردم در آن لحظات آخر چه خواهند کرد؟
معینان با عصبانیت مشتت را روی میز کوبید که: حالا که اینطور است من این پرونده را به ساواک می فرستم تا آنها خودشان تحقیق و بررسی کنند.
در برابر این حرکت معینان، من هم در نهایت عصبانیت مشتی به روی میز کوبیدم و گفتم:

که یکی از سیارات در حال نزدیک شدن به کره زمین است و زمین ما به احتمال زیاد تا دو ساعت دیگر با برخورد به این سیاره، زیر و رو خواهد شد. در چنین شرایطی، شنونده عزیز، شما به چه فکر می کنید و این دو ساعت را که آخرین مهلت زندگی شماست چگونه خواهید گذراند؟
به محض پخش شدن این خبر، تلفن های اداره رادیو از طرف چند شنونده اشغال شد و هر کس به طریقی از شنیدن این خبر ابراز وحشت کرد. حتی خانمی پشت تلفن گفت که بعد از شنیدن برنامه، بچه اش را سقط کرده است. اوضاع عجیبی بود. تمام دوایر و ادارات به جنب و جوش افتادند. از نخست وزیری و سازمان امنیت تلفن شد که منظور از پخش این خبر چه بوده است؟ نعمت الله قاضی مسؤل و تصویب کننده برنامه پیش من آمد و گفت که به علت کمی وقت نتوانسته است مطالب مرا

هوشنگ مستوفی به آمریکا مهاجرت کرد. عباس فروتن معاون سیاسی وزارت اطلاعات به من پیشنهاد کرد که هفته ای سه بار برنامه مستوفی را بنویسم و من با آنکه وظایف سنگینی به عهده داشتم قبول کردم. سه روز دیگر هفته را «دکتر محمود عنایت» به عهده گرفته بود. من هرروز عصر پس از انجام کارهای مربوط، به کتابخانه می رفتم و در آنجا تا پاسی از شب گذشته، سرگرم نوشتن برنامه همه روز، همین ساعت بودم. گاه اتفاق می افتاد که من آخرین فردی بودم که از اداره بیرون می رفتم. در این شرایط بایستی مطلب را به خانه تصویب کنندگان می بردم تا پس از بررسی، موتورسوار اداره صبح زود آن را به ماشین نویسی ها برساند و در ساعت ده صبح برنامه همه روز همین ساعت همین جا در حضور هفتاد هشتاد نفر تماشاچی اجرا شود.

مرد که محمد خواجهی ها نام داشت و از هنرپیشگان تئاتر رشت بود با نام مستعار «مانی» در رادیو شروع به کار کرد و کمی بعد اجرای برنامه همه روز همین ساعت همین جا به او و فروزنده اربابی سپرده شد.
«مانی» که هم گوینده و هم هنرپیشه بود در مدت کوتاهی به شهرت رسید و در کنارش فروزنده اربابی با آن صدای لطیف و نشانه دار و آن خنده ها و حاضر جوابی ها توانست بین شنوندگان اعتبار زیادی کسب کند. شنوندگان رادیو آنقدر به این زوج رادیویی علاقه داشتند که نامشان را بر سر زبانها انداخته بودند و گاه و بیگاه شایعاتی هم منتشر می شد مبنی بر این که اربابی و مانی که هر دو همسر دارند عاشق و معشوق اند و به زودی پس از جدایی از همسرانشان، با یکدیگر ازدواج خواهند کرد. تصادفاً وقتی اربابی از همسرش جدا شد بازار داغ شایعه سازان بیش از پیش رونق

گرفته وجود هنرمندان معروفی چون مجید محسنی، مشکین، تابش، نوذری، مورین، تاجی احمدی و مهین دیهیم به برنامه های صبح جمعه رونق و جلای دیگری داده بود با این حال، اجرای زیرکانه و لحن گرم و صمیمانه اربابی و مستجاب الدعوه سبب شده بود تا شما و رادیو برنامه دلخواه اکثریت شنوندگان رادیو باشد. همزمان با اجرای برنامه های صبح جمعه، برنامه دیگری به وجود آمد که نام آن «همه روز، همین ساعت، همین جا» بود. این برنامه را هوشنگ مستوفی می نوشت که سالها قبل در رادیو تهران قطعات ادبی خارجی را ترجمه و شخصاً اجرا می کرد. نحوه نگارش برنامه و لحن شیرین مستوفی که اواسط برنامه مطالب و نکات جالب اجتماعی را بیان می کرد باعث شد که پس از «شما و رادیو»، برنامه «همه روز، همین ساعت، همین جا» در درجه دوم اهمیت قرار بگیرد و

فاکس نیوز:

برنامه سلاح‌های اتمی جمهوری اسلامی ایران اکنون در چه وضعیتی قرار دارد؟

تخریب تونل ندارد.
برای دریافتن اینکه جمهوری اسلامی چنین راهی را ادامه خواهد داد یا در عوض با آمدن بایدن به دنبال مذاکره با کاخ سفید خواهد رفت و در مقابل برداشته شدن تحریم‌ها و آزاد شدن پول توقیف شده خود بار دیگر ذخیره‌سازی خود را به تعویق می‌اندازد به زودی مشخص می‌شود.

آندریا استریکر می‌گوید: «خروج آمریکا از توافق اتمی در دوره ریاست جمهوری ترامپ دردناک اما اصلاح مسیری لازم بود. در کوتاه‌مدت، ایران تولید اورانیوم خود را افزایش داده اما با مشکلات اقتصادی قابل توجهی روبرو شد که دولت بعدی می‌تواند برای رسیدن به توافقی قوی‌تر از آن استفاده کند.» وی می‌افزاید که «واشنگتن نباید دوباره به توافق اتمی برگردد بلکه باید به دنبال یک توافق قوی‌تر و پایدارتر باشد که مسیرهای رسیدن به مواد اتمی ایران برای ساخت یک بمب را مسدود کند و از آن بخواهد فعالیت‌های تسلیحاتی اتمی خود را بطور کامل افشا کرده و پایان دهد.»

ضعف توافق اتمی و پنهانکاری فعالیت‌های اتمی ایران

رویس دو ملو مشاور امنیتی و دفاعی خاورمیانه، نیز می‌گوید توافق اتمی مربوط به دوران اوباما «دارای حفره‌ها و محدودیت‌های زیادی به نفع ایران بود که باعث می‌شد جمهوری اسلامی به راحتی آنچه را که می‌خواهد پنهان کند.» وی تأکید می‌کند: «علاوه بر این، توافق اتمی اساساً موقتی و برای یک دوره خیلی کوتاه ۱۰ تا ۱۵ ساله بود و داشتن توافق با دوام بیشتر منطقی‌تر است.»

فخری‌زاده سوار بر یک ماشین نیسان بود که در جاده آسرد نزدیک دماوند هدف قرار گرفت با این حال برخی استدلال می‌کنند که بگرام بهتر از فشار حداکثری تیم

که آیا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که به شورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش می‌دهد، به بازرسی‌های گسترده‌تر و تهاجمی‌تری نیاز دارد؟ نوامبر گذشته، آژانس بین‌المللی گزارش داد که ایران حدود ۱۲۰۰ پوند هگزافلوراید اورانیوم انبار کرده که در حد متوسط یعنی زیر ۴.۵ درصد (۲۳۵U/۴.۵) غنی‌سازی شده است.

تحلیلی که اوایل امسال توسط «آمریکن ساینتیفیک» منتشر شد گمانه‌زنی کرده که «اگر اورانیوم بیشتر غنی‌سازی شود، این مقدار می‌تواند به بیش از ۳۰ کیلوگرم در سطح تسلیحاتی برسد که برای ساخت یک بمب اتمی کافی است.» اورانیوم در سطح تسلیحاتی می‌تواند از اورانیوم غنی‌سازی شده در سطح پایین که در نیروگاه‌های برق هسته‌ای استفاده می‌شود از طریق تصفیه تکمیلی به دست آید.

طی یک سال گذشته جبران آشکار ذخایر اورانیوم کمتر از چهار سال پس از آن صورت گرفت که ایران در بگرام متعهد شد ۹۷ درصد از سوخت اورانیوم خود را به کشور دیگری منتقل کند.

علاوه بر این، با توجه به اینکه جواس دنیا در نتیجه شیوع ویروس کرونا فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران پرت شده، نگرانی‌های بیشتری در رابطه با برنامه‌های احتمالی ساخت و ساز یک کارخانه مونتاژ سانتریفیوژ جدید مطرح شده است.

است. گزارش ژوئن ۲۰۲۰ آژانس تأکید می‌کند که یک «مکان بالقوه» برای «ذخیره‌سازی مواد اتمی یا فعالیت‌های مربوط به برنامه اتمی از جمله فعالیت‌های تحقیق و توسعه مرتبط با چرخه سوخت هسته‌ای» ممکن است «برای تبدیل و فرآوری ماده معدنی اورانیوم، از جمله فلوراسیون در سال ۲۰۰۳ مورد استفاده بوده باشد.

فلوراسیون اورانیوم معمولاً به معنی تولید هگزافلوراید اورانیوم است که گازی مهم و مورد نیاز برای عملکرد سانتریفیوژهاست و همچنین آژانس مستند کرده که در مکان مورد بحث «تغییرات قابل توجهی در سال ۲۰۰۴، از جمله تخریب بیشتر ساختمان‌ها» صورت گرفته است.

بازرسان برای تشخیص هرگونه فعالیت جدید در این مکان، نمونه‌های محیطی از آنجا گرفته‌اند، اما هنوز معلوم نیست که چنین یافته‌هایی وجود دارد یا نه. با وجود این، تسریع فعالیت و جمع‌آوری مداوم در یک سال گذشته در جریان بوده است.

در ماه مارس، بازرسان گزارش دادند که زرادخانه هسته‌ای ایران در حال رشد است و به سطوح جدیدی رسیده. آنها چنین نتیجه‌گیری کردند که تهران می‌خواهد اورانیوم غنی شده زیادی ذخیره کند تا به اندازه کافی برای تولید حداقل یک سلاح اتمی در دست داشته باشد. اگرچه کارشناسان استنباط می‌کنند که

اورانیوم تهران و سایت مریوان، که بخشی از برنامه سلاح اتمی ایران در اوایل سال ۲۰۰۰ بود.

ارزیابی مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی تأکید می‌کند که «بطور غیرمنتظره‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این گزارش یا در گزارش جداگانه پادمان سیستم بازرسی و تأیید استفاده صلح‌آمیزاً در مورد این موضوع گزارشی نداده است» و می‌افزاید در یک بازرسی مرتبط با پایبندی ایران به استفاده صلح‌آمیز از تجهیزات اتمی، «آژانس، فعالیت‌های نظامی تبدیل اورانیوم اعلام نشده پیشین ایران را بررسی می‌کند.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین گفته است «پس از ماه‌ها تأخیر» برای اجازه دسترسی به تأسیسات اتمی ایران، توانسته از هر دو سایت اعلام نشده مورد نظر نمونه‌برداری کند، اما بازرسی سازمان ملل هنوز در مورد این که آیا نمونه‌ها حاوی آثار مواد اتمی بوده‌اند یا خیر، کشفیات خود را مستند نکرده است.

میکائیل ماکوسکی رئیس و مدیر اجرایی مؤسسه یهودی امنیت ملی آمریکا (JINSA) می‌گوید که تعداد بمب‌هایی که ایران می‌تواند در نهایت بسازد در حال افزایش است، در حالی که زمان مورد نیاز برای دستیابی به یک بمب که دارای ماده شکاف‌پذیر است مثل یک «روزنه کوچک خطرناک» رو به کاهش است و بیشترین نگرانی اینست که قضیه به دو سلاح اتمی را نیاز دارد.»

بارها منکر شدند. در سال ۲۰۱۵ بر اساس توافقنامه بحث‌برانگیز بگرام قرار شد ایران برای ۱۵ سال برنامه اتمی خود را متوقف کند.

بنابر تحلیل‌های مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی (ISIS) از گزارش آژانس انرژی اتمی که در ماه نوامبر منتشر شد، ذخایر اورانیوم با غلظت پایین ایران ۱۲ برابر حد مجاز تعیین شده در بگرام است.

این گزارش می‌گوید «تا ۲ نوامبر ۲۰۲۰، ایران ذخیره‌های حدوداً ۳۶۱۳.۸ کیلوگرمی از اورانیوم با غنای پایین (توده هگزافلوراید) که زیر ۵ درصد غنی‌سازی شده است، یا معدل ۲۴۴۲.۹ کیلوگرم (توده اورانیوم) خواهد داشت» و تأکید می‌کند که پس از دوره ماه اوت تا ماه نوامبر «زمان تخمین زده شده برای اینکه ایران بتواند اورانیوم با غلظت کافی برای ساخت سلاح اتمی داشته باشد، از اوایل نوامبر ۲۰۲۰ کمتر از ۳.۵ ماه پس از آن است.»

گزارش مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی که توسط دیوید آلبرایت، سارا بورکهارد، و آندریا استریکر نوشته شده، در ادامه آورده است «ایران می‌تواند دومین سلاح اتمی خود را حتی سریع‌تر از این بسازد چرا که تا آن زمان اورانیوم با غلظت کافی برای غنی‌سازی تادرجه تسلیحاتی در اختیار خواهد داشت. ایران در مجموع به کمتر از ۵.۵ تا ۶ ماه برای تولید اورانیوم غنی شده لازم برای ساخت دو سلاح اتمی را نیاز دارد.»

● آندریا استریکر عضو محقق بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها: جمهوری اسلامی برای مسلح کردن اورانیوم شکاف‌پذیر که در تجهیزات اتمی استفاده می‌شود حدود یک سال یا کمی بیشتر زمان نیاز دارد.

● «واشنگتن نباید دوباره به توافق اتمی برگردد بلکه باید به دنبال یک توافق قوی‌تر و پایدارتر باشد که مسیرهای رسیدن به مواد اتمی ایران برای ساخت یک بمب را مسدود کند و از آن بخواهد فعالیت‌های تسلیحاتی اتمی خود را بطور کامل افشا کرده و پایان دهد.»

● میکائیل ماکوسکی رئیس و مدیر اجرایی مؤسسه یهودی امنیت ملی آمریکا: تعداد بمب‌هایی که ایران می‌تواند در نهایت بسازد در حال افزایش است، در حالی که زمان مورد نیاز برای دستیابی به یک بمب که دارای ماده شکاف‌پذیر است رو به کاهش است.

● جان وود تحلیلگر و کارشناس امور امنیتی و دفاعی: فخری‌زاده سرپرست سازمان گسترش استقرار فناوری پیشرفته (FEDAT) بود که از حدود ۶۰۰ کارمند در ۱۲ گروه تشکیل شده است و رهبری برنامه



بسیجی‌ها شنبه ۸ آذر در تجمعی مقابل ساختمان وزارت خارجه در تهران عکس دونالد ترامپ و جو بایدن را آتش زدند



فخری‌زاده سوار بر یک ماشین نیسان بود که در جاده آسرد نزدیک دماوند هدف قرار گرفت

ترامپ توانسته بود امنیت آمریکا را تأمین کند.

ساموئل هیکی می‌گوید: «برجام همه مسیرهای آنها برای رسیدن به ظرفیت تسلیحات هسته‌ای را می‌بست، اما یک سال پس از خروج دونالد ترامپ از توافق اتمی، ایران برای افزایش اهرم‌های سیاسی خود برای مذاکرات آینده، به تدریج محدودیت‌های خود را زیر پا گذاشت.» این تحلیلگر تحقیقاتی در مرکز کنترل و منع گسترش تسلیحات می‌افزاید: «برای‌ها امروز به یک سلاح اتمی نزدیکتر از آن زمانی هستند که پرزیدنت ترامپ آذر سال ۲۰۱۶ سوگند ریاست جمهوری یاد کرد.»

با وجود این، کارشناسان هشدار می‌دهند در حالی که قتل فخری‌زاده، که ادعا می‌شود مغز متفکر پشت صحنه فعالیت‌های اتمی این کشور بحران زده بوده است، احتمالاً امیدهای آینده برای ساخت سلاح اتمی را دچار رکود می‌کند اما نمی‌تواند بطور کامل آن را از بین ببرد.

جان وود و تحلیلگر و کارشناس امور امنیتی و دفاعی می‌گوید: «اگر بر اساس روایت رسمی، برنامه تسلیحاتی (طرح آماد) در سال ۲۰۰۳ متوقف شده، پس چرا این حمله رخ داد؟ پاسخ روشن است! جمهوری اسلامی هیچ برنامه‌ای را متوقف نکرده است!»

● منبع: فاکس نیوز
● نویسنده: هولی مک کی
● ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

ساخت و ساز تأسیسات زیرزمینی در نطنز

گزارش اکتبر مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل آمده است که «تابستان امسال، در پی انهدام سایت غنی‌سازی نطنز در دوم جون ۲۰۲۰، ایران تصمیم گرفت که در زیرزمین تأسیسات مونتاژ سانتریفیوژ بسازد.»

در این گزارش همچنین آمده است: «به نظر می‌رسد در نیمه اول سپتامبر یک منطقه پدافندی برای پوشش و محافظت از منطقه ساخت و ساز در نزدیکی آن ایجاد شده باشد. به دلیل مشکلات فزاینده ساخت یک سایت زیرزمینی، تکمیل یک کارخانه جدید مونتاژ سانتریفیوژ که قادر به ساخت هزاران سانتریفیوژ پیشرفته در سال ۲۰۲۱ به نتیجه نخواهد رسید.»

این مؤسسه هشدار می‌دهد که ساخت مرکز مونتاژ سانتریفیوژ پیشرفته «می‌تواند به زودی آغاز شود» و نتیجه می‌گیرد: «محدوده تونل و پیرامون آن باید از نزدیک تحت نظارت قرار بگیرد. آغاز به کار یک مرکز جدید مونتاژ سانتریفیوژ در صورتی که هدف آن ساخت هزاران سانتریفیوژ پیشرفته در سال باشد، ممکن است چندین سال طول بکشد.» گزارش مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل ادامه می‌دهد که «چه ایران به دنبال ساخت بیش از یک تأسیسات است تنها یک مرکز زیرزمینی باشد، این سایت‌ها در برابر حمله آسیب‌پذیرند. از کار انداختن یک دستگاه مونتاژ سانتریفیوژ که عملکردش به یک محیط تمیز وابسته است، نیازی به

ساخت یک کلاهک اتمی ماه‌ها یا احتمالاً سال‌ها طول بکشد و پرتاب آن به فاصله‌ای قابل توجه نیازمند مهارت و ظرفیت فنی بالایی است که جمهوری اسلامی از آن برخوردار نیست ولی این چیز نیست که ادعا می‌شود فخری‌زاده پیش از حذف شدن روی آن کار می‌کرده است.

یک وضعیت که توسط سرویس تحقیقات کنگره در دسامبر گذشته تشریح و ترسیم شد می‌گوید که حتی از سال ۲۰۰۳ به بعد نیز تلاش برای جمع‌آوری مواد همچنان در جریان بوده، اما تسلط فنی برای ساختن بمب هنوز وجود ندارد.

جان وود که یک تحلیلگر و دفاعی کارشناس امور امنیتی و دفاعی است نیز می‌گوید که فخری‌زاده سرپرست سازمان گسترش استقرار فناوری پیشرفته (FEDAT) بود که از حدود ۶۰۰ کارمند در ۱۲ گروه تشکیل شده و مدیریت برنامه دستیابی به سلاح اتمی را بر عهده داشته است.

او می‌گوید: «این مجموعه با دانشگاه شهید بهشتی بر روی ساخت ماشه هسته‌ای همکاری نزدیک داشته است.» وی می‌افزاید «اگرچه دل کارکنان این مجموعه برای فخری‌زاده تنگ خواهد شد، اما مأموریت آنها با فوریت بیشتری نسبت به گذشته پیش خواهد رفت.»

علاوه بر عمیق‌تر شدن بی‌اعتمادی و تشدید تنش‌ها میان تهران و واشنگتن، این یافته‌ها باعث ایجاد پرسش‌هایی در این مورد شده است

یک بازی حدس و گمان تنزل یافته است.

او می‌گوید: «ما دقیقاً نمی‌دانیم چقدر طول می‌کشد که ایران به یک سلاح اتمی قابل آزمایش برسد، یکی از نواقص اصلی گزارش پایبندی ایران به بگرام این بوده که به جمهوری اسلامی اجازه داده شد ابعاد واقعی برنامه ساخت مخفیانه بمب تحت نظر فخری‌زاده را از چشم بازرسان پنهان نگه دارد.»

پژوهش دیگری که ماه گذشته توسط مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل با عنوان «سایت تبدیل اورانیوم آزمایشی طرح آماد، که ایران آن را انکار کرده است» منتشر شد، شکاف‌های بی‌اعتمادی بین آنچه مقامات ایرانی بیان می‌کردند و آنچه واقعاً به صورت مبهم در جریان است را بیشتر نمایان می‌کند.

این گزارش که به دنبال بازدید آژانس از «سایت تهران» منتشر شده- که هنوز مشخص نیست چه اطلاعاتی از آن به دست آمده- این نگرانی را ایجاد می‌کند که این سایت دارای مواد اتمی اعلام نشده به ویژه اورانیوم بود که به معنای نقض توافقنامه پادمان صلح‌آمیز بودن فعالیت اتمی ایران است.»

بطور خلاصه در گزارش این مؤسسه آمده «سایت حاوی تبدیل اورانیوم به میزان پیلوت (آزمایشی) تحت برنامه آماد در اوایل دهه ۲۰۰۰ است و در سال ۲۰۰۴ برجیده شده است.» برنامه آماد نامی است که به برنامه اتمی ایران قبل از ۲۰۰۳ داده شده

استریکر که عضو محقق بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) نیز هست، همین هفته به «فاکس نیوز» گفت که جمهوری اسلامی برای ماده شکاف‌پذیر که در تجهیزات اتمی استفاده می‌شود حدود یک سال یا کمی بیشتر زمان نیاز دارد.

بر اساس ارزیابی‌ها تخمین زده می‌شود جمهوری اسلامی ایران برخلاف بگرام، در تأسیسات نطنز، نصب سانتریفیوژهای پیشرفته را که برای غنی‌سازی نیاز دارد آغاز کرده است.

علاوه بر این، در گزارش تأیید پایبندی ایران به بگرام، خود آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز جمهوری اسلامی را به دلیل «عدم همکاری در یک موضوع مهم مربوط به مواد و فعالیت‌های اتمی اعلام نشده، با قطعیت محکوم می‌کند و نتیجه می‌گیرد که توضیحات ایران راضی‌کننده نبوده و از نظر فنی معتبر نیستند.»

دولت ترامپ بطور یکجانبه در سال ۲۰۱۸ از توافق خارج شد، و در پی آن تحریم‌های سنگین اقتصادی علیه تهران نیز به نوبه خود، در پاسخ به کارزار «فشار حداکثری»، تاجایی که می‌توانست فعالانه مفاد توافقی را که چین، فرانسه، روسیه، انگلستان و آلمان بخشی از آن هستند، بطور متناوب نقض کرد.

بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین «مواد و فعالیت‌های اعلام نشده در دو سایت ایران» پیدا کردند: کارخانه آزمایشی تبدیل

دستیابی به سلاح اتمی را بر عهده داشت.

● تحلیلی که اوایل امسال توسط «آمریکن ساینتیفیک» منتشر شد گمانه‌زنی کرده است که «اگر اورانیوم بیشتر غنی‌سازی شود، این مقدار می‌تواند به بیش از ۳۰ کیلوگرم در سطح تسلیحاتی برسد که برای ساخت یک بمب اتمی کافی است.»

● رویس دو ملو مشاور امنیتی و دفاعی خاورمیانه: توافق اتمی مربوط به دوران اوباما «دارای حفره‌ها و محدودیت‌های زیادی به نفع ایران بود که باعث می‌شد جمهوری اسلامی به راحتی آنچه را که می‌خواهد پنهان کند.»

هولی مک کی (فاکس نیوز)- با خوابیدن گرد و غبار کشتن محسن فخری‌زاده دانشمند اتمی جمهوری اسلامی جامعه بین‌الملل یک بار دیگر در مقابل این پرسش مشکل‌ساز قرار گرفته است که جاه‌طلبی‌های اتمی ایران در چه وضعیتی قرار دارد.

پس از اینکه با فشارهای بین‌المللی در سال ۲۰۰۳ کرکره برنامه‌های اتمی مقامات تهران پایین کشیده شد، آنها بازگشت مخفیانه به آن برنامه‌ها را

و ۱۰۴۴ سانتیفریوژ IR-۱ در فردو قادر است در عرض ۴ هفته ۲۵ کیلو اورانیوم ۹۰ درصدی لازم برای یک بمب هسته‌ای را تولید کند. البته داشتن این مقدار اورانیوم ۹۰ درصدی برای داشتن یک بمب کافی نیست و باید کلاهک و موشک برای حمل این بمب را نیز در اختیار داشته باشد. تا آنجا که ما اطلاع داریم در این زمینه نیز فعالیت‌های شبانه‌روزی جمهوری اسلامی ادامه دارد و بعید نیست در عرض ۳ تا ۴ ماه بتواند این طرح را نیز تکمیل کند.»

دیوید البرایت کارشناس هسته‌ای آمریکایی که در گذشته با سازمان بین‌المللی انرژی اتمی نیز همکاری داشته است، بر پایه آخرین داده‌های همین نهاد می‌گوید در خوشبینانه‌ترین حالت فاصله جمهوری اسلامی با اولین بمب هسته‌ای بین سه تا سه ماه و نیم است. دیوید البرایت البته می‌افزاید برای دستیابی به این هدف جمهوری اسلامی باید بتواند از سانتریفیوژهای نسل جدید استفاده کند. این کارشناس آمریکایی معتقد است که جمهوری اسلامی در حال حاضر به اندازه کافی اورانیوم غنی‌سازی شده، هرچند با غلظت پایین، در اختیار دارد که بتواند با افزایش غلظت به ۹۰ درصد یک بمب و شاید دو بمب اتمی بسازد.

البته توافق هسته‌ای با برجام تنها مانع قانونی برای جلوگیری از تلاش‌های جمهوری اسلامی برای دستیابی به بمب اتم نیست. ایران در سال‌های قبل از انقلاب سال ۵۷ به «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» یا NPT پیوسته و جمهوری اسلامی اگرچه بارها تهدید به خروج از این پیمان کرده است اما هنوز اقدامی در این زمینه انجام نداده. تا کنون ۱۸۸ کشور جهان به این پیمان پیوسته‌اند. بر مبنای این پیمان کشورهای دارای سلاح هسته‌ای نباید بطور مستقیم یا غیرمستقیم به دیگر کشورها در راه دستیابی این سلاح کمک کنند و کشورهای دیگر نیز متعهد می‌شوند در این راه تلاش نکنند،

هدایت امور را به دست بگیرند؛ و این درست همان جنگ است. این کشورها به اندازه کافی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران مسلح هستند که بخواهند بدون کمک یا بدون چراغ سبز ایالات متحده اقدام کنند. تمدید توافق اتمی با رژیم ایران، متحدان آمریکا در خاورمیانه را از خود دور می‌کند و آنها را مجبور می‌سازد خودشان برای دفع شر رژیم ایران وارد عمل شوند و این کار را خواهند کرد.

افزون بر این، دادن آزادی به حکومت ایران برای از سرگیری فعالیت‌های اتمی منجر به ایجاد رقابت تسلیحات اتمی در خاورمیانه خواهد شد. عربستان سعودی اکنون در حال توسعه برنامه‌های هسته‌ای خود با در نظر گرفتن یک توافق بین دولت بایدن و ایران است. در نتیجه این رقابت، تنش‌ها با این احتمال که سلاح‌های اتمی به دست بازیگران کله‌شق در منطقه بیفتد افزایش خواهد یافت.

توافق اتمی ۲۰۱۵ یک سیاست شکست خورده است. همانطور که ژنرال هربرت ریموند مک‌ماستر مشاور پیشین امنیت ملی ترامپ با صراحت گفته است، این معامله «یک فاجعه سیاسی با نقاب پیروزی دیپلماتیک بود.»

بعلاوه، وضعیت اکنون نسبت به سال ۲۰۱۵ بسیار تغییر کرده است. مردم بطور فزاینده از ایده اصلاح رژیم فاصله گرفته‌اند. مرز بین به اصطلاح «میان‌روها» و «تندروها»ی رژیم بیش از همیشه از بین رفته است. «میان‌روها»یی که باراک اوباما خیال می‌کرد می‌شود با آنها وارد مذاکره شد مشخص شده که در عمل همتای «تندرو»ها هستند.

طی چهار سال گذشته چندین بار علیه رژیم ایران اعتراضات گسترده سراسری شکل گرفت. سرانجام، با تأثیر دومینووار که توافق صلح میان اعراب و اسرائیل به وجود آورده، فضای ژئوپلیتیک خاورمیانه بطور قابل توجهی تغییر کرده است. امید است کارشناسان سیاست خارجی که با بایدن کار می‌کنند، متوجه این تغییرات شده‌اند و از اهرم فشاری که توسط دولت ترامپ برای فشار بر رژیم ایجاد شده برای موضوعاتی استفاده کنند که اگر از مسئله اتمی مهمتر نباشند اما به همان اندازه اهمیت دارند.

*منبع: اورشلیم پست
*نویسنده: شروان فشندی و رضا بهروز
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن



رزمایش پدافند پرتوی در اطراف نیروگاه اتمی بوشهر؛ اردیبهشت ۱۳۹۸

که فکر کند ما به سمت فعالیت‌های غیرصلح‌آمیز نمی‌رویم، دو محدودیت عمده زمانی و تعدادی برای ما گذاشته بودند. ما به این شکل این نقیضه را جمع کردیم، یعنی هم مشکل طرف را حل کردیم و هم از حق خودمان عدول نکردیم.» در همین گفتگو علی اکبر صالحی مدعی می‌شود در صورتی که مقامات جمهوری اصلاحی دستورش را صادر کنند سازمان انرژی اتمی «در عرض ۴ دقیقه» می‌تواند غنی‌سازی ۲۰ درصدی را آغاز کند.

یک کارشناس اسرائیلی به کیهان لندن می‌گوید «زمان لازم برای غنی‌سازی از صفر تا ۲۰ درصد به مراتب بیشتر از زمان لازم برای رساندن به ۹۰ درصد، غلظت لازم برای ساختن بمب اتمی است.» همین کارشناس می‌افزاید «جمهوری اسلامی با استفاده از ۴۸۰ سانتریفیوژ IR-۶ در نظرن

است. در برجام آمده است که جمهوری اسلامی تعهد می‌کند غلظت غنی‌سازی از ۳۶۷ درصد نباید تجاوز کند. بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی غلظت کنونی غنی‌سازی اورانیوم را ۴.۵ درصد اعلام کرده‌اند. جمهوری اسلامی با امضای برجام متعهد شده بود تنها از ۵۰۰۰ سانتریفیوژ IR-۱ در تأسیسات نظرن استفاده کند. در سایت فردو نیز ۱۰۴۴ سانتریفیوژ IR-۱ قرار بود تنها برای مصارف دیگر فعال باشند. علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی و یکی از معاونین حسن روحانی اخیراً اعلام کرده است که در نظرن از سانتریفیوژهای نسل‌های بعدی و حتی IR-۶ استفاده می‌شود. دقیقاً یکسال پیش، علی‌اکبر صالحی در گفتگو با رسانه‌های جمهوری اسلامی در اشاره به سانتریفیوژهای نسل جدید می‌گوید: «طرف مقابل از منظر خودش

با روزنامه اتریشی «دی پرس» در ماه اکتبر گذشته از جمله می‌گوید «ایران غنی‌سازی را بالاتر از سطحی که تعهد کرده بود ادامه می‌دهد و ذخیره اورانیوم غنی‌شده ماه به ماه افزایش می‌یابد.» رافائل گروسی در همین گفتگو برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را «بسیار توسعه یافته» می‌خواند و می‌افزاید «ایران یک چرخه سوخت هسته‌ای کامل با همه توانمندی‌ها دارد.»

بر پایه تعهداتی که در سال ۲۰۱۵ جمهوری اسلامی با امضای برجام پذیرفته است، حداکثر ذخیره اورانیوم غنی‌سازی شده نباید از ۲۰۲۸ کیلوگرم تجاوز کند. برپایه آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ابتدای ماه نوامبر سال جاری میلادی ذخیره اورانیوم غنی‌سازی شده جمهوری اسلامی ۲۴۴۲۹ کیلوگرم بوده و احتمالاً در هفته‌های اخیر افزایش هم یافته

کاهش چشمگیر فاصله جمهوری اسلامی از بمب اتمی؟!

چین، آمریکا، فرانسه و بریتانیا) بعلاوه آلمان از این توافق افزایش این فاصله به حداقل یک سال بود. پنج سال پس از اجرایی شدن برجام و ۱۸ ماه پس از خروج آمریکا از این توافق، مجدداً فاصله جمهوری اسلامی با بمب اتمی به مدت حدود سه ماه رسیده است.

جمهوری اسلامی از نیمه ماه مه ۲۰۱۸، گام به گام از تعهدات خود در برجام فاصله گرفته است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نهاد وابسته به سازمان ملل متحد، در آخرین گزارش خود به تعهداتی که جمهوری اسلامی با وجود باقی ماندن در توافق هسته‌ای رعایت نمی‌کند اشاره کرده است. این گزارش وضعیت کنونی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را نگران کننده می‌خواند.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در گفتگویی

● جمهوری اسلامی در حال حاضر به مقدار کافی اورانیوم غنی‌سازی شده با غلظت پائین در اختیار دارد که با افزایش غلظت بتواند در عرض سه تا چهار ماه با اورانیوم ۹۰ درصدی لازم برای ساختن دو بمب اتمی دست یابد.

● جمهوری اسلامی بر خلاف تعهدات برجامی خود، مدت‌هاست که از سانتریفیوژهای نسل جدید نیز برای غنی‌سازی استفاده می‌کند.

● یک کارشناس اسرائیلی: جمهوری اسلامی قادر است در عرض ۴ هفته ۲۵ کیلو اورانیوم ۹۰ درصدی لازم برای یک بمب هسته‌ای را تولید کند. البته داشتن این مقدار اورانیوم ۹۰ درصدی برای داشتن یک بمب کافی نیست و باید کلاهک و موشک برای حمل این بمب را نیز در اختیار داشته باشد. تا آنجا که ما اطلاع داریم در این زمینه نیز فعالیت‌های شبانه‌روزی جمهوری اسلامی ادامه دارد و بعید نیست در عرض ۳ تا ۴ ماه بتواند این طرح را نیز تکمیل کند.

احمد رأفت - در ژوئیه سال ۲۰۱۵ (تیرماه ۱۳۹۴) توافق هسته‌ای یا برجام با هدف طولانی‌تر ساختن فاصله جمهوری اسلامی با بمب هسته‌ای به امضا رسید. هدف پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد (روسیه،

اورشلیم پست: هیچ سطحی از دیپلماسی بی‌لیاقتی شروانه رژیم ایران را از بین نخواهد برد



طرفداران جمهوری اسلامی پس از کشته شدن محسن فخری زاده از عوامل برنامه اتمی در تهران تجمع کردند و پرچم اسرائیل و آمریکا را به آتش کشیدند

که پیش از توافق اتمی و پس از توافق اتمی عمل می‌کرد به راه خود ادامه داد. به این ترتیب، توافق اتمی در عمل لزوماً مانع جنگ نمی‌شود چرا که خارج شدن از آن نیز موجب جنگ نشد.

با این حال، نکته اینجاست که تمدید توافق اتمی با رژیم ایران اما می‌تواند به جنگ منجر شود. زاخی هانگی وزیر همکاری‌های منطقه‌ای در دولت بنیامین نتانیاهو که با این نظریه موافق است می‌گوید: «اگر بایدن با این سیاست پیش برود، در نهایت یک تقابل خشونت‌آمیز بین اسرائیل و ایران ایجاد خواهد شد»

و این خیلی نگران‌کننده است. بین اسرائیل و کشورهای عربی منطقه همکاری‌های تازه در حال شکل گرفتن است. با پیش‌بینی اینکه بار دیگر سیاست مماشات با رژیم ایران توسط دولت بایدن احیا شود، این کشورها آماده‌اند تا اگر رژیم ایران همچنان فعالیت‌های خرابکارانه‌اش را ادامه دهد یا بر جنگ‌طلبی‌های خود بیافزاید، خود

خورده‌اند. رژیم ایران صرف نظر از اینکه تسلیحات اتمی داشته باشد یا نه، با مردم ایران وحشیانه رفتار می‌کند، مخالفان را به زندان انداخته و شکنجه خواهد کرد، به زنان ستم کرده و همجنسگرایان را اعدام می‌کند. بنابراین، دست یافتن به توافق اتمی با ایران برگ برنده‌ای برای رژیم است تا به نقض حقوق بشر ادامه دهد.

منطق پشت توافق اتمی این بود که بدون آن جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌شد. این دیدگاه محصول مشترک اتاق‌های فکر برخی از مشاوران باراک اوباما و گروه‌های لابی ایرانی در واشنگتن بود. با وجود خروج دونالد ترامپ از این توافق و علیرغم هشدارهای بی‌وقفه اتاق‌های فکر در واشنگتن نسبت به وقوع نزدیک یک جنگ اما هیچوقت هیچ جنگی اتفاق نیفتاد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با همان رفتارهای جنگ‌طلبانه و در همان حد و گستره‌ای

واقع بایدن در حال بازبینی سیاست منسوخ شده‌ای است که هر نوع رفتار مجرمانه‌ی رژیم ایران را با مسئله‌ی هسته‌ای گره می‌زند. به همین منظور او امیدوار است که با لغو تحریم‌ها علیه رژیم ایران یا شاید با بخشیدن مبالغ هنگفت به عنوان پاداش به آن، می‌شود در رفتار رژیم تغییر قابل ملاحظه‌ای ایجاد کرد.

جو بایدن پذیرفته که جمهوری اسلامی یک رژیم شرور است، اما ادعا می‌کند افتادن سلاح هسته‌ای به دست یک رژیم که اساساً منشاء تهدید است نگران‌کننده‌تر است. این نگرانی درست است، اما داشتن تسلیحات هسته‌ای بدون موشک و لانچر برای پرتاب یک منطق ناقص است. به همین دلیل دستیابی رژیم به موشک‌های بالستیک نمی‌تواند به عنوان یک مسئله جداگانه در نظر گرفته شود و باید در متن قضیه‌ی تسلیحات هسته‌ای مورد توجه قرار گیرد. این دو قابل تفکیک نیستند و بهم گره

که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا از توافق اتمی خارج شد و کارزار فشار حداکثری را برای اعمال تحریم‌های فلج کننده علیه رژیم آغاز کرد، زمامداران رژیم ایران یک مسئولیت داشتند: از تأمین هزینه جنگ‌های بی‌پایان و پشتیبانی از شبه‌نظامیان تروریست دست بردارند و این سرمایه‌ها را به نفع مردم ایران خرج کنند. رژیم در هر دو مورد شکست خورد. بیایید صادق باشیم: هیچ سطحی از دیپلماسی نمی‌تواند بی‌لیاقتی بدخواهانه رژیم را تغییر دهد.

هرچند جو بایدن رئیس‌جمهور منتخب آمریکا ادعا می‌کند درباره خشونت و فساد رژیم در ایران هیچ توهمی ندارد، اما برنامه‌های او برای آشتی با جمهوری اسلامی با این ادعایش مغایرت دارد. قوی‌ترین مدرکی که نشان می‌دهد دولت آینده آمریکا نسبت به رژیم ایران چقدر گمراه است، قول بایدن برای بازگشت به توافق اتمی است. در

● دست یافتن به توافق اتمی با ایران برگ برنده‌ای برای رژیم است تا به نقض حقوق بشر ادامه دهد.

● منطق پشت توافق اتمی این بود که بدون آن جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌شد. این دیدگاه محصول مشترک اتاق‌های فکر برخی از مشاوران باراک اوباما و گروه‌های لابی ایرانی در واشنگتن بود.

● توافق اتمی در عمل لزوماً مانع یک جنگ نیست چرا که خارج شدن از آن نیز موجب جنگ نشد.

● اسرائیل و کشورهای عرب منطقه به اندازه کافی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران مسلح هستند که بخواهند بدون کمک یا بدون دریافت چراغ سبز ایالات متحده اقدام کنند.

● ما می‌توانیم امیدوار باشیم که کارشناسان سیاست خارجی که با بایدن کار می‌کنند از اهرم فشاری که توسط دولت ترامپ برای فشار بر رژیم ایجاد شده برای موضوعاتی استفاده کنند که اگر از مسئله اتمی مهمتر نباشند اما به همان اندازه اهمیت دارند.

● رژیم ایران صرف نظر از اینکه تسلیحات اتمی داشته باشد یا نه، با مردم ایران وحشیانه رفتار می‌کند، مخالفان را به زندان انداخته و شکنجه خواهد کرد، به زنان ستم کرده و همجنسگرایان را اعدام می‌کند.

رضا بهروز، شروان فشندی (اورشلیم پست) - در زمان دولت اوباما، وقتی جمهوری اسلامی ایران پس از مذاق توافق اتمی مبلغ زیادی پول نقد دریافت کرد، فقط یک مسئولیت داشت: استفاده از این پول برای رفاه حال مردم ایران. وقتی

رامش خواننده مشهور و محبوب درگذشت



متاسفم «رامش» یکی از صداهای کم‌نظیر نسل من از بین ما رفت. فقدان او را به خانواده و دوستانش تسلیت می‌گویم

● **رامش تا پیش از انقلاب بیش از ۶۰۰ ترانه در موسیقی ایرانی و موسیقی شرق و غرب اجرا کرد. صدای «رامش» به راستی مخملین بود و تا به امروز بی‌نظیر مانده است.**

● **پس از انقلاب رامش به آمریکا مهاجرت کرد و تا پایان عمر بجز انتشار دو آلبوم موسیقی، اثر دیگری خلق نکرد و کمترین تصویر و ویدئو از او منتشر شد.**

● **رامش دلیل دوری‌اش از خوانندگی را اعتراض به ممنوعیت آوازخوانی زنان در ایران اعلام کرده بود. اما مرتضی خواننده سرشناس در پست اینستاگرام خود نوشته که حواشی آخرین کنسرت او در لس‌آنجلس در این کناره‌گیری موثر بوده است.**

● **شاهزاده رضا پهلوی نیز در پیامی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد یادآور شد که رامش «یکی از صداهای کم‌نظیر» نسل وی بوده است. شاهزاده پهلوی فقدان این هنرمند را به خانواده و دوستان او تسلیت گفت.**

«رامش» خواننده مشهور و قدیمی بر اثر سکته قلبی در سن ۷۴ سالگی در خارج از ایران درگذشت. آذر محبی تهرانی مشهور به «رامش» خواننده شناخته‌شده قدیمی امروز دوشنبه ۱۰ آذرماه ۱۳۹۹ بر اثر سکته قلبی در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

مرتضی برجسته خواننده سرشناس در اینستاگرام خود خبر درگذشت رامش را منتشر کرده است. او نوشت: «متأسفانه رامش صدا مخملی موسیقی ایران بعد از سال‌ها گوشه‌گیری امروز با این جهان خاکی به علت ایست قلبی وداع گفت.»

«رامش» در ۲۲ آبان‌ماه ۱۳۲۵ در تهران به دنیا آمد. او با برنامه «گل‌ها» وارد عرصه خوانندگی شد و فعالیت هنری خود را با آهنگسازی پرویز مقصدی ادامه داد و تا پیش از انقلاب بیش از ۶۰۰ ترانه در موسیقی ایرانی و موسیقی شرق و غرب اجرا کرد.

صدای «رامش» به راستی مخملین بود و تا به امروز بی‌نظیر مانده است. او درباره اجرای ترانه‌هایی که در ایران به «جاز» معروف شده گفته بود: «در خواندن ترانه‌های جاز یک نوع آرامش و نشاط حس می‌کنم.» آلبوم «ادمک»، «تپه‌ها»، «دریا دریا»، «تهمت»، «داغ داغ»، «جهان سوم» و «معشوق همینجاست» از مشهورترین آثار این خواننده هستند و ترانه‌هایی نظیر «زائر»، «رودخونه‌ها»، «لب دریا»، «دیکه بسه دل من»، «اسیر»، «بی تو کسی را ندارم» از محبوب‌ترین ترانه‌های وی میان مردم به شمار می‌روند.

«رامش» در برنامه‌های مختلف تلویزیونی مانند چشمک (گوگوش شو)، رنگارنگ، میخک نقره‌ای (شوی فریدون فرخزاد) و... اجراهای بسیار داشته است. گفته می‌شود «رامش» و گوگوش در تعدد شرکت در شوهایی تلویزیونی در رقابت بودند. شوهایی که در حال حاضر نایاب‌اند.

در سال‌های پس از انقلاب، فعالیت هنری رامش بسیار کم شد و پس از آلبوم «معشوق همینجاست» و همکاری با داریوش اقبالی و فرامز اصلائی، هیچ اثر دیگری منتشر نکرد. مرتضی برجسته در پست اینستاگرام خود نوشته که رامش «بعد از شورش ۵۷ به خارج از ایران مهاجرت کرد و بعد از مدتی ساکن لس‌آنجلس شد. یک آلبوم مستقل و یک آلبوم مشترک به بازار داد. متأسفانه در اولین کنسرتش که به اتفاق داریوش در شراین ادیتوریوم محل برگزاری جایز اسکار بود، به خاطر اختلافی که داریوش با کنسرت‌گذار پیدا کرد،

حضور نداشت.

در گفتگو با بهمن مقصدلو از صفحه ۵

حکومت بارها او را به خاطر نوشتن این پیش‌پردها گرفت. بعد اینها را می‌دهد انتظامی بخواند. بعد هم انتظامی را دستگیر می‌کنند که اگر یادمان باشد همین پیش‌پرده «مصدر سرهنگ» را در آن زمان عزت‌الله انتظامی خوانده بود و برایش دردسر درست شده بود. در چنین شرایطی است که پرویز خطیبی عزت انتظامی را می‌آورد و یک نقش کوچک در اولین فیلمش «وارثه بهاری» به او می‌دهد. این اولین فیلم انتظامی است. از طرفی ناصر ملک‌مطیعی هم مراجعه می‌کند به خانم زینت مؤدب که در آن زمان در استودیوی «میترا فیلم» علاوه بر بازی در دو فیلم اول دکتر کوشان («طوفان زندگی» و «زندانی امیر») کار تدوین فیلم را هم یاد گرفته و روزها در استودیو مشغول به کار بود. ملک‌مطیعی که معلم ورزش بوده، با خانم مؤدب در زمین «اسکتینگ رینگ» آشنا می‌شود و می‌گوید می‌خواهد بازیگر بشود. زینت مؤدب او را به کوشان معرفی می‌کند (این توضیح را بدهم که خانم مؤدب در آن زمان هنوز با پرویز خطیبی ازدواج نکرده بود). او به دکتر کوشان می‌گوید که آقایی را

● **مثل اینکه نقش دکتر را بازی می‌کند، نه؟**

دکتر نه، ولی نقش آسیستان دکتر را بازی می‌کند. دکتر عمل جراحی انجام می‌دهد و ناصر ملک‌مطیعی آسیستان اوست. حالا اینها تنها دو بازیگر فیلم اول پرویز خطیبی هستند. انتظامی و ملک‌مطیعی! البته تقی ظهوری هم هست. یکی دو نفر دیگر هم هستند. می‌خواهم این را بگویم که در تقریباً سومین فیلم بعد از جنگ جهانی دوم تاریخ سینمای ایران یک جوانی به نام پرویز خطیبی می‌آید و موتوری می‌شود برای حرکت سینمای تجاری و این جوان

پایان

نسخه گیاهی جان یک بیمار مبتلا به کرونا را گرفت؛ نمکی دستور تشکیل فوری کارگروه طب سنتی را داد!



● **دادستان شهرستان نجف‌آباد از مرگ یک جوان ۲۷ ساله مبتلا به کرونا پس از استفاده از داروهای طب سنتی خبر داده است. والدین این مرد جوان که دچار سندرم داون بوده، از صاحب عطاری که این «دارو» را می‌فروشد، شکایت قضایی کرده است.**

● **گفته می‌شود عمده گیاهان تجویز شده تحت عنوان درمان کرونا از کشور هند وارد می‌شود!**

● **زهرای شیخی سخنگوی کمیسیون بهداشت و از نمایندگان حامی فعالیت عطاری‌ها و استفاده از داروهای گیاهی اعلام کرد که سعید نمکی دستور بررسی تشکیل کارگروه طب سنتی ایرانی را داده است.**

● **همچنین نفیسه حسینی یکتا سرپرست دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت اعلام کرد که این وزارت‌تخانه در حال بررسی «شربت امام کاظم زمستانه» در کنار ۸۵ مورد ادعایی در حوزه طب سنتی برای درمان کروناست.**

● **همزمان در حالی که وزارت بهداشت به عنوان اصلی‌ترین مسئول سلامت جامعه به داروهای گیاهی ناشناس که با هدف سودجویی و کسب درآمد مجوز تولید دریافت کرده و جان مردم را به مخاطره می‌اندازند، کشورهای پیشرفته دنیا خود را برای تزریق واکسن کرونا به شهروندانشان آماده می‌کنند.**

در حالی که وزیر بهداشت با وجود انتقاد جامعه پزشکی، دستور تشکیل فوری کارگروه طب سنتی در وزارت‌تخانه خود را داده، یک جوان ۲۷ ساله مبتلا به کرونا پس از مصرف داروهای سنتی جان خود را از دست داد.

وبسایت «رکنا» به نقل از دادستان شهرستان نجف‌آباد از مرگ یک جوان ۲۷ ساله مبتلا به کرونا پس از استفاده از داروهای طب سنتی خبر داده است. والدین این مرد جوان که دچار سندرم داون بوده، از صاحب عطاری که این «دارو» را می‌فروشد، شکایت قضایی کرده‌اند.

علی زارع دادستان شهرستان نجف‌آباد گفته که این عطاری «غیرمجاز» بوده و صاحبش «ادعای درمان بیماری کرونا را از غیر از مجاری تخصصی داشت.» به گفته‌ی دادستان نجف‌آباد، این چهارمیرمورد شکایت بیماران و مراجع‌کنندگان از «این واحد سنتی غیرمجاز» بوده که در نهایت «بلیس اطلاعات و امنیت» او را بازداشت کرده است.

علی زارع همچنین بیان کرد که این فرد به دلیل «برگزاری جلسات متعدد با

● **معمولاً سخنرانی‌ها درباره چه**

نagفته نماد که ما عضو به آن معنا نداریم. درهای انجمن ما به روی همه باز است ولی برای مخارج انجمن متکی به کمک‌هایی هستیم که ایرانیان مقیم دانمارک به صندوق انجمن می‌کنند تا خرج انجمن در آید. قبل از پاندمی کرونا ما سخنرانان را به کپنهاگ دعوت می‌کردیم و باید خرج سفر و اقامت آنها را در هتل می‌دادیم. مقداری را از دانشگاه می‌گرفتیم و در آنجا نیز آنان سخنرانی می‌کردند. مقداری از هزینه را هم خود انجمن از بودجه‌اش تأمین می‌کرد.

● **معمولاً سخنرانی‌ها درباره چه**

داروهای گیاهی و طب سنتی و همچنین مشاوره‌های طب سنتی در کنار متخصصان دیگر داشته باشد و اجرایی شود که فقط در حد تصمیم و کمیته علمی بدون عمل باقی نماند.» علی‌اکبر ولایتی وزیر خارجه سابق جمهوری اسلامی در دولت علی‌اکبر رفسنجانی و مشاور علی خامنه‌ای در گفتگو با زهرای شیخی گفته است، «از زمانی که در بیمارستان مسیح دانشوری طب سنتی و مکمل را در پروتکل‌های درمانی کرونا گذاشتیم مرگ و میر این بیماران بسیار کاهش یافت.»

وی اظهار امیدواری کرد: «هر چه زودتر تمام بیمارستان‌های کشور هم اجازه به‌کارگیری پروتکل‌های طب سنتی ایرانی و طب مکمل برای کمک به درمان بیماران کرونا را داشته باشند.»

با حمایت ولایتی به‌نظری‌رسد تجویز گیاهان دارویی از سوی وزارت بهداشت نیز از تأیید خامنه‌ای برخوردار باشد. کار به جایی رسیده که وزارت بهداشت واحد بررسی داروهای گیاهی را نیز راه‌اندازی کرده و بجای تمرکز بر پیشگیری و درمان بیماران مبتلا به کووید-۱۹، به بررسی داروهای گیاهی می‌پردازد. نفیسه حسینی یکتا سرپرست دفتر طب ایرانی و مکمل وزارت بهداشت اعلام کرد که این وزارت‌تخانه در حال بررسی «شربت امام کاظم زمستانه» در کنار ۸۵ مورد ادعایی در حوزه طب سنتی برای درمان کروناست!

حسینی یکتا در رابطه با این دارو گفته بود: «در مورد داروی امام کاظم چون این دارو به نام معصوم نامگذاری شده و در مورد پیشگیری و درمان ادعا دارد و می‌گوید بیمار کرونا سریع خوب می‌شود یا مصرف‌کننده این دارو مبتلا نمی‌شود، باید این ادعا به پوته آزمایش گذاشته شود.»

ایرج حری‌چی معاون کل وزیر بهداشت هم از نامگذاری گیاهان دارویی با اسامی امامان شیعه انتقاد کرده و گفته بود: «هیچ دارویی نداریم که منسوب به امامی باشد.»

جعفر شهشهانی درمانگر طب سنتی به خبرگزاری «فارس» گفته بود، شربت امام کاظم سیستم ایمنی بدن را بالا می‌برد و گروه‌های مختلفی از قم، مشهد و نقاط دیگر شیوه‌نامه طب سنتی و اثرگذاری داروی امام کاظم را تهیه کردند.

● **انجمن فرهنگی ایران و دانمارک» شرکت کنند.**

● **استقبال از جلسات پیش از کرونا چگونه بود؟**

– بستگی به موضوع داشت. در برخی جلسات ۸۰ و ۹۰ نفر می‌آمدند. البته تلاش می‌کنیم در طول سال چند جلسه به زبان دانمارکی هم داشته باشیم. از جمله در جلسه اخیر ما یک دانمارکی در مورد مولانا سخنرانی کرد که تحقیقات زیادی دارد و اشعار مولانا را از انگلیسی به دانمارکی ترجمه کرده و با شرح و تفصیل ضمن آوردن تاریخچه‌ی تصوف و شرح حال مولانا در کتابی آورده است.

ادعای درمان بیماری کرونا، «تشکیل تجمعات غیر ضروری» و «ترغیب حضار به استفاده نکردن از ماسک» که موجب اعتراض بسیاری از همشهریان شده بود بازداشت شده است.

این جوان ۲۷ ساله در نجف‌آباد در حالی جان خود را به دلیل استفاده از داروهای سنتی از دست داده که وزارت بهداشت و کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی در یک همدستی معنادار، یکی پس از دیگری مجوز تجویز داروهای سنتی و تجویز آن توسط عطاری‌ها را برای آنچه کاهش عوارض ناشی از ابتلا به کرونا اعلام می‌کنند، صادر کرده‌اند.

همچنین زهرای شیخی سخنگوی کمیسیون بهداشت و از نمایندگان حامی فعالیت عطاری‌ها و استفاده از داروهای گیاهی اعلام کرده که سعید نمکی دستور بررسی تشکیل کارگروه طب سنتی ایرانی را داده است.

این دستور به گفته‌ی شیخی، پس از نامه‌نگاری مجلسی‌ها با حسن روحانی رئیس دولت صادر شده است. سعید نمکی با وجود مخالفت‌های گسترده جامعه پزشکی و حتی معاونانش از جمله رضا ملک‌زاده، مجوز ۴ داروی سنتی را برای درمان کرونا صادر کرد.

رضا ملک‌زاده معاون مستعفی تحقیقات وزارت بهداشت گفته بود که ادعاهای وزیر بهداشت درباره موثر بودن داروهای گیاهی «بی‌اساس» است و «بدون هیچ مبنای علمی و پژوهشی و مطالعات بالینی کافی» انجام شده است.

گفته می‌شود عمده گیاهان تجویز شده تحت عنوان درمان کرونا از کشور هند وارد می‌شود!

وزیر بهداشت روز ۱۴ آبان‌ماه آشنایی دانشجویان پزشکی با داروهای گیاهی را الزامی خواند و دستور داد: «کمیته‌ای ملی با حضور صاحب‌نظران برای احیای جنبه‌های علمی طب سنتی جهت آشنایی دانشجویان با مکتوبات بازمانده از دانشمندان گذشته علوم تشکیل شود!»

زهرای شیخی نماینده اصفهان در مجلس شورای اسلامی تشکیل این کارگروه را نقطه عطف در راستای حضور عملیاتی پزشکان و دانشمندان در حوزه «پیشگیری و درمان ویروس منحوس ویروس کرونا» دانسته است.

به گفته‌ی وی، «این کارگروه قرار است پژوهش‌های مختلفی در حوزه

● **از صفحه ۱۲**

● **«انجمن فرهنگی ایران و دانمارک» از صفحه ۱۲**

● **موضوعاتی است؟**

– عناوین سخنرانی‌ها به راستی بازتاب تنوع وسیع موضوع‌ها در حیطه‌ی فرهنگ ایران است مثلاً در جلسه‌ی قبل دکتر آجودانی در مورد تجدد در ایران سخنرانی کرد و جلسه‌ی اخیر درباره عرفان. قبل از سخنرانی دکتر آجودانی نیز یک سخنرانی در مورد حافظ داشتیم. در نظر داریم در آینده‌ی نزدیک درباره ادبیات جدید ایران جلسه داشته باشیم. نرم‌افزار «زوم» این امکان را به وجود آورده که هم‌میهنان علاقمند از گوشه و کنار جهان در جلسات

در ستایش ناسیونالیسم و ملی گرایی



طرحی درباره خیزش و ایستادگی کاوه آهنگر در برابر ضحاک مار دوش

● ملی گرایی بدین مفهوم که به اراده ملی برای دست گرفتن سرنوشت خود نظر دارد، به هیچ وجه به معنی مرزبندی با دیگر ملیت‌ها نیست و بدین دلیل که بنیانش بر دموکراسی و حقوق خدشه ناپذیر شهروندانی با ویژگی‌هایی گوناگون استوار است، به خودی خود نمی‌تواند نسبت به دیگر ملیت‌ها و دیگر ویژگی‌های ملی برتری جو باشد.

● ملی گرایی ایدئولوژی نیست، بلکه مورد سوء استفاده ایدئولوژی‌ها و نظامات دیکتاتوری قرار می‌گیرد. چنانکه همه جنگ‌ها و جنایات بشری را می‌توان بدین بهانه که به دست گروهی از «ملت» صورت می‌گیرد، به ناسیونالیسم نسبت داد، اما هیچ ملتی منافعی در تجاوز و سرکوب دیگر ملت‌ها ندارد.

● بیداری ملی در جوامعی که در حال گذار به سوی جامعه و نظامی مدرن هستند، با ناسیونالیسم در کشورهای که این مرحله را پشت سر گذاشته‌اند تفاوت بنیادین دارد و در جوامعی مانند ایران دستیابی به خودآگاهی ملی از اهمیتی حیاتی برخوردار است.

فاضل غیبی - از فرادای انقلاب اسلامی، هر گروهی پس از آنکه مورد سرکوب ملایان قرار گرفت، بجای بررسی اشتباهات خود به راه ساده‌تر رفت و «ایرانیان» را سرزنش کرد که گویا به سبب ناتوانی‌های ذاتی خود به این فاجعه دامن زده بودند. از «طمع و آب و برق مجانی» تا «ساده‌لوحی و ناراستی» و از «مذهب‌زدگی» تا «ناراستی» ویژگی منفی نبوده است که تا حال نثار ما ایرانیان نشده باشد. جالب اینکه در کشورهای پیشرفته، نمونه‌ای نمی‌توان یافت که مثلاً نویسندگانی آلمانی نوشته باشند، فلان ویژگی ما آلمانی‌ها باعث پیدایش فاشیسم شد و یا انگلیسی بنویسد روحیه انگلیسی سبب پیدایش استعمار گشت! بنابراین اینکه نه تنها در ایران، بلکه در برون مرز نیز سیل کتاب‌ها، مقالات و به تازگی کلیپ‌ها، درباره‌ی دروغ‌گویی و دون‌همتی ایرانیان تمامی ندارد، باید نشانه‌ی نارسایی بزرگی باشد.

برای شناخت این نارسایی، باید دید چرا به سادگی به «از ماست که بر ماست!» باور می‌کنیم؟ پاسخ دشوار نیست: علت اساسی، نارسایی «ملی‌گرایی ایرانی» است. بدین نشانه‌ی روشن که «ملی‌گرایی ایرانی» چنان خوار شده که حتی هواداران آن سفارش می‌کنند، برای جلوگیری از «بدفهمی»، بهتر است «ایراندوستی» بگوییم!

میهن‌دوستی امری طبیعی است و مانند مهر به پدر و مادر در هر کس نهادینه است. اما انسان موجودی اجتماعی است و در وابستگی به فرهنگ ملی و تاریخی مشخصی هویت می‌یابد. دقیق‌تر، همچنانکه بدون پدر و مادر فرزندی به وجود نمی‌آید، بدون میهن نیز امکان رشد انسان اجتماعی با هویت فرهنگی فراهم نمی‌شود. البته از آنجا که

مذهب پدید آمد. بر این بنیان نیز از زمان داریوش به بعد پیشرفته‌ترین نظام حکومتی یعنی ساختار «شاهنشینی» (ساتراپی) برقرار شد که در آن «شاهنشینان» از ارمنستان تا کرمان و از خوارزم تا یهودیه، در «ایران» از خودمختاری برخوردار بودند.

اما پس از درهم شکستن تمدن ایرانی در پیامد تهاجم اعراب، از تسلط خلفا تا پایان قاجارها، سرنوشت ایران همواره در دست حاکمانی بود، که برایشان ملیت ایرانی ارزشی نداشت. بنابراین چون دقیق بنگریم، تنها در دوران رضاشاه گام‌های مؤثری برای بازیافت هویت ملی ایرانی برداشته شد. در دوران پایانی حکومت محمدرضاشاه از آنجا که ملی‌گرایی در خدمت توجیه دیکتاتوری قرار گرفت، نتوانست سرفرازی ملی را با دموکراسی پیوند دهد و از مقاومت در برابر موج بلند چپ اسلامی ناتوان ماند.

در چهار دهه‌ی گذشته، اسلامیان ثابت کردند که برای ایران و جهان جز ویرانی و جنایت ارمغانی ندارند و بدین سبب نیز به داوری تاریخ، نهادهای اسلامی در ایران آینده جایی نخواهند داشت. با این وصف ایران آینده در کنار رنگارنگی قومی کم‌نظیرش، گلزاری از خرده‌فرهنگ‌های انسان‌دوست را تشکیل خواهد داد که در آن آیین‌های ایرانی به جلوه‌ای نوین خواهند درخشید. در این میان بی‌شک آیین کهن ایرانیان بر بنیاد «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» و تکیه بر خرد ایرانی‌شهری، زندگی دوباره‌ای خواهد یافت و

پیروان آیین‌های یهودی، مسیحی و بهائی و... نیز مورد توجه ایرانیان قرار خواهند گرفت.

بدین سبب شایسته است که از هم‌اکنون پیروان آیین‌های ایرانی از رنگ باورهای خود به «بی‌رنگی» ملی ایرانی بپیوندند و در کوشش مشترک برای رهایی ایران همدلی خود با دیگر ایرانیان را استوارتر سازند. نمونه‌وار، بهائیان به عنوان بزرگترین گروه غیراسلامی هرچند که کوشش در راه تحقق یگانگی بشری را والاترین هدف می‌دانند، اما در برهه‌ی کنونی شایسته است که سخن پیشوای خود را سرلوحه رفتار قرار دهند که در دورانی که قرارداد سال ۱۹۱۹ میلادی استقلال کشور را بر باد می‌داد و ملیت ایرانی را خدشه‌دار می‌کرد، نوشت: «بهائیان ایران را می‌پرستند».

خوشبختانه امروزه ملی‌گرایی نوین ایرانی، با وجود تهاجمات تبلیغی حکومت جهل و جنایت، گسترش یافته و بیش از پیش به عنوان حلقه‌ی مفقوده‌ای درک می‌شود که بدون آن، اتحاد لازم برای گذار به سوی آینده ممکن نیست. میلیون‌ها ایرانی به تجربه دریافته‌اند که در صورت تکیه بر ایراندوستی و ملی‌گرایی، اختلافات آرا باعث دو دستی نخواهد بود.

جالب است که رضاشاه بر این حقیقت آگاه بوده و از این دید به «حس وطن‌پرستی» می‌نگریسته است. او به سال ۱۳۰۷ خورشیدی به دانشجویانی که برای تحصیل به خارج از کشور می‌رفتند، از جمله گفت: «شما فرزندان عزیز ایران، باید خوب این مسئله را بدانید که چرا شما را از یک کشور پادشاهی مثل ایران به یک کشور جمهوری مثل مملکت فرانسه اعزام می‌داریم. این کار فقط برای اینست که شما وقتی به آن مملکت رفتید، حس وطن‌پرستی فرانسویان را سرمشق خودتان قرار بدهید و آن را در اعماق قلب خودتان جایگیر کنید».

تنها میان کشورهای ممکن است که از نظام دموکراتیک برخوردار باشند و پیشرفت به سوی یگانگی و همبستگی جهانی تنها از راه کوشش برای گسترش و تحکیم نظامات دموکراتیک می‌گذرد.

ترفند خطرناک در این میان از سوی تبلیغات چپ و اسلامی‌است که اهداف جهانگیرانه‌ی خود را در پس جهان‌گرایی پنهان نموده و با شگردهای تبلیغی زیرکانه‌ای بر ملی‌گرایی می‌تازند. به عنوان نمونه، ادعا می‌کنند که:

فرد ناسیونالیست یا ملی‌گرا مثل مداری است که تنها و تنها به کودک خود کورکورانه عشق می‌ورزد، از هرگونه انتقادی از فرزند خود برمی‌آشوبد، دیگر کودکان را دوست ندارد و حتی از آنها نفرت دارد. بدین دلیل بهتر است در پی برتری بر دیگر ملل برنیامد و مصالح و منافع کل دنیا و نه یک ملت خاص را در نظر گرفت. نخست آنکه اصلاً کدام مادر چنین است؟! مهر مادر به فرزند مهری طبیعی و سالم است و ربطی به «عشق کورکورانه» ندارد تا با «نفرت» به دیگر کودکان توأم باشد! برعکس! مهر مادری سبب مهر به دیگر کودکان و همه‌ی «کل دنیا می‌شود! وانگهی مگر برای «کل دنیا مصالح و منافع» عالی‌تری از تفاهم و دوستی میان ملت‌ها وجود دارد؟ روشن است که با پیشرفت بشر، مسائل و مشکلات هرچه بیشتری (مانند حفظ محیط زیست) به راه حل‌ها و اقداماتی در سطح جهانی نیاز پیدا می‌کنند. اما میزان موفقیت چنین اقداماتی نیز در نهایت به خواست حکومت‌ها بستگی دارد.

بر اساس آنچه رفت، ملی‌گرایی ایرانی در این شرایط از اهمیتی حیاتی برخوردار است. جامعه ایران پیش از تهاجم اعراب دست‌کم دو هزار سال تاریخ تکامل شهرنشینی پشت سر گذاشته بود و در مرکز دنیای آن روزگار برای نخستین بار مفهوم «ایران» به عنوان ملتی دربرگیرنده‌ی ده‌ها قوم و تیره و

است. در این کشورها تکیه بر هویت و منافع ملی مهمترین اهرم در دست آزادیخواهان برای عقب راندن حکومت‌های غیردموکراتیک و گذار به دوران مدرن است.

بدین معنی بیداری ملی در جوامعی که در حال گذار به سوی جامعه و نظامی مدرن هستند، با ناسیونالیسم در کشورهای که این مرحله را پشت سر گذاشته‌اند تفاوت بنیادین دارد و در جوامعی مانند ایران دستیابی به خودآگاهی ملی از اهمیتی حیاتی برخوردار است.

اگر رژیم فاشیسم اسلامی جنایتکاری مانند قاسم سلیمانی را «قهرمان ملی» نامید و برخی ایرانیان با چنین باوری به سوگ او نشستند، به همان درجه نشان از ناآگاهی ملی دارد، که کسی مانند اردشیر زاهدی هر بهانه‌ی دفاع از «تمامیت ارضی»، بر جرم و جنایتی نسبت به مردم ایران را توجیه می‌کند.

ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) نه تنها از سوی ایدئولوژی‌ها، بلکه از دو سوی دیگر نیز زیر فشار قرار دارد: یکی از سوی «قوم‌گرایان» که تصور می‌کنند در جدایی از ملت خود به موقعیتی ممتاز دست خواهند یافت. در حالی که در دنیای امروز راه پیشرفت و سعادت اجتماعی تنها با استفاده از نیروی سازنده‌ی همه‌ی شهروندان ممکن است و این نیرو فقط در رویکرد به دموکراسی و حقوق برابر شهروندی تبلور می‌یابد. به عبارت دیگر جدایی‌طلبان، اگر واقعا قصد خدمت به پیشرفت و سعادت قوم خود را دارند، در راه مبارزه برای دموکراسی با دیگر اقوام در واحد ملی سرنوشت مشترکی دارند.

فشار دیگر و شدیدتری که بر ناسیونالیسم وارد می‌آید از سوی «جهان‌گرایی» است که با تکیه بر یگانگی نوع انسان، خواستار نزدیکی جوامع به هدف تحکیم صلح و همکاری بین‌المللی است. هواداران این هدف والا، باید توجه داشته باشند، که دوستی و نزدیکی پایدار

قرار می‌گیرد؟ پاسخ این است که ملی‌گرایی ایدئولوژی نیست، بلکه مورد سوء استفاده ایدئولوژی‌ها و نظامات دیکتاتوری قرار می‌گیرد. چنانکه همه‌ی جنگ‌ها و جنایات بشری را می‌توان بدین بهانه که به دست گروهی از «ملت» صورت می‌گیرد، به ناسیونالیسم نسبت داد، اما هیچ ملتی منافعی در تجاوز و سرکوب دیگر ملت‌ها ندارد.

آری، فاشیسم نکوهیده است زیرا نژادی را از نژادهای دیگر برتر می‌نهد. به همین منوال راسیسم، کمونیسم و همه‌ی دیگر ایدئولوژی‌ها محکوم‌اند زیرا از رشد آزادانه‌ی انسان جلوگیری می‌کنند، اما هر میهنی بطور طبیعی همه‌ی مواهب خود را در اختیار همه‌ی فرزندانش صرف نظر از وابستگی‌های نژادی، عقیدتی، قومی و جنسی... قرار می‌دهد. بنابراین دموکراسی اجتماعی و در پیامد آن دموکراسی سیاسی با میهن‌دوستی و ملی‌گرایی هم‌سرنشت است.

با اینهمه شاهدیم که در کشورهای پیشرفته نیز ناسیونالیسم نکوهش می‌شود. علت این است که در این کشورها خودآگاهی ملی به تبلور و تحقق خود دست یافته و نه تنها ملت‌های بزرگ، بلکه ملیت‌های کوچک مانند دانمارک و لوکزامبورگ (با جمعیت ۶۰۰ هزار نفری) نیز از هویت فرهنگی و تاریخی خدشه‌ناپذیری برخوردارند و مهمتر از آن، حکومت‌ها با وجود وابستگی حزبی، فقط و فقط در خدمت منافع ملی گام برمی‌دارند. بنابراین در کشورهای پیشرفته نه تنها نیازی به تکیه بر ناسیونالیسم نیست، بلکه با توجه به سوء استفاده‌های بسیار از آن در سده‌ی گذشته، هویت تاریخی و فرهنگی خود را کمتر به عنوان ویژگی ملی جلوه‌گر می‌کنند.

اما این وضع در کشورهای عقب‌مانده که هنوز خودآگاهی ملی در آنها تبلور نیافته و بدین سبب حکومت‌های خودکامه با تکیه بر ناآگاهی توده‌ی مردم، خود را مدافع منافع ملی جا می‌زنند، کاملاً برعکس

«بنی آدم اعضای یک پیکرند»، در آینده‌ی دور همه‌ی انسان‌ها هویت خود را از فرهنگی جهان‌گستر و یگانه کسب خواهند کرد، اما تا بدان روز، هرکس در دامان مواهب مادی و دستاوردهای فرهنگی میهن خود می‌یابد و بدین سبب انسانیت بدین تحقق می‌یابد که با کوشش و دهنش در زندگی، دین خود را به خانواده‌ی ملت خویش ادا نماید.

مفهوم دیرین «ملت» که پیش از آن در دیگر کشورها نیز با «دین» «آیین» مترادف بود، در کشورهای پیشرفته‌ی دنیا به موازات رشد سرمایه‌داری و دموکراسی در سده‌ی ۱۹ میلادی با واژه Nation مفهومی نوین یافت. به اینصورت که دیگر وابستگی به ویژگی‌های ملی (مانند سرزمین، زبان، اشتراک فرهنگی و سرنوشت تاریخی...) مشخصه‌ی آن نیست، بلکه به بیان ارنست رنان بر «بنیادی روحی» Nation با واژه Principe spirituel استوار است و به خواست و اراده‌ی «شهروندان» کشور بنیان می‌یابد.

بنابراین Nation (ملت) به مفهوم مدرن، هرچند با «ویژگی‌های ملی» پیوند دارد، اما بنیانش بر این است که مردمانی آگاهانه چنان به یکدیگر پیوند یابند که گویی فرزندان یک خانواده هستند. کانون این پیوند قراردادی اجتماعی است که به صورت «قانون اساسی»، بنیان جوامع و نظامات دموکراسی را تشکیل می‌دهد.

ملی‌گرایی بدین مفهوم که به اراده‌ی ملتی برای به دست گرفتن سرنوشت خود نظر دارد، به هیچ وجه به معنی مرزبندی با دیگر ملیت‌ها نیست و بدین دلیل که بنیانش بر دموکراسی و حقوق خدشه‌ناپذیر شهروندانی با ویژگی‌هایی گوناگون استوار است، به خودی خود نمی‌تواند نسبت به دیگر ملیت‌ها و دیگر ویژگی‌های ملی برتری جو باشد. پس باید پرسید که چرا «ناسیونالیسم» در کنار فاشیسم و دیگر ایدئولوژی‌ها مورد نکوهش